شماره ۳۸۳ — ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۱ — همراه با دو تابلوی رنگی از هنرمندان معروف جهان — ۱۵ ریال

فیلم و هنر



چهارم خرداد
شب نشینی
باشکوه سپاس

ده میلیون نفر، پنج
جوایز سپاس به برگ

تهران در لحظات انتظار
سپاس



● این روزها همه‌جا صحبت از «جشنواره سپاس» است. همه از برگزیدگان سال پنجاه که طی مراسم باشکوهی در هتل «اینتر-کنتیننتال پنجشنبه شب هفته آینده، معرفی خواهند شد، حرف‌میزنند.

مجلات و روزنامه‌های مهم و پرتیراژ تهران، باتیترهای بزرك از شکوهمندی واهمیت سپاس یاد کرده‌اند و هفته آینده پنجشنبه شب، تب سپاس به‌اوج میرسد و در یك شب‌نشینی باشکوه و بزرك در چهارمین دوره جشنواره سپاس هنرمندان برترسال ۵۰ معرفی میگردند.

دراین مراسم پانصد تن ازهنرمندان مشهور سینما، تئاتر، تلویزیون وهمچنین دسته‌ای از خوانندگان فیلم وهنر، شاهد این مراسم بزرك درمحل خواهند بود وبعلاوه برای اولین‌بار بیش از ده میلیون تن از طریق پخش مستقیم تلویزیون، ناظر برتوزیع جوائز سپاس خواهند بود.

در حال حاضر، بسیاری کوشش می‌کنند که کارت ورود به شب‌نشینی بی‌نظیر سپاس‌که در هتل اینترکنتیننتال، باشرکت‌محبوبترین خوانندگان روز وباحضور هنرمندان سرشناس برگزار میگردد،بدست آورند، از جماه تعداد کثیری ازخوانندگان مجله تلفنا دائما با ما تماس دارند که به‌اطلاع این‌دسته‌از علاقمندان میرسانیم که تعداد معدودی کارت رزرو وتعیین شده‌که خوانندگان علاقمند مجله می‌توانند،تاپایان هفته بامراجعه به‌دفتر مجله کارت‌ها را دریافت کنند.

● واما خبرهای چهارمین جشنواره سپاس ...

درترکیب داوری چهارمین جشنواره سپاس، تغییراتی پدیدآمده است. «دکتر ابراهیم رشیدپور» به‌جهت ماموریتی‌که ازدانشگاه دریافت کرد راهی امریکا گردید و «بهرام بیضائی» که ازجانب «سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی» بعنوان نماینده‌شان در هیئت داوری تعیین شده بود به‌جهت گرفتاریهای خیر وهم‌چنین اشتغالاتی که نمایش فیلم «رگبار» دراین‌هفته، جهت‌وی سبب شده بود ازطریق «سندیکا» معاف شده وبجای ایشان، سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی «ناصر تقوائی» رابه‌هیئت داوران معرفی‌کرد و بامعرفی «جمشید شیبانی» از جانب اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران به‌هیئت داوری، بدین ترتیب تعداد داوران چهارمین جشنواره به‌حداکثر تعداد پیش‌بینی شده درآئین‌نامه جشنواره، رسید.

داوران چهارمین جشنواره سپاس عبارتند از:

دکتر حسن‌صدر حاج‌سید جوادی (سردبیر روزنامه اطلاعات ـ ریاست هیئت داوران) آریانا فرشاد (مونتور) بهرام‌ری‌پور (کارگردان ومنتقد فیلم) جمشید شیبانی (کارگردان وتهیه‌کننده فیلم) فریدون معزی مقدم (منتقد فیلم) عباس جوانمرد (هنرپیشه و کارگردان تئاتر) عنایت‌اله فمین (مدیر فیلمبرداری) هژیر داریوش (کارگردان ومنتقد فیلم) وناصر تقوائی (کارگردان فیلم)

● هیئت داوران تاکنون این فیلم‌ها رادیده‌اند:

شنبه ۱٦ اردیبهشت:

سه‌قاپ (فیلم طویل) ـ کارگردان: ذکریا هاشمی.

غبار (فیلم‌کوتاه) ـ کارگردان: احمد پوررحیم شیرازی

یکشنبه ۱۷ اردیبهشت:

فرار از تله (طویل) ـ کارگردان: جلال‌مقدم

شنبه‌شب چهارم خرداد مراسم اهدای زیدگان سینمای ایران را خواهند دید!

دروازه‌آشویتس (کوتاه) ـ کارگردان : مارکوگریگوریان

دوشنبه ۱۸ اردیبهشت :

خداحافظ رفیق (طویل) ـ کارگردان : امیرنادری
ایران ، سرزمین طبیعت‌های زیبا (کوتاه)ـ کارگردان :هوشنك شفتی

سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت :

درشکه‌چی (طویل) ـ کارگردان : نصرت‌کریمی
گلرسن (کوتاه) ـ کارگردان : طاهری دوست .

چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت :

ایوب (طویل) ـ کارگردان : فریدون ژورك
شیشه (کوتاه) ـ کارگردان : خسروپرویزی

پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت :

مردان سحر (طویل) ـ کارگردان : اسماعیل نوری‌علاء
پارچه کلاغی (کوتاه) ـ کارگردان : خسروپرویزی

شنبه ۲۳ اردیبهشت :

داش‌آکل (طویل) ـ کارگردان : مسعود کیمیائی
از درون وبیرون یك زندگی (کوتاه) ـ کارگردان : فرهاد محمدآبادی

یکشنبه ۲٤ اردیبهشت :

کاکو (طویل) ـ کارگردان : شاپور قریب
شرح حال (کوتاه) ـ کارگردان : خسروسینائی

دوشنبه ۲۵ اردیبهشت :

قصاص (طویل) ـ کارگردان : نظام‌فاطمی
عافیت (کوتاه) ـ کارگردان : حسن‌قلی‌زاده ـ فریدون‌جوادی

ونمایش فیلمها تا ۳ خرداد ادامه خواهدداشت، فیلم‌هائی‌که درروزهای آینده نمایش داده خواهندشد اینها هستند :

فیلم‌های طویل :

باباشمل (علی‌حاتمی) آدمك (خسرو هریتاش) ـ کلبه آنسوی رودخانه (احمدشیرازی) محلل (نصرت‌کریمی) پل (خسرو پرویزی) یك خوشگل وهزار مشکل (زرندی) رشید (نوری) الکلی (محمدعلی جعفری) غلام‌ژاندارم (امان‌منطقی) نقره‌داغ (ایرج‌قادری)

فیلم‌های کوتاه :

آیا (سهراب شهید ثالث) ایران سرزمین ادیان (منوچهرطیاب) مسجد جامع (منوچهر طیاب) توریست درایـران (خسرو سینائی) کفترباز (علی‌اصغر معصومی) بابابزرك (داود روستائی) آیه‌های زمینی (محمود دهخدا)

فیلم‌های ۸ میلیمتری (انتخاب شده ازبین ۱۹ فیلم)

کولبار (عبدالحمید حمیدی) عاشورا (ش . م . فرهمند) گرایش (جلال کبودانیان ـ طوفان) عتیقه (عبدالحمید حمیدی) پیاده ، اسب، فیل (محمود رئوفی) فیلم فارسی ! (شریفی) سنك (فصیحی‌فر) دهن‌کجی (حمیدی)

● در چهارمین جشنواره سپاس ، مجمع منتقدین ایرانی فیلم، سه‌دیپلم افتخار به‌بهترین بازیگر ، بهترین کارگردان و بهترین فیلم اهدا خواهد کرد .

کمیته اجرائی سپاس ، نظریات دوازده منتقد فیلم را از طریق آراء مخفی جمع‌آوری کرده‌است که روزاول خرداد باحضور دو تن ازنمایندگان مجمع منتقدین ایـرانی فیلم ، آراء مطالعه وبرگزیدگان منتقدین تعیین خواهندشد .

هم‌چنین درمراسم چهارمین جشنواره سپاس ، نویسندگان «فیلم‌و هنر» یادبود سینتا رابه‌یك هنرمند سینما یا تئاتر تقدیم خواهدکرد .

● در هفته گذشته این روزنامه‌ها ومجلات مارا نواختند :

اطلاعات (دوبار) کیهان (دوبار) آیندگان (دوبار) فردوسی (دوبار) ومجله‌های این هفته ـ تهران اکونومیست ـ امیدایران ـ کاخ‌جوانان ـ صبح‌امروز وهم‌چنین روزنامه تهران ژورنال و آفتاب شرق .

● در چهارمین جشنواره سپاس «وزارت فرهنك و هنـر» نیز علاوه براتحادیه صنایع فیلم ملی‌ایران و سندیکای هنرمندان فیلـم ایرانی، درهیئت داوران وکمیته اجرائی سپاس، نماینده خـواهد داشت .

بمعرفی وزارت فرهنك وهنر ، درهیئت داوران «بهرام‌ری‌پور» ودر کمیته اجرائی «توحیدی» حضور خواهندداشت .

● کمیته اجرائی سپاس با انتخاب برخی از هنرمندان که‌کاندید دریافت جایزه نمی‌بـاشند ، مشغول تمرین اهدای جوائز در هتـل اینترکنتیننتال می‌باشند .

● بقرار اطلاع ، هنرمندانی‌که قصد داشتند در فستیوال‌تاشکند شرکت کنند، به جهت همزمان بودن گشایش فستیوال ، بـا برگزاری مراسم سپاس ، سفرشان را دو روزبه‌تاخیر انداختند .

● خبرهای جدید و کاملتر در اطراف «چهـارمین جشنواره سپاس» راهفته آینده ، درهمین صفحات مطالعه کنید .



● «ایرن» بهترین هرپیشه زن بخاطر فیلم «محلل»



● بهروز وثوقی بهترین هرپیشه مرد بخاطر فیلم «داش آکل»

برندگان رفراندوم بزرگ سپاس

● هفته گذشته بعد از گذشتن سه ماه از آغاز رفراندوم مجله جهت اخذ نظریه از خوانندگان فیلم و هنر بمناسبت برگزاری چهارمین دوره جشنواره سینمائی سپاس، مدت تعیین شده منقضی گردید و هیئت بررسی نامه‌های رسیده پس از یك جلسه طولانی باتوجه بنامه‌های دریافتی کار خودرا بپایان رسانیده وبرندگان رفراندوم را انتخاب کرد و طی گزارشی که بسردبیر مجله داد کار خود را پایان یافته دانست. برای مزید اطلاع خوانندگان خویش بهتر آن دیدیم که قبل از هرگونه شرح و تفسیری در این مورد، بدرج صورت جلسه هیئت نظارت بررفراندوم مجله توجه فرمایند.

سردبیر گرامی - آقای علی مرتضوی

محترما همانگونه که مطلعید، هیئت نظارت کنندگان و برگزار کنندگان رفراندوم مجله که بمناسبت برگزاری چهارمین دوره آغاز شده بود آخر وقت پنجشنبه بیست‌ودوم اردیبهشت ماه بکار خود پایان داد. اولین‌نامه‌ای که جهت رفراندوم بدست هیئت رسیدفردای انتشار مجله فیلم‌وهنر و اعلام‌آغاز رفراندوم بود ودر طی مدت‌تعیین شده مجموعا — ۲۲۹۸۳ نامه جهت رفراندوم مجله بدست ما رسیدکه ازاین تعداد ۳٤۱٦ نامه بعلت‌آنکه مشخص و معین شد از طرف‌شخص بخصوصی بایك خط و یك‌فرم نوشته شده‌از نامه‌های رسیده کنار گذارده شد.

آنچه که جالب و با اهمیت جلوه می‌کندآن است که‌دررفراندوم فیلم و هنر، مسئله «محبوبیت» کمتر مطرح بوده و مسئله «هنر» اهمیت شایسته‌تری یافته است. در هرحال در پایان روز بیست ودوم باتوجه بلیست‌های تنظیم شده‌وآراء ثبت شده ۱۰ رشته مختلف بدین‌وسیله اعلام میگردد که فیلمها و افراد زیر حائز اکثریت می‌باشند. البته جهت اختصار برای هر رشته حائزین اکثریت تا نفرچهارم نامشان ذکر شده‌است.

۱— بهترین فیلم : درشکه‌چی (٥۹۱٤ رای) داش‌آکل (٥۳۱۸ رای) باباشمل (۳۳٦۰ رای)فرار ازتله (۲۹۱٦ رای)

۲— بهترین کارگردان:مسعود کیمیائی (٥۱۱۳ رای) نصرت کریمی (٤۹۱۸ رای) جلال مقدم (۳۷۱٤ رای) علی حاتمی (۲۳۰۰ رای)

۳ — بهترین بازیگر مرد : بهروز وثوقی (٤۹۱٦ رای) ناصر ملك‌مطیعی (٤۷۱۸ رای) نصرت کریمی (۳٥۱۰ رای) محمدعلی فردین (۳٤۹۰ رای)

٤— بهترین بازیگر زن : ایرن (٤۰۱٦رای) فروزان(٤۰۰۳ رای) پوری‌بنائی (۳۹۱۳ رای) شهلا (۳۳۰۳ رای)

٥ — بهترین بازیگر مرد نقش دوم: بهمن‌مفید (۳۳۲۰ رای) امین امینی (۲۹۹۸ رای) داود رشیدی (۱۸۱٦ رای) شیرالدامی (۱۷۲۰ رای)

٦ — بهترین بازیگر زن نقش دوم : دیانا (٤۹۳۰ رای) ژاله (٤۹۱٤ رای) — شهرزاد (۳٥۱٦ رای) — ایران دفتری (۱۹۲۳ رای)

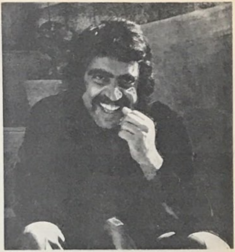
۷ — بهترین آهنگساز سال: مشفردزاده (٥۸۳٥ رای) حنانه (٤۳٦٥ رای) واثقی (۳۹۱۸رای) میرزاده (۳۷۱٦ رای)

۸ — بهترین سناریست سال: نصرت‌کریمی(٤۹۱٦ رای) کیمیائی (٤۷۱۸ رای)حاتمی (۳۹۱۸ رای) نوری‌علاء (۲۷۳٤ رای)

۹ — بهترین فیلمبرداررنگی: احمد شیرازی (۳۳٥۳ رای)مازیار پرتو (۳۳۱۸ رای) حمیدمجتهدی (۳۲٥۳ رای) مصطفی عالمیان (۲۹۳۹ رای)

۱۰ — بهترین فیلمبردارسیاه وسفید : ایرج صادقپور (٤٦۷۱ رای) نعمت حقیقی (٤٥۱۹ رای) نصرت‌الله کنی (۳۹۱۳ رای) همایون ارجمند (۳۰۱۷ رای)

کلیه پاکات نامه‌های دریافتی درآرشیو مجله موجود است‌وجدول



● «مسعود کیمیائی» بهترین کارگردان سال بخاطر فیلم «داش آکل»



● بهمن مفید بهترین بازیگر مرد نقش دوم

● ۲۲۹۸۳ نامه برای رفراندوم بزرگ فیلم و هنر ● درشگه‌چی - بهروز وثوقی - ایرن - کیمیائی بهترین فیلم و هنرمندان سال از نظر خوانندگان مجله ● گزارش هیئت نظارت بر رفراندوم و سایر مسائل مربوط باین مسئله

حائزین آراء و لیست مربوطه و نامه‌های مخدوش نیز پیوست تقدیم میگردد .

با احترام : هیئت نظارت بررفراندوم مجله

خوشبختانه هرچه برعمر کوتاه سپاس افزوده میگردد، به‌ارزش و اهمیت کاری که فیلم و هنر انجام داده افزوده میشود بهمین علت خوانندگان مجله بیش از پیش باهمیت کار ما پی‌برده و در این راه ما رایاری‌وتوان میدهند وبرغم همه رفراندوم‌های ریز و درشت‌و «محبوب‌ترین» و «بهترین» سایر مطبوعات بانامه‌های سرسام‌آور ، فیلم وهنر توانسته است واقعیت‌یك رفراندوم بزرك راشان دهد . یکی ازدوستان هنرمند اظهار میداشت که چرا من که در رفراندوم فلان مجله اینهمه رای آورده‌ام ، چرا در رفراندوم فیلم‌وهنر ، اصلا ازمن خبری نیست واین مسئله را دلیل دشمنی و یاعداوت ما با خودش میدانست ، درحالیکه ما بطورکلی ازاین مسائل بدوریم . هرزمان ، هروقت که کسی خواست میتواند ازنزدیك تشکیلات ما آمده وهمه آنچه راکه درمجله می‌نویسیم از نزدیك مشاهده کند، ما برعکس دیگران ، دوستی وهمکاری را در این مسائل داخل نمی‌کنیم زیرا هدف چیزدیگری است .

در رفراندوم امسال آنچه برای ما جالب بود تعدادآراء رسیده و اهمیتی است که از این نظر کارما پیدا کرده است‌وانتخاب بهترین‌های رفراندوم دلیل این مسئله است که خوانندگان مجله بخوبی ارزش‌های راستین کار سینما را می‌ستایند و میکوشند «بهترین» را انتخاب کنند نه «محبوب‌ترین» را .

در هرحال فیلم درشگه‌چی بخاطر سادگی وایجاد یك محیط خوب و پرورش داستان و ایجاد مکتبی تازه در سینمای ایران در رفراندوم مجله رای اول را بدست آورد . **داش آکل** در درجه دوم و باباشمل مقام سوم را کسب کرد . این نتایج نشان دهنده این مسئله است که دیگر فیلمهای پرفروش نقشی در رفراندوم فیلم و هنر نمی‌تواند داشته باشد . درمیان کارگردانان آراءنزدیك بهم کریمی و کیمیائی بخاطر درشگه‌چی و داش‌آکل سخت جالب مینمود و همین مسئله نشان داد که سطح فکر خوانندگان مجله تاچه حد ارتقاع پیدا کرده است . انتخاب بهروز وثوقی بعنوان بهترین چهره سال ، از قبل پیش‌بینی میشد، اما تاهفته‌های آخر آراء ملك‌مطیعی در درجات ششم و پنجم بودویکباره قوس صعودی را طی کرد بطوریکه ملك مطیعی را تامرتبه دوم بالا آورد . آراء نزدیك بهم فروزان‌و ایرن نیز در جمع آراء جالب مینماید . ایرن بابدست آوردن۱۳ رای بیشتر ، مقام اول را بدست آورد و بالاخره بقول معروف‌نحسی عدد سیزده ، گریبان فروزان را گرفت ، اما در هرحال یادگرگونی تازه‌ای که فروزان‌در کارش ایجاد کرده است ، میشد ازقبل این‌پیش‌بینی را کرد ولی ایرن در سال قبل یك‌باره زندگی هنری خود را ازنو آغاز کرد ویکی ازامیدهای کسب جایزه‌است .

در میان آهنگسازان‌منفرد - زاده یکه تاز میدان بود، زیرا متاسفانه با وجود گسترش کار فیلمسازی در ایران ، آهنگسازان موزیك متن فیلمها در همان تعداد محدود باقی مانده‌اند . درهرحال پایان رفراندوم بزرك مجله نشان داد که تاچه حد سطح دانش و بینش‌سینمائی جامعه ایرانی افزایش یافته است ودرمیان تعداد بیشمار رفراندوم های جوراجور مطبوعات ایران ، تنها فیلم و هنر صادقانه برگزار کننده رفراندوم واقعی است .

هرچند که میخواستیم به برندگان این رفراندوم در جشن اهدای جوایز دیپلم و یا یادبودی بدهیم ، ولی بنابعللی فعلا از این کار منصرف شده و آن را بزمان دیگری موکول کردیم ●

برندگان جایزه

● خواستیم که همزمان با رسیدن سیل نامه‌های خوانندگان فیلم‌وهنر در قبال انتخاب بهترین هرمندان برگزیده خود از جهت رفراندوم بزرگ مجله ، رای‌وعقیده هرمندانی را که در سال گذشته (دوره سوم سپاس) برنده‌این‌مجسمه گرانقدر وایجاد کننده تحول‌عمیق سینمای ایران‌شدند. جویا شویم . این است که کوشش کردیم عقیده همه آنها را دراین مورد استفسار کنیم . اما باکمال تاسف تا آخرین لحظه نگارش مطلب نتوانستیم به چندنفرازجمله «داریوش‌مهرجوئی» و«ناصر ملك‌مطیعی» دست بیابیم، چرا که اولی به «کان»رفته برای نمایش فیلم پستچی و دیگری در سفر بزد جهت فیلمبرداری «مرد» بسر میبرد .

تاسف دیگر ما در قبال آن دسته از هنرمندانی است که درزمینه تئاتر شهرت زیادی دارند و طی یکی دوسال اخیر سینما آنها رابه کام خودکشیده ، اما نمیدانیم‌روی چه‌اصلی نمیخواهند فیلم‌های تهیه شده در کشورشان راببینند ودرباره آنها قضاوت کنند، در حالیکه اصولا هرکسی که در سینمای این کشور بنوعی فعالیت دارد، لازم است که به‌نحوی فیلم‌های سایر همکارانش را ببیند .

بهرصورت آنچه در ذیل می‌آید ماحصل آرائی است که توانستیم ازآنها بدست آوریم و شاید در هفته آینده بتوانیم بقیه‌را هم راضی کنیم که دراین باره «فقط» عقیده‌شان را ابراز کنند نه‌چیز دیگر !



● فخری خوروش :
... چون‌من در سال‌گذشته اصلا فیلم ایرانی ندیدم، نمی‌توانم دراین مورد حرفی بزنم!



● علی عباسی :
... یك مقدار بازیهای‌خوب از کریمی ، وثوقی و ناصر ملك مطیعی دیدیم و همچنین موزیك خوبی که اسفندیار منفردزاده در«داش‌آکل» عرضه کرد و ...

●

منفردزاده و سپاس سوم !

● اسفندیار منفردزاده‌اولین کسی بود که به‌این پرسش ما تا حدودی پاسخ گفت . او که در دوره‌های دوم وسوم سپاس بخاطر ساختن موزیك‌متن فیلم‌های«قیصر» و «رضا موتوری» جایزه سپاس را بدست آورده دراین مورد بماگفت:

«من کلا نمی‌توانم نظری بدهم ولی قدرمسلم آنکه هرکس روی کار خودش تکیه می‌کند و ازکار خودش تعریف می‌نماید . من هم فکر میکنم با ساختن موزیك متن «داش‌آکل» بازهم استحقاق دریافت جایزه سپاس را داشته‌باشم، چون بجرات می‌توانم بگویم که این بهترین کار من تاکنون بشمار میرود واگر نگیرم فکر میکنم‌یك جور بی‌انصافی باشد .»

علی عباسی و کوشش‌های خوب

● علی عباسی تهیه کننده خود ساخته و جوان سینمای ایران که دور از هرغوغای کاذبی به‌کار خود ادامه میدهد، در سومین دوره سپاس (۱۳۵۰) فیلم «حسن‌کچل» اوبرنده سپاس نقره (دومین فیلم سال) گردید و ضمنا یکی دیگر از فیلم‌های سازمان سینمائی او تحت‌عنوان «پنجره» برای فیلم ـ برداری خوبش «کتی» را موفق به‌دریافت جایزه سپاس کرد .

او در مورد سئوال ما گفت:

«والا امسال ماشاهد یك‌مقدار کوشش‌های خوبی بودیم : کریمی (درشکه‌چی و محلل) کیمیائی (داش‌آکل) و مقدم (فرار ازتله) نمایشگر این کوشش‌های خوب بودند و بعدش یك مقدار بازی‌های خوب از آقای کریمی ، آقای وثوقی وآقای ناصرملك‌مطیعی‌دیدیم و باز موزیك خوبی که اسفندیار منفردزاده در داش‌آکل بما عرضه داشت و همین‌طور احمد شیرازی وفیلمبرداری او در«کلبه‌ای‌آنسوی رودخانه» ـ که این کارها،کارهای شخصی‌تری از بقیه‌بوده‌اند وبالطبع این کوشش‌های این شکلی می ـ تواند مایه امید ماباشد ...»

●



● اسفندیار منفردزاده :
... من فکر میکنم با ساختن موزیك متن «داش‌آکل» بازهم استحقاق دریافت جایزه سپاس را داشته باشم‌چون‌بهترین کارمن تا حالاست ...

سپاس سال گذشته

برندگان امسال را اعلام می‌کنند!



● دکتر طبیبیان :
... ژوری جشنواره سال گذشته خیلی خوب بودند و خیلی منصفانه قضاوت کردند، بطوری که من انتظار آنقدر دریافت جایزه بابت فیلم «هالو» نداشتم ...

عباس همایون و همه آس فیلمی‌ها!

● از عباس همایون تهیه کننده قدیمی سینمای ایران وقتی خواستیم نظر خودش را در این مورد برایمان بگوید، بلادرنك یك سری اسم برایمان ردیف کرد که ازهمکاران «آس‌فیلم» بوده‌وهستند و جناب همایون نخواست که این وسط هیچکسی ازاو باصطلاح‌دلخور بشود!

در سومین دوره سپاس فیلم «رقاصه» محصول آس‌فیلم و ساخته «شاپور قریب» جایزه «سپاس‌برنز» رابدست آورد وضمنا«ناصرملك ـ مطیعی» هم بخاطر ایفای نقش تحسین‌آمیزش درهمین فیلم‌مترتکا بابهروز وثوقی جایزه‌هنرپیشه نقش نخست رابدست آورد.

بهرصورت عباس همایون در مورد سئوال ما طی دوتماس تلفنی چنین گفت:

«درمورد فیلم‌هائی‌که میتوانم برایتان اسم ببرم و امتیازاتی خواهد آورد باید از درشکه‌چی، تله، داش‌آکل، کاکو و سه‌قاپ نام ببرم. ازآقایان هنرپیشه‌های مرد از بهروز وثوقی، ناصر ملك ـ مطیعی و منوچهر وثوق بعنوان نقش نخست اسم میبرم.

در مورد هنرپیشگان زن‌این سه‌نفر بیشتر از بقیه احتمال برنده شدن دارند: فروزان،پوری بنائی و مرجان.

از کارگردانها: کیمیائی، ذکریاهاشمی و شاپور قریب و از سناریست‌ها میرلوحی را انتخاب میکنم.»

دکتر طبیبیان و شگفتی بی‌حدش

● تهیه کننده جوانی که بتازگی فعالیت‌مستمری رادرسینمای ایران آغاز کرده و بدون جنجال‌ـ های بیهوده به‌کارش می‌پردازد، همین دکتر خودمان هوشنگ‌خان طبیبیان است‌که فیلم «هالو» در سومین دوره‌پخش جوائز سپاس، همه جوائز را درو کرد و کلی جایزه برد!

هالو در سومین دوره این جوائز را کسب کرد: جایزه هنر پیشه زن‌نخست (فخری‌خوروش)ـ جایزه هنرپیشه مرد نقش دوم (عزت‌الله انتظامی)ـ جایزه‌بهترین سناریو (علی نصیریان و داریوش مهرجوئی) ـ جایزه بهترین‌کار ـ گردانی (داریوش مهرجوئی) و سپاس‌طلابهترین فیلم. تهیه کننده این فیلم بهرحال در پاسخ پرسش ما طی‌یك تماس تلفنی چنین گفت:

«من اصلا در سال ۵۰ هیچ یك از فیلم‌های فارسی را ندیدم واجازه بدهید دراین موردااظهار نظری نکنم ولی یك‌چیز رامی‌توانم بگویم و آن اینکه ژوری جشنواره سال گذشته خیلی خوب بودند و خیلی بیطرفانه و منصفانه قضاوت کردند. من انتظار نداشتم انقدر جایزه نصیب «هالو» بشود وامسال هم یقین دارم که خیلی‌بیطرفانه قضاوت خواهند کرد و رای آنها هرچه باشد من دربست می‌پذیرم.»

هنرمندان تئاتر و بی‌لطفی!

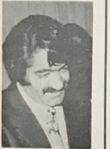
● همانطور که در مقدمه مطلب اشاره کردیم، تنی چند از هنرمندان زبده و ـ خوب تئاتر ماکه بافیلم‌های «گاو» و«هالو» به سینمای‌ایران راه‌یافتند: عزت‌اله انتظامی، علی نصیریان وفخری خوروش در پاسخ به این سئوال ما اظهار بی‌لطفی کردند، یعنی به‌بهانه این که اصلا هیچ‌فیلم ایرانی درطی سال‌گذشته ندیده‌اند، نمی‌توانند اظهارنظری بنمایند. ندادن پاسخ به‌پرسش ما بهرحال عیبی ندارد!، اما چقدر متاسفیم که‌این هنرمندان مورد احترام ما نمی‌خواهند در جریان وکوران‌کار سایر همکاران خود قرار بگیرند درحالیکه اکثر فعالیتشان اینك در زمینه بازیگری سینما است. چون هرچه باشد اینها هم قسمتی از گردانندگان سینمای ایران هستند.

فی‌المثل علی نصیریان که‌در مواردی خودرا کنار میکشد و سعی میکند ازجریان این قبیل‌رویدادها دور بماند بما گفت: «من هنرپیشه فیلم ایرانی بآن صورتی که‌دیگران هستند، نیستم و خارج از گودم، بنابراین مرا ازاین اظهارنظرمعذور بدارید.»

ویا «عزت‌اله انتظامی» که سال گذشته دریکی دو فیلم مثل پستچی و «صادق کرده» بازی کرده، اظهارداشت که جز«داش‌ـ آکل» هیچ فیلم دیگری را ندیده است و همین‌طور خانم خوروش...

●

بهرحال این اظهار نظرهارا داشته‌باشید تاهفته آینده که احتمالا بتوانیم آرای سایر برندگان رانیز برایتان بدست آوریم.



● عزت‌اله انتظامی :
... من جز داش‌آکل‌فیلم دیگری ندیدم و بهمین جهت نمی‌توانم دراین مورد اظهار نظری بکنم ...

رویدادها

صمد و فولاد زره دیو

● جلال‌مقدم‌سازنده فیلمهای سه دیوانه،پنجره، فرارازتله‌ورازدرخت سنجد از این هفته برای موسسه‌ی گروه آزاد فیلم کارگردانی فیلم تازه‌ای را آغاز کرده است موسوم به «صمد و فولادزره دیو» که نقش صمد را در آن پرویز صیاد بایك برداشت‌تازه‌ایفا مینماید «قره‌باغی» خواننده باس اپرای تالار رودکی نقش دیو را در این فیلم بعهده دارد و سایر نقشها را نوری کسرائی ، نوذر آزادی و گروه برنامه‌ی تلویزیونی سرکار استوار بازی مینمایند . این فیلم را نعمت حقیقی فیلمبرداری مینماید .

طوق لعنت

● اسماعیل پورسعید سازنده‌ی فیلم «توبه» که اخیرا نمایش‌داده شد و با موفقیت روبرو گردید در صدد کارگردانی فیلم تازه‌ای برای اسکار فیلم است موسوم به «طوق لعنت» که فعلا سرگرم نوشتن سناریوی آنست . هنوز هنرپیشگان این فیلم بطور قطعی انتخاب نشده‌اند ولی باحتمال قوی ناصر ملك مطیعی و بهمن مفید در آن بازی خواهند کرد . فیلم مزبور را که حسین واثقی برایش موزیك متن خواهد ساخت رضا محاوری فیلمبرداری مینماید .

مظفر

● در موسسه‌ی گروه آزاد فیلم که با همکاری پرویز صیاد علی حاتمی و موریس تاسیس‌یافته و هم‌اکنون در آنجا مشغول‌آماده نمودن فیلم «خواستگار» میباشند تا چند روز دیگر تهیه فیلم‌تازه‌ای آغاز خواهد شد موسوم به «مظفر» که سناریوی آنرا «تهرانی» نوشته است و کارگردانیش را «مسعود ظلی» بعنوان اولین فیلم طویل و داستانی خود انجام خواهد داد ؛ ظلی که قبلا تعدادی فیلم «مستند» در ایران ساخته است فارغ‌التحصیل رشته فیلمسازی از لندن است . در مظفر نقشهای اصلی را پرویز صیاد ، مری‌آپیك ، جهانگیر فروهر ونوذرآزادی بعهده دارند .

تنگنا آماده میشود .

● آخرین مراحل مونتاژ دومین فیلم «امیر نادری» طی میشود و این فیلم تا چند روز دیگر آماده صدا برداری خواهد شد . در تنگنا که محصولی است از سازمان سینمائی پیام و توسط جمشید الوندی فیلمبرداری شده است سعیدراد ، نوری کسرائی ، عنایت‌الله بخشی ، مهری ودادیان ، علی دهقان ، نریمان و عده‌ای دیگرشرکت دارند. سناریوی‌تنگنارا امیر نادری وناصرتقوائی نوشته‌اند. این فیلم را علی عباسی تهیه نموده است و تا یکماه دیگر آماده نمایش خواهد شد .

ساسان بجای بهروز

● چون‌بهروزوثوقی قراردادی با استودیو میثاقیه دارد که خرداد ماه در فیلم زخمی‌ها محصول تازه این استودیو بکارگردانی مسعود کیمیائی شرکت نماید لذا ساموئل خاچیکیان که مصمم بود نقش اصلی فیلم تازه خود «بوسه‌برلبهای خونین» را بوی واگذار نماید به چهره جدیدی بنام «ساسان» محول نمود . فیلم مزبور تا دو هفته دیگر بطور رنگی در مشهد جلوی دوربین خواهد رفت همایون‌اشکان، اکبر هاشمی و دو چهره جدید دیگر فرشاد و منیژه نیز در این فیلم شرکت دارند .

علی کنکوری

● مسعود اسدالهی «سناریست، کارگردان و ایفاگر نقش اصلی سریال تلویزیونی آدم و حوا ، با استفاده از یك قصه‌ی طنز سناریوئی برای فیلم تنظیم نموده است موسوم به «علی کنکوری» که تاکنون حدود نیمساعت آن بکارگردانی خودش توسط داریوش در استودیو عصر طلائی فیلمبرداری شده است . در این فیلم مسعود اسدالهی ، شهناز تهرانی و رضا کرم رضائی «ایفاگر نقش محلل در فیلمی بهمین‌نام» نقشهای اصلی را بعهده دارند و سایر نقشها را اشرف کاشانی ، گیتی فروهر ، بنی‌احمد ، پروین ، زاهدی و داریوش اسدزاده بازی مینمایند .

توطئه

● موسی افشار تکنیسین با سابقه که قبلا دو فیلم مرد روز و ضربشت را مستقلا ساخته است در صدد تهیه و کارگردانی فیلم تازه‌ای است موسوم به «توطئه» که در حال حاضر «فتح‌الله منوچهری» مشغول نوشتن سناریوی آنست . هنوز هنرپیشگان این‌فیلم که قسمتهائی از آن قرار است در «مراغه» فیلمبرداری شود بدرستی انتخاب نشده‌اند .

خونخواهی درلباس جاهلی!

● سازندگان‌فیلم «خونخواهی» محصول تازه کوروش فیلم با یك حساب تجارتی تصمیم گرفتند این



● سعیدراد و نوری کسرائی در نمائی از «تنگنا» ساخته امیر نادری

فیلم را با یك فرم دیگر بسازند. قبلا قرار بود این فیلم درتویسرکان بالباسهای زمان قاجاریه ساخته شود ولی بعلت شکست مادی فیلمهائی که با این لباسها ساخته شده بود سازندگانش تصمیم گرفتند فرم لباسها را باتغییراتی که در سناریوی آن داده‌اند به لباسهای جاهلی‌تغییر دهند.این‌فیلم قراراست‌بکارگردانی داود اسماعیلی در تهران با شرکت رضا فاضلی ، جمشید مشایخی ، مرتضی عقیلی ، بهرام وطن‌پرست ، تاجیك ، چهره جدید ساحره و بوتیمار فیلمبرداری گردد .

بدکاران در شمال

● سازندگان فیلم بدکاران محصول تازه آریانا فیلم این هفته بعد از تهیه حدود چهل دقیقه از آن در تهران جهت تهیه قسمتهائی دیگر از این فیلم رهسپار شمال گردیدند . در این فیلم‌که سناریوی آنرا اکبر صادقی نوشته است و کارگردان‌وفیلمبردارآن «قدرت‌الله احسانی» است مختار ، وجستا ، دلیله ، تجدد ، محمود بهرامی ، اردشیر پهلوان و عده‌ای دیگر شرکت دارند بدکاران با سرمایه عباس شباویز تهیه میگردد .

دستفروش

● داود ملاپور سازنده‌ی فیلمهای شوهر آهوخانم، باباکوهی و شب اعدام که هم اکنون فیلم جدال در کویر را آماده نمایش دارد مذاکراتی با سازمان سینمائی پیام نموده است تا از روی‌سناریوی «زیبا» نوشته‌ی «وحیدی» که از روی داستانی بهمین‌نام اثرمطیع‌ـ الدوله حجازی اقتباس شده فیلمی کارگردانی نماید . در صورتیکه این‌مذاکرات به نتیجه نرسد ملاپور شخصا تهیه و کارگردانی فیلمی‌را آغاز خواهد کرد تحت عنوان دستفروش که هنوز ازنام بازیگران آن اطلاعی در دست نیست .

بعد از امتحانات مدارس

● بخاطر آنکه ایفاگر چند نقش مهم‌فیلم «جنگجویان‌کوچولو» عده‌ای کودك ۸ تا ۱۲ساله دبستانی هستند و این ایام مقارن است با انجام امتحانات آخر سال مدارس لذا سازندگان فیلم مزبور مصمم شدند فیلمبرداری آنرا که قراربود از این هفته آغاز شود تا اواسط خرداد ماه بتاخیر بیاندازند . این فیلم را که محصو لی است ازپارس فیلم «آرمائیس آقاماليان» کار ــ گردانی و محمودکوشان‌فیلمبرداری مینماید . ایلوش ، کریستین ، مرتضی عقیلی ، حبیب‌الله بلور ، بهمنیار و کودکان خردسال‌پیمان و کامبیز کوشان در این فیلم نقشهای اصلی را بعهده دارند .



● بهارك و عبدالعلی همایون در نمائی از «استوار و پاسبان»

استوار و پاسبان روبراتمام

● آخرین‌مراحل فیلمبرداری یکی از محصولات تازه استودیو عصر طلائی موسوم به «استوار و پاسبان» طی میشود . در این فیلم که بکارگردانی نظام فاطمی توسط ابراهیم دیلمانی فیلمبرداری میشود عبدالعلی همایون ، حسین حسینی، بهارك و مرتضی عقیلی نقشهای اصلی را بعهده دارند . با اتمام فیلمبرداری استوار و پاسبان و مراجعت ناصر ملك مطیعی ازسفر یزد که هم‌اکنون در آنجا مشغول بازی در فیلم «مرد» است نظام فاطمی کارگردانی فیلم «قربانی» را با شرکت وی در استودیو عصر طلائی آغاز خواهد کرد .

کریم درویش

● منوچهرصادقپورمدیرعامل پارسا فیلم که در سال ۵۰فیلمهای درشکه‌چی ، شاطر عباس ، عمو یادگار و عزیز قرقی‌را تهیه نموده بود برای امسال نیز تدارك تهیه چند فیلم دیگر را فراهم نموده است که اولین آنها کریم درویش نام دارد که در آن فریده نصیری ، منوچهر صادقپور ، ابراهیم فخار ، اسداله یکتا و عده‌ای دیگر شرکت دارند این‌فیلم را صادقپور شخصا کارگردانی خواهد کرد .



● محمد عرب و شهین در صحنه‌ای از «طغرل» ساخته سیامك یاسمی

خانم معلم

● چنانچه «عباس‌شباویز» جهت شرکت در فستیوال سینمائی «تاشکند» بشوروی سفر نماید تهیه فیلم «خانم معلم» بعد از بازگشت او از اواسط خرداد ماه آغازخواهد شد در غیر اینصورت این فیلم تا چند روز دیگر بکارگردانی وی توسط احسانی جلوی دوربین فیلمبرداری خواهد رفت تاکنون بازی آذرشیوا و عزت‌الله‌انتظامی دراین‌فیلم که‌سناریویش راجمال‌امید نوشته است قطعی شده است ولی هنوز مذاکرات شباویز با بهروز وثوقی بخاطر مسائل مالی به نتیجه مطلوب نرسیده است .

لطفا ورق بزنید

نشریه هفتگی
فیلم وهنر
صاحب امتیاز و مدیر :
عبدالمجید رمضانی
آدرس اداره : ابتدای رزولت شماره ۳ ــ آپارتمان شماره ۱۰
تلفن امور اداری
۸۳۹۹۷۱
تلفن هیئت تحریریه :
۸۳۳۶۳۵
چاپ از : سکه
تلفن ۳۱۳۹۳٤
گراور از : جواهری
تلفن ۳۱٤۳۱۱
روی جلد : پوری بنائی
تابلوهای وسط : کلینت ایستوود ــ آن‌مارگرت

«مرگ درونیز» در «سینه کلوب»

● به همت «سینه‌کلوب ایران» هفته‌گذشته آخرین فیلم«لوکینو ویسکونتی» موسوم‌به«مرگ‌درونیز» به‌نمایش درآمد.
«مرگ در ونیز» بهترین فیلم «لوکینوویسکونتی»ست و در آن «درک بوگارد و سیلوانا منگانو» بازی دارند، این فیلم قبلا در «جشن هنر» به‌نمایش درآمده و قرار است در سال جاری در سینما شهرقصه نیز نمایش داده شود.



● صحنه‌ای از فیلم «علی‌کنکوری» ساخته مسعود اسداللهی

طغرل رو به اتمام

● تاچند روزدیگر فیلمبرداری محصول تازه سازمان سینمائی چهلستون موسوم به «طغرل» در اصفهان بپایان خواهد رسید و اکیپ بازیگر و سازنده به تهران مراجعت خواهند کرد. در این فیلم که سناریست و کارگردان آن «سیامک یاسمی» و فیلمبردارش حمید مجتهدی است سعیدراد، نهیین، دلارام، محمد عرب، حسن رضائی، ریمان، زانیچ، حمیدی، جنتی شیرازی وهنرمندان گروه ارحام صدر سرور رجائی و کلارا شرکت دارند. سازمان چهلستون دهم خرداد ماه اکیپ دیگری را جهت ساختن فیلم سینما سکوپ رنگی «پریزاد» رهسپار اصفهان خواهد کرد. در این فیلم‌که کارگردان آن سیامک‌یاسمی وفیلمبردارش حمید مجتهدی‌است ارحام صدر، فروزان، میری، حسن رضائی و عده‌ای دیگر شرکت دارند.

زخمی‌ها شروع میشود

● مسعود کیمیائی با آماده شدن فیلم «بلوچ» خود را برای ساختن فیلم تازه‌اش «زخمی‌ها» آماده مینماید بهمین خاطر بهروز وثوقی نتوانست در فیلم ساموئل خاچیکیان «بوسه‌برلبهای خونین» شرکت نماید. در زخمیها که محصولی است از استودیو میثاقیه و بعد از مراسم جشنواره سپاس جلوی دوربین خواهد رفت علاوه بربهروز وثوقی، فرامرز قریبیان‌نیز شرکت دارد وفیلمبرداریش رانعمت حقیقی انجام خواهد داد. برای این فیلم طبق معمول اسفندیار منفردزاده موزیک متن خواهد ساخت.

آلاخون‌والاخون

● فیلمبرداری محصول تازه‌سازمان سینمائی پانوراما موسوم به «آلاخون والاخون» آغاز شده است در این فیلم تیم تلویزیونی سریال مزبورمنجمله محسن هرندی، دیانا، اسکندری، صفاپور، بنی‌احمد و... شرکت دارند. ضمنا فیلم «خانه قمرخانم» که بکار – گردانی فرمان آرا توسط باربد طاهری با شرکت پروین ملکوتی، محسن‌هرندی، اسکندری، بنی‌احمد، زری‌پورزند و سایر بازیگران سریال تلویزیونی آن تهیه شده هم‌اکنون آماده نمایش است و بزودی به روی اکران خواهد آمد.

تهران در ساعت ۱۲

● تاکنون چهل دقیقه از فیلم «تهران در ساعت ۱۲» توسط رضا محاوری فیلمبرداری شده‌است در این فیلم که سناریست و کارگردان آن نادر قانع میباشد فریبا خاتمی، بوتیمار، توران مهرزاد، پروین ملکوتی، اسدالله یکتا، ابراهیم فخار و چهره‌جدید بهمن فرزین رلهای عمده رابعهده دارند.
امور فنی و تکنیکی «تهران در ساعت ۱۲» دراستودیو ایرانفلیم انجام میشود.

شاپور قریب درآریانا فیلم

● قراردادی ما بین شاپور قریب و عباس شباویز مدیر عامل آریانا فیلم منعقد گردیده است تا بموجب آن قریب کارگردانی فیلمی را برای آریانا فیلم انجام دهد. در حال حاضر «شهریار قنبری» مشغول نوشتن سناریوی‌این



● دلیله، وجستا وتقی‌مختار درنمائی از «بدکاران»

توفیق بزرگ برای تپلی

● فیلم تپلی محصول جدید آس فیلم که با شرکت: همایون — زری خوشکام — ذکریا هاشمی — مرتضی عقیلی — آرزو و بهرام وطن پرست بکارگردانی رضا میرلوحی ساخته شده است ، بعنوان یك فیلم ایرانی در فستیوال بین‌المللی برلن شرکت خواهد کرد .

تپلی که با الهام از داستان موشها و آدمها اثر جان اشتاین‌بك توسط ایرج صادقپور تهیه و فیلمبرداری شده است، از فیلمهای بسیار خوب سینمای ایران در سال ۱۳۵۱ است‌که طی مراسمی از دهم خرداد ماه بنمایش درخواهد آمد .

بازی همایون‌کمدین معروف دراین فیلم بسیار درخشان و چشمگیر است و احتمال دارد فیلم مزبور باتوفیق بیسابقه‌ای مواجه گردد .



● توران مهرزاد و اسدزاده درنمائی از «فتانه»

فیلم‌است وهنوزهیچیك ازبازیگران آن انتخاب نشده‌اند .

آنچه مسلم است فیلمبرداری این فیلم را «نصرت‌الله کی»انجام خواهد داد . نام فیلم و بازیگـران آنرا بعدا به اطلاع خواهیم رساند. ضمنا تهیه فیلم «مشرقی» که قرار بود به کارگردانی عبدالله غیابـی و با شرکت بهروز وثوقی درآریانا فیلم آغاز شود موکول شد به بعد از تصویب ساریوی این فیلم در اداره کل نگارشات وزارت فرهنك و هنر .

صدا برداری فتانه

● هم اکنون مراحل مونتاژ فیلم فتانه «که قرار است نـام آن تغییر نماید» اولین محصول ایران اکران طی میشود و تا چند روز دیگر جهت صدا برداری آمـاده خواهد شد . در این فیلم کـه بکارگردانی عباس دستمالچی توسط کیوان فیلمبرداری‌شده‌است مختار ، دلارام ، سپهرنیـا ، اسـدزاده ، فرنگیس فروهر ، مهردادیان و توران مهرزاد شرکت دارند .

محصول جدید

● «چشم‌داغ‌آسمان» محصول جدید سازمان سینمائی سپنتامیباشد که قرار است روبرت اکهارت‌آنرا کارگردانی نماید .

در این فیلم که توسط علیرضا زرین‌دست فیلمبرداری خواهد شد امیر جعفری و مرجان نقش های اصلی را بعهده خواهند داشت .

نمایش فیلمهای چارلی چاپلین در انجمن فیلم دانشکده اقتصاد

روز سـه‌شنبـه ۵۱٫۱۲٫۲۶ (امروز) ، ساعت ٦ بعد از ظهر فیلم طویل «جویندگان طلا» ساخته چارلی چاپلین در سالن نمـایش انجمن فیلم دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران نمایش داده می‌شود .

نیز ساعت ٦٫٥ روزچهارشنبه (فردا) چهار فیلم کوتاه چـارلی چاپلین توسط انجمن فیلم دانشکده اقتصاد نمایش داده خواهد شد.

مراحل فنی غریبه

● این هفته پس از پایان صدابرداری «غریبه» محصول «تینا فیلم» بی‌درنك مراحل فنی آن‌آغاز میگردد تا هرچه زودتر آمـاده نمایش شود .

سازنده این فیلم «شاپـور قریب» است و امور فیلمبرداری‌آن توسط «نصرت‌اله کی» در بوشهر انجام شده . در این فیلم « بهروز وثوقی ، نگار ، پرویز فنی‌زاده ، اکبر مشکین، دیانا و یدی شرکت دارند .

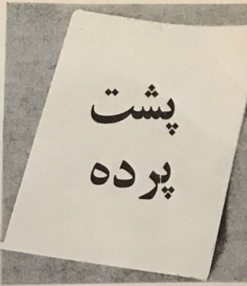
سرکار غضنفر

● تاکنون حدود چهل‌دقیقه از فیلم کمدی «سرکار غضنفـر» محصول جدید آس فیلم تهیه شده است . این فیلم را «رضامیرلوحی» میسازد که اولین فیلم او درمقام کارگردانی «تپلی» چنـدی است آماده نمایش می‌باشد . در سرکار غضنفر این بازیگران شرکت‌دارند: بهمن مفید ، مرجان ، مرتضـی عقیلی ، بهرام وطن‌پرست ، احمد هاشمی . امورفیلمبرداری‌آن‌برعهده «ایرج صادقپور» است که ضمنـا تهیه کننده فیلم‌هم بشمار میرود.

بقیه در صفحه ۳۵



● فریبا خاتمی ، توران مهرزاد و اسداله یکتا در صحنه‌ای از «تهران در ساعت ۱۲»



● راوی میگفت بدشانسی عجیبی گریبانگیر گروه هرمندان فیلم مرد شده است ، بطوریکه در حدود یکساعت از فیلمهائی که برداشته شده است بعلت یك نقص فنی دوربین دقیق از کار درنیامده و ناگزیر زورك مجددا می‌بایست همه آنها را از ابتدا فیلمبرداری نماید.
بعضی اوقات یك اشتباه کوچك سبب میگردد که مبلغ معتنابهی بتهیه‌کننده زیان برساند ششصد هزار ریال زیان فیلمی است که زورك باید از نو فیلمبرداری نماید .

● راوی میگفت برگزاری چهارمین دوره جشنواره وشب‌نشینی باشکوه آن سبب گردیده که رقابت بیسابقه‌ای بین ستارگان سینمای ایران درگیر شود و هریك از آنان برای تهیه شیك‌ترین ومجلل‌ترین لباس نسبت بدیگری اقدام کند. شب‌نشینی سپاس هرسال با چنین مسائل جالب وحاد مواجه میگردد .

● راوی میگفت اقدامات موثر مرکز کل امور سینمائی کشور جهت معرفی سینمای ایران بجهانیان سبب گردیده که از اکثر فستیوال های معروف جهان، جهت شرکت هرمندان وفیلمهای ایرانی دعوت بعمل آید، بطوریکه در حال حاضر یك کمیسیون مشغول بررسی‌فیلمهای ایرانی جهت شرکت در فستیوال‌های برلن، سن‌سباستیان ، لوکارنو و تاشکند است .

● راوی میگفت اهمیت برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌تهران سبب گردیده که مطبوعات بزرك جهان باین نقطه از خاورمیانه که در آن آرامش کامل حکمفرما است متوجه گردند وبیش از پیش مقدمات همکاریهای گسترده‌تری در زمینه تهیه و خرید فیلم ایجاد شود. بزرگترین مطبوعات جهان اینك بحث درباره ایران و جشنواره فیلم تهران پرداخته‌اند و همین مسئله سبب گردیده که وزارت فرهنك وهنر بخاطر موفقیت بزرك خود برای سال آینده بودجه زیادتری باین امر اختصاص دهد.

● راوی میگفت در حالیکه پرویز صیاد خود تیپ «صمد» را از مجیدمحسنی که سالها در سینما ورادیو این تیپ را ارائه میداد تقلید میکند ، مدعی شد که خلاق این تیپ و کاراکتر در تلویزیون بوده است و بهمین جهت بیکی از تهیه کنندگان اخطار کرده که حق استفاده از این تیپ را در فیلم خودش ندارد جالب آنکه در موردشفیع که قبل از ورود بتلویزیون بازیگر نقش کدخدا در فیلمها بوده همین ادعا را دارد .

● راوی میگفت خسرو هریتاش سفته‌ای بمبلغ پانصد هزار ریال از فریده صادقیان ویك سفته نیز بهمین مبلغ از پدر وی که جمعا یك میلیون ریال میگردد دریافت نموده که فریده صادقیان نتواند در فیلمی بدون اجازه او شرکت کند. با آنکه وی از جهت مالی‌وضع خوبی ندارد وپس از نمایش آدمك پیشنهادات زیادی باو شده‌است، معهذا خسرو هریتاش از شرکت وی در فیلمها جلوگیری میکند فریده صادقیان در نظر دارد دراین مورد اقدام نموده و ازطریق سندیکابرای احقاق حق خود فعالیت نماید .

● راوی میگفت پرویز فنی‌زاده بازیگر فیلم رگبار که بنابعضی علل چندبار در بیمارستان بستری و مخارج بستری شدن او را نیز وزارت فرهنك وهنر تقبل نموده است ، درمصاحبه‌ای گفته که اداره تآتر و وزارت فرهنك وهنر بکار ما رسیدگی نکرده وازنظر مادی در مضیقه‌ایم . جالب آنکه برای شرکت در مراسمی که در سینما دیانا برگزار میشد، اظهار بی‌پولی کرده و مبلغی از پخش‌کننده رگبار برای خرید لباس دریافت کرده بود .

● راوی میگفت بین فرشید فرزان و شکرالله رفیعی برسر درج اسم در پلاکات فیلم «مطرب» اختلاف شدیدی بوجود آمده و فرشید فرزان در نظردارد دراین مورد اقدام کند. فرشید فرزان مدعی است که نام وی باید در ردیف هنرپیشگان اول فیلم باشد، در حالیکه در پلاکات‌ها در ردیف سوم و چهارم آمده است وحالا فرشید فرزان مشغول جمع‌آوری پلاکات های فیلمهائی است که بازی کرده ودرآنها نقش نخست را داشته .

● راوی میگفت هفته قبل ناصرملك‌مطیعی دریك حادثه‌رانندگی جان سالم بدر برد. وی که باسرعت یکصد وبیست کیلومتر در ساعت بین محمودآباد و نوشهر رانندگی میکرد، براثر وارد شدن دو اسب بجاده تعادل ماشین را از دست داده وبکنار جاده میرود سقوط میکند که خوشبختانه بخاطر سك‌های کنار جاده حادثه دیگری روی‌نمیدهد. علاوه براین برای ملك‌مطیعی نیز یك حادثه دیگر نیز روی میدهد و آن آپاندیس شدید وحاد دخترش بوده که منجر بستری شدن وعمل او میشود .

● راوی میگفت سینه کلوب ایران با آنکه مدت کوتاهی‌نیست که از تشکیلش گذشته معهذا سخت مورد توجه عموم واقع شده واجرای برنامه‌های نمایش فیلم وبحث وگفتگو باعث شده که افراد علاقمند فیلم وسینما اقبال زیادتری نسبت ببرنامه‌های سینه‌کلوب نشان دهند و بعید نیست که تعداد سآنسهای نمایش آن بدو سآنس در هفته افزایش یابد .

● راوی میگفت یکی از تهیه‌کنندگان که مدتی در زندان بسر برده است ، در زندان با جوان خوش بروروئی آشنا میشود و در او علاقه بازی در فیلم وسینما را بوجود می‌آورد بطوریکه جوان مزبور پس از خروج از زندان با هزار زحمت یك میلیون‌ریال وجه‌نقد بدست آورده و در اختیار تهیه‌کننده مزبور قرار میدهد بدون آنکه سند و مدرکی بگیرد . حالا جوان مزبور نمیداند بچه کسی باید شکایت کند.

● راوی میگفت ایرج قادری ، با تهیه کنندگان فیلم «توبه» قراردادی داشته است تا درصورتیکه پورسانتاژ فروش اکران اول تهران این فیلم از چهارصد هزار تومان تجاوز کرد ، ۱۰٪ در منافع آن شریك باشد ولی بخاطر موفقیتی که این فیلم بدست‌آورده است اکنون ادعا نموده کەمنظوراو چهارصد هزار تومان فروش بوده است نه پورسانتاژ یعنی‌حالا که «توبه» یکمیلیون تومان فروش کرده است یکصد هزار تومان‌باید‌بگیرد و حتی وکیل هم گرفته‌که بکار او رسیدگی نماید از طرفی سازندگان‌فیلم «توبه» نیز به‌اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران و سندیکای هنرمندان برای رسیدگی به‌این موضوع روآورده‌اند .

بقیه درصفحه ۳۵

سحرگاه طراوت‌های یك زن...



سحرگاه که فرابرسد من تن خود را در چشمه خورشید شستشو خواهم‌داد و دراین طراوت سحرگاهی است‌که من باز تو را می‌یابم و به آوای مستانه تو جواب خواهم داد.

یك شاعر اسپانیائی

... و سحرگاه رستن‌های طراوت زندگی یك زن چندی است که سایه روشن خود را گسترده، اورا صیقل داده، همه غم‌هایش را بدست خاکستر فراموشی سپرده واز او «آن» زن دیگر ساخته است.

پوری بنائی، حالا دارد مرحله دیگری از زندگی روحی و هنری خود را سپری میکند. حوادث گذشته باو تجربه‌ها آموخته و فهمیده که برای عشق می‌توان پاداش‌های بزرگ‌دادوعمق سوختگی را حس کرد، وبعد به دوره صعود به عرش اعلاء دست پیدا کرد.

«پوری» دیگر بطور کلی به یك ستاره تحول یافته ودگرگون شده، تبدیل گشته . او دیگر آن ستاره لحظه‌های غم و حادثه های اشکبار زندگی کاراکتر های سینمائی‌اش نیست. او دیگر نمی‌خواهد در فیلم هایش مدام نقش آفرین یك زن زجر کشیده و پر از غم و درد باشد، چرا که تحولی که در وجودش زبانه کشید، اورا تاعمق شادی‌ها پیش راند.

بدون‌شك پس‌ازآن حادثه که در زندگی خصوصی او رخ داد و حالا حتما به دیده یك خاطره عزیز بآن مینگرد، پوری حس کرد که دراین سوی زندگی، در ورای سایه‌های تاریکی و ظلمت، رنج و عذاب و حرمان بیهوده برای یك عشق بیهوده ، هم می‌توان بشادی زیست، لبخند خوشبختی بر لب آورد، و در قالب رلهائی فرو رفت کسراپا شادی ونشاط واقعی باشد.

بعداز جدائی از بهروز بود که پوری مدتی سخت به درون‌خود نگاه کرد، خاطرات گذشته‌را مرور کرد وبه سبك وسنگین کردن همه آن رنج‌ها واشکهائی را که ریخته بود، پرداخت وبعد یکباره به این نتیجه رسید که باید تحول کلی در شیوه زندگی‌خصوصی وهنری خود بدهد ونتیجه این کندوکاو درونی زنانه سبب شد که او در فیلم‌هائی چون «زن‌یکشبه» ویا «یك‌خوشگل وهزار مشکل» به ایفای نقش‌هائی بپردازد که‌قبلا کسی از او انتظار بازی چنین نقش‌هائی را نداشت ...

از مدتی پیش باین طرف، پوری دیگر از ته دل می‌خندد، شادی میکند و بالطبع نقش‌هائی را که می‌پذیرد ، همگی برمحور این دگرگونی دور میزنند، اما بعضی مواقع هم مجبور میشود باز همان نقش‌های گذشته را بخاطر دلایلی پذیرا بشود.

پوری بنائی از زنهائی است که اخلاق و نجابت و شیوه رفتار بخصوصش ، توجه هرکس را بشدت بطرف خود جلب می‌کند. درجریان فستیوال بین‌المللی تهران، اوشدت مورد توجه فیلمسازان و بازیگران خارجی این فستیوال واقع‌شده بود.

طرز آرایش و لباس پوشیدن و بخصوص آن «وقار»ی که درهمه وجود او نهفته بود، باعث میشد که به پوری به چشم یك زن ایده‌آل و دلخواه نگاه کرده شود.

در تمام مراسم غیر رسمی‌که بازیگران خارجی‌در کنارهنرمندان ایرانی به تبادل نظر وایجاد دوستی گذرانیدند، این شخصیت و جاذبه زنانگی بخصوص «پوری» بود که سخت توجه همه بخصوص دو نفر «ژان‌کلود بریالی» و «کلود للوش» را جلب کرده بود.

«کلود بریالی» که بیشتر از «للوش» توانست از مصاحبت «پوری» لذت ببرد در مورد پوری به ماگفت: «این زن واقعا به تمام معنی هنرمند و کدبانوست. پذیرائی که او از ما بعمل آورد، نمایشگر آن مهربانی و میهمان دوستی خاص ایرانی‌ها نسبت به یك خارجی بود. من بخصوص از تناسب اندام و زیبائی بسیار شرقی وجاذبه بی‌امان او خوشم آمد...»

پوری اخیرا بصورت یك ستاره پرکار درآمده است. از او حدود پنج فیلم در دست تهیه و چندتائی هم آماده نمایش است. تازه‌ترین کار او بازی است که درکنار «فردین» در فیلم «من + جهنم» عرضه میکند، بطوری که می‌توان گفت بازی او دراین فیلم بنحو بسیار زیادی بافیلم‌های گذشته او متمایز است.

وکلام آخر در مورد این‌زن که دارای قلب بسیار رئوف و مهربانی هست ــ و چه بسی همین عاطفه ورقت قلب گاهی دردسرهای فراوانی برایش پیش آورده ــ این است که پوری هرگز یك ستاره زود غروب کن وبی‌تلالو نیست. همچنان که سالهای گذشته برایش پربار وموفقیت‌آمیزبوده‌اند، پوری در پناه وپرتو این قلب حساس ، عاطفه شدید واخلاق برجسته خود و نیز بالاتر از همه استعداد ذاتی بی‌پایان ، سالهای بسیار دوام‌خواهد آورد، زیرااعمالش کاذب وجنجالی نیست.



● پوری بنائی به هنگام‌بد برائی باچای از ژان‌کلود بریالی هرپیشه فرانسوی



● ایرن



● فروزان



● پوری بنائی



● زری خوشکام

آنهاکه شانس بیشتری دارند

چه کسی «ملکه زیبائی» فیلم ایرانی خواهد بود؟

● با دریافت نامه‌های بسیاری ازطرف خوانندگان وفادار مجله ،رفراندوم جدید فیلم و هنر وارد مرحله‌ی جدیدی میشود. متاسفانه در هفته‌ای که گذشت تعدادی از نامه‌ها بی‌جواب ماند. بدین معنی که موفق نشدیم یکایك آنها را مانند گذشته ، مورد مطالعه قراردهیم . علت اصلی فرارسیدن جشنواره سپاس بخاطر انتخاب «بهترین»های سال بود ولی مطمئنا پس از پایان جشنواره سپاس در نیمه دوم خردادماه بار دیگر کمیته نظارت براین رفراندوم کار خود را آغاز خواهد کرد و نامه‌های رسیده را مجددا مورد مطالعه‌قرار داده و احیانا کتبا به تعدادی از آنها جواب خواهد داد.

خوشحالیم از اینکه طرح این رفراندوم تا بدین حد مورد توجه خوانندگان و هنرمندان کشور قرار گرفته است و حتی عده‌ای از هنرپیشگان زن رابرآن داشته است که در نوع آرایش خودتجدیدنظر نمایند. این استقبال از طرف خوانندگان مجله بحدی است که در هفته گذشته بیش از پنجهزار نامه از شهرستانهای‌مختلف و تهران دریافت داشتیم . در لابلای این نامه‌ها که متاسفانه موفق بخواندن تعدادی از آنها شدیم ، عده‌ای اقدام فیلم و هنر را ستوده و دسته‌ای ما را مورد انتقاد قرارداده‌اند که در موقع مناسبتری به تعدادی از آنهاجواب خواهیم داد.

در این شماره نام چهار تن از هنرپیشگانی را که در این‌مدت رای بیشتری آورده‌اند ، چاپ کرده و ضمن آن سایر حائزین اکثریت در مسابقه انتخاب «ملکه زیبائی» معرفی میشوند . ازنامه‌های دریافتی اینطور استنباط میشوند که این عده شانس بیشتری در انتخاب شدن دارند . در صدر این دسته باید از ایرن نام‌ببریم . ایرن در سال گذشته بعد از یك کناره‌گیری کوتاه بار دیگرفعالیت خود را شروع نمود و بیکباره شهرت گذشته را بدست آورد . ایرن در این هفته با آوردن ۸۹۳۵ رای توانست برسایر رقبای خود پیروز شود . فروزان با آوردن ۸۸٤۲ رای در مقام دوم و پوری بنائی و زری خوشکام بترتیب با آوردن ۷۹۸۵ رای و ۷۸۲۶ رای در مقامهای سوم و چهارم قرار گرفتند .

مصاحبه

● عده‌ای از علاقمندان که همیشه جزو خوانندگان وفادار مجله باقی مانده‌اند ، طی نامه‌های خود از ما خواسته‌اند که از هم اکنون باهنرمندان ترتیب‌مصاحبه‌ای را داده تا از این راه بیشتر با آنها آشنا شوند . ناگفته نماند که دوستان ما میتوانند با خیالی آسوده هنرمندان دلخواهشان را انتخاب کنند چه‌آن عده‌که‌فعالیت زیادداشته‌وجزو پرکارترین هنرپیشگان محسوب میشوند وچه آن دسته‌ای که‌تازه شروع بفعالیت‌های هنری کرده ومدت‌کوتاهی‌است که درسینما فعالیت دارند . قرض از برگزاری این رفراندوم انتخاب یك هنرپیشه بعنوان ملکه زیبائی است و نوع فعالیت و پرکاری در این مورد بهیچ‌وجه دخالتی نمیتواند داشته باشد منباب مثال از هنرپیشگانی که اخیرا فعالیت خودشان را شروع کرده‌اند نام میبریم ، هنرپیشگانی چون ژالهسام، مه‌ناز ، ارغوان ، وجستا ، دلارام و ... بهرحال همه علاقمندان شرکت در این رفراندوم میتوانند یك یا چند نفر را بترتیب بعنوان «ملکه زیبائی» انتخاب نمایند .

نحوه برگزاری

● همانگونه که قبلا متذکر شدیم ما از هم اکنون کمیته‌ای برای رسیدگی بنامه‌های‌رسیده تشکیل داده‌ایم که بتدریج بنامه‌های رسیده رسیدگی خواهندکرد. متاسفانه بعلت کثرت نامه‌ها ما نمیتوانیم باین زودی یکایك آنها را مورد مطالعه قرار دهیم ولی پس از پایان جشنواره سپاس برتعداد افراد این کمیته اضافه خواهد شد. از نظرنحوه برگزاری یك شب نشینی برای اعلام برندگان باز احتیاج بوقت زیادی است و این امر بزمانی موکول میشود که هیئت ژوری انتخاب شده و شروع بکار نمایند . در آنموقع کمیته برگزاری تا اعلام نتیجه از طرف هیئت ژوری محل برگزاری شب‌نشینی را تعیین و باطلاع کلیه خوانندگان خواهد رسید .

حائزین اکثریت

● در این هفته نام‌های جدیدی به لیست کاندیدهای‌ملکه زیبائی اضافه شد که لازم است در اینجا از آنها نیز نامی برده شود این عده که تعداد کمی رای آورده‌اند عبارتند از : مه‌ناز ، وجستا ، نازنین ، دلارام ، در صورتیکه در هفته‌های آتی برتعداد رای‌های آنهاافزوده شودوجزو ده تن از کسانیکه کاندیدهای اصلی

بقیه در صفحه ۳۵

اشکها و لبخندها





گوگوش :

● یادم میاد اونروز تو عروسی یکی از خانواده‌های بزرگ که تا دلتون بخواد خواننده‌شرکت داشت و منهم از جمله خواننده‌های این عروسی بودم ، بعد از اینکه برنامه خودم‌رو اجرا کردم و شاهد هنرنمائی سایر خواننده‌ها بودم ، احساس کردم که ازصدای یکی از خواننده‌ها بیش از حد خوشم میاد وشاید هم متن شعری‌که اون میخوند ، اینطوری منو تحت‌تاثیر قرارداده بود. بهرحال بقول معروف محو صدای این خواننده بودم که پدرم پیش من اومد و شروع‌کرد به‌صحبت :

ــ گوگوش ، بعد از این برنامه تو باید دوباره برنامه اجراء کنی، آخه خیلی‌ها تجدید برنامه تورو خواستارند .

واما من از آنجا که توجهم بصدای خواننده‌ای بود که می‌خواند ، کاملا متوجه حرفهای‌پدرم نشدم ، وپدرم اینرا طور دیگری تعبیر کرد و با عصبانیت‌حرفهایش را ادامه داد :

ــ حالا زوده برای من قیافه بگیری دختر ، هروقت سرخونه زندگی خودت رفتی و کاملاتونستی دستت رو‌به‌دهنت برسونی ، شاید بتونی بمن محل نذاری ، اما...

ــ پدر ، چی میگی ، مگه‌یك خواننده نمیتونه از صدای خواننده دیگه خوشش بیاد ... چرا تو نمیذاری من یك‌لحظه تو خودم باشم و داری کاری میکنی که من ازهرکس خوشم میآد ، این دعارو براش بکنم که «بحق‌حق ، خدا تواین دورمزمونه خوانندت نکنه که باید فقط در فکر خوانندگی خودت باشی وبس !» .

ودر اینوقت صدای‌خواننده‌ای که برنامه اجرا می‌کرد آنچنان در فضا طنین انداخت که من‌وپدرم درحالیکه هردو از عصبانیت‌بشدت فریاد میزدیم ، هیچیك صدای دیگری را نمی‌شنیدیم ...

ــ دلم میخواد عروس بشم من

خوشگل بشم‌ملوس مشم من...

بهرحال این مسئله و نیز ناملایماتی که من درکارخوانندگی متحمل شدم ، باعث گردیدکه‌پیش خودم عهد کنم بهرقیمتی که شده ازخواننده شدن‌این وآن جلوگیری کنم ودر حقیقت باین ترتیب‌لطفی درحق آنهابکنم !» ولی‌ازآنجا که چرخ بازیگر بازیهای بسیار دارد، سالها بعد ، هنگامیکه گوگوش همسر ویك فرزند دارا میباشد، با مسئله‌ای مواجه می‌شود که برهم زننده آرامش روح او میگردد ، باین ترتیب که «درجشن‌تولد پسرم کامبیز ، جشنی که تعدادخواننده‌هایش مرا بیادآن عروسی میاندازد که‌ذکرش رفت ، زمانی که نوبت به‌من رسیدکه‌بافتخار پسرم‌برنامه‌ای اجرا کنم ومنهم باشور توصیف ناپذیری اینکار را کردم ، چنان تشویقی ازمن بعمل آوردند که بدون هرگونه اغراق ، برای‌خودم هم غیرقابل باور بود و ایکاش پایم می‌شکست و استثنائا در این جشن روی سن نمیرفتم ، چه تایید آنچنانی کار من بوسیله مدعوین ، کامبیز را وادار ساخت که خودش رابمن رسانیده و خیلی ملتمسانه درگوشم زمزمه کند که :

ــ اینا چقدر نوروو خوندن تورو دوست دارن ، منم میخوام خواننده بشم !..

گوئی پتکی برسرم کوفتند ، من بارها گریسته‌ام که تمامی‌شان گریه شادی بوده و بار من بارها خندیده‌ام ، اما تمامی‌شان گریه بوده‌است ... و من آنشب خنده را ازروی لبانم دورنکردم ، درحالیکه دلم گریان بود و جشن مزبور از دیدگاه من بی‌رونق جلوه میکرد، وزمانی که دریك گوشه کنج‌خلوت رابرگزیدم ودر فکر این بودم که چگونه فکر خوانندگی راکه بمغز کامبیز خطور کرده و مطمئنا این فکر درآینده اورا راحت نخواهد گذاشت وچه‌بسا که کامبیز هم به خوانندگی روکرده و ایکاش‌چنین نمی‌شد ، پچپچ این وآن راشنیدم که زمزمه میکردند :

ــ شوهرش تو قمار باخته و اینو بهش خبردادن و ناراحتش کردن !

ــ شوهرش‌بازنای دیگه روهم ریخته ...

و کسی چه میدانست که برقلب من چه میگذرد ودرد من این است که چه‌بسا مسیری‌نامطلوب برای فعالیت هنری کامبیز که بهرصورت پسر گوگوش است و گوگوش هم دشمن زیاد دارد ، جلوی پای او گیرد ...



از صبح تا شوم تو خونهٔ «حسن سیاه»...

یك رپورتاژ از پشت صحنه یك فیلم ...

گزارشگر : شاهپور منصف

● ساعت شش صبح یکی از روزهای هفته قبل ، طبق قرارقبلی بسوی سازمان سینمائی پیام حرکت کردیم تا روزی را بهمراه اکیپ سازنده «حسن سیاه» گذرانده و گزارشی از پشت صحنه این فیلم تهیه کنم و ناگفته نماند که‌فریان خلیلی نیز باتفاق من به پشت صحنه «حسن سیاه» میآمد تا عکس هائی باین منظور بگیرد .

و اما مشکل کمبود تاکسی ، حتی ساعت شش‌صبح نیز دست‌بردار نبود و خلاصه بعد از درست سه ربع ساعت انتظار ، یك وانت گیر آورده و بطرف پیام براه افتادیم و البته میدانستیم که دقایقی چند بد قولی کرده‌ایم ، و زمانی که‌به مقصد رسیدیم ، از اکیپ خبری نبود ، چه که گویا آنها بعد از مدتی منتظر ماندن ، فکر کرده بودند که بد قولی مطبوعاتی گریبانگیرشان شده و روی همین اصل نیز بسوی محل فیلمبرداری رفتند و در همین اثناء که من و خلیلی در صدد این بودیم تا خودمان را به محل فیلمبرداری برسانیم ، سر و کله عرفی‌نژاد نیز پیدا شد و معلوم گردید عرفی که نویسنده سناریوی «حسن سیاه» و ضمنا یکی از دوآسیستان کارگردان فیلم مزبور است ، خوابش برده بود و در نتیجه نتوانست سرساعت مقرر به اکیپ بپیوندد و خلاصه بعد از آنکه عرفی هم از رفتن اکیپ به محل فیلمبرداری باخبر شد . من و خلیلی و عرفی‌نژاد رهسپار خانه «حسن سیاه» شدیم تا به اکیپی که دراین‌خانه فیلمبرداری دارند ، ملحق گردیم و هنگامیکه به پشت در خانه مزبور که دریکی از خیابان های فرعی خیابان ری واقع شده و از خانه های قدیمی تهران بحساب می‌آید رسیدیم ، سر و صدای زیادی از داخل خانه بگوش میرسید ، توجه ما را جلب نمود و وقتیکه خوب گوش برنك شدیم ، برایمان مشخص گردید که مهناز در حال فحاشی بهخوروش است !

بهرحال داخل خانه «حسن سیاه» شدیم و بقول معروفچشمتان روز بد نبیند ، مهناز و فخری خوروش چنان بجان یکدیگرافتاده بودند که کم باقی بود هردو آنها که ضمن دعوا و کتك‌کاری ، از داخل یکی ازاطاقها به حیاط کشیده شده بودند ، بدرون حوض وسط حیاط سقوط کنند ، و خلاصه چند لحظه بعد صدای پرویز اصانلو کارگردان فیلم ، و گفتن «کات» از جانب او ، فیلمبرداری متوقف گردید و خوروش و مهناز از کتك‌کاری دست کشیده و مهناز از خوروش عذرخواهی نمود که به اقتضای رل خویش ، مجبور بوده به او فحش و ناسزا بگوید،و در اینجا بود که اصانلو رضایت خود را در مورد بازی مهناز وخوروش در سکانس فیلمبرداری شده اعلام داشت و دستور داده شد که تا شروع سکانس بعدی، یکربع فیلم‌برداری تعطیل گردد و در این فاصله ، بساط صبحانه که‌بسیاری از بروبچه‌های اکیپ هنوز بصرف آن نپرداخته بودند ، جور شد ، و در اینجا حال و احوالپرسی وسپس خوش وبش ما با اصانلو آغاز میگردد و من از این فرصت‌استفاده کرده و ازاصانلو درباره فعالیت سینمائی خودش و نیز در مورد

«حسن سیاه» توضیحاتی میخواهم و اصانلو نیز باین ترتیب جواب میدهد :

ــ من حدودا سال ۱۳۳۲بود که نخستین تجربه **سینمائی خویش** را آغاز کردم و در حالیکه بیش از بیست و یکی دوسال نداشتم ، به تهیه فیلم «لغزش» اقدام نمودم‌ولی دریافتم که برای کار **سینمائی** واقعی ، تجربیات **بیشتری لازم** است و باین جهت به تحصیلات سینمائی پرداختم و پس از چندسالی هم مصمم شدم که فعلا کار هنری خود را بیشتر به ساختن فیلمهای تبلیغاتی مختص نمایم و بدین ــ ترتیب بود که پس از مدتی کار در هنرهای زیبای کشور وفعالیت پی‌گیر در زمینه کارتون ، به تبلیغات رونموده و به ساختن فیلمهای تبلیغاتی ادامه دادم ، و ضمنا چند سال ، نیز با اکیپ تبلیغاتی خویش ، فیلمی سینمائی تحت عنوان «شهر فرنك» ساختم که کم و بیش توفیقی نسبی‌کسب کرد . و اما اواسط سال گذشته **اصرار وپیشنهاد علی‌عباسی درمورد ساختن یك فیلم طویل سینمائی** برای سازمان سینمائی پیام ، مورد قبول من واقع گردید و پس از مدتها کار روی سناریوی ، **مصمم** شدم که یکبار دیگر تجربه‌ای در ساختن فیلم سینمائی بکنم و اینبار قصد من از کارگردانی این فیلم که در واقع یك عشق مربع بین **دو زن و دو مرد را مطرح‌میسازد، ساختن فیلمی تجارتی** و مردم پسد است ، البته بدور از کلیه جنبه‌های مبتذل ...

دراین هنگام افراد اکیپ آمادگی خود را **برای ادامه کار** اعلام میدارند و قرار می‌شود که سکانس شعر خواندن «حسن‌سیاه» و یا بهتر **بگوئیم نصرت کریمی برای مه‌ناز که بنقش دختری بنام** فاطی که چندان دلخوشی از «حسن سیاه» ندارد ، **جلوی دوربین‌قرار**ــ گیرد، و خلاصه فیلمبرداری **ازاین** سکانس نیز پایان می‌یابد ، و در اینموقع صدای یك آشنا توجه همه را جلب **می‌نماید و بلافاصله** رضاکرم رضائی بهخانه «حسن‌سیاه» قدم می‌گذارد و در اینجا بود که علیرضا زرین‌دست **فیلمبرداری که** تحرك و جنب **و جوش او سخت** جاب نظر می‌کند ، **بشوخی روبه** آسیستان خود کرده و می‌گوید :

ــ این کرم رضائی رو از جلوی دوربین کنار ببر ، سرش «رفلکس» میده !

و ناگهان کریمی که بلافاصله‌پس از اتمام کارش **جلوی دوربین ،** بمطالعه سناریوی جدیدی که‌بهمراه دارد و البته به فیلم «حسن‌سیاه» ربطی ندارد ! مشغول میگردد ، در حالیکه از سرکرم رضائی بعنوان «آئینه» استفاده می‌نماید ، به مرتب کردن کراوات خویش و نیز شانه کردن موهایش که‌البته طبق سناریو ، عاریه‌ای میباشد ، پرداخته ، **و اینکار کریمی سبب** خنده **همگی میشود !**

در هر صورت ، کرم‌رضائی، نادیا ، روشن ضمیر ، مفیدی که ضمن بازیگری گریمور فیلم نیز **محسوب می‌گردد و فخری خوروش** که بیشتر **باصطلاح توی لاك‌خودش** است ، هریك عهده‌دار ایفای رل خود شده و چند **پلان** از آنها گرفته می‌شود و پس از اتمام آن، نوبت به اردوان مفید میرسد و اردوان که تاکنون **فعالیتش را** بیشتر در تآتر متمرکز کرده بود و «حسن‌سیاه» در حقیقت **بعد از** «زنجیری» ، **دومین قدم او در** راه **بازیگری درسینماست ، یك** چمدان بدست گرفته و ؛ ه‌بیرون خانه میرود و پس از اعلام‌شروع فیلمبرداری ، **در خانه را بصدا** درمی‌آورد و مه‌ناز بلافاصله پس از بازکردن در بروی اردوان ، سیلی محکمی بگوش اردوان که‌ایفاگر رل مهدی سیاه در این فیلم است میزند و البته شدت این سیلی‌بحدی بود که **جای انگشتهای** مه‌ناز تا **چند دقیقه رو صورت اردوان‌باقی** می‌ماند ، و جالب آنکه اصانلو دستور تکرار این **صحنه رامیدهد** و این بجهت آن بوده که‌بهنگام گشودن درخانه ، اجتماع مردم جلوی در ، باندازه‌ای بود که اصانلو از آن **رضایت نداشت و** قرار می‌شود که از **یك پاسبان** برای ایجاد نظم کمك گرفته شود که کریمی اینکار را **لازم نداشته** و خود بمیان مردم رفته و با زبان **چرب و** نرم ، **همه** را متفرق **می‌سازد** و فیلمبرداری از سکانس مزبور ، بارضایت همه جانبه ، پایان می‌یابد **و پس از اطلاع** از آنکه ساعت حدود یك و نیم بعد از ظهر است ، همگی سر سفره‌نهار که در یکی از **اطاقهای خانه** «حسن سیاه» **مهیا می‌گردد نشسته**

بقیه در صفحه ۳۸



● اردوان‌مفید سرگرم‌تمرین‌رل خود میباشد و مه‌ناز ، محتشمی و خوروش ضمن گوش‌بزنك بودن‌به حرفهای اصانلو و عرفی‌نژاد ، اردوان را نیز زیر نظر دارند !



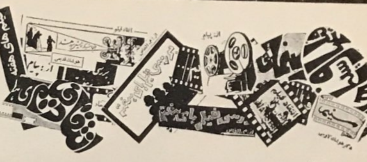
● کریمی و استفاده ازسر کرم‌رضائی بعنوان آئینه ، در حالیکه مفیدی مبهوت مانده‌است .



● در یك گوشه مفیدی ،مفید را گریم می‌کند ، محتشمی بمطالعه دکوپاژ فیلم مشغول است‌خود را کنترل می‌کند و درگوشه دیگر ، اکبری عکاس فیلم دیده‌می‌شود .

نقد و منتقد در ایران

از: ایرج صابری



«۵»

بیست سال قلمزنی

● برای مرور بیست و اند سال عمر قلمزنی «ناظریان» از خود او کمك میگیریم :

ـ ... هنوز دبیرستان می‌رفتم که همکاری با مطبوعات را شروع کردم و تا امروز بیست و دوسال است که برای مطبوعات چیز می‌نویسم ــ البته نه بطور مداوم و کاملا حرفه‌ای ...

... مثل اینکه با «ایران ما» بود که کارم را شروع کردم ــ توی این روزنامه با نام مستعار «سمندر» داستان می‌نوشتم و از آن دوران هنوز خاطره قصه «جام لب طلائی» را فراموش نکرده‌ام که حالتی سمبلیك داشت و خیلی مایلم آنرا مجددا بخوانم ولی حیف که آن نوشته‌ها دیگر در اختیار من نیست .

از فعالیتهای اولیه‌ام مدتی هم با مجله «تلمی» کار میکردم ــ زمانیکه ایرج نبوی سردبیرش بود .

اولین نقدی که نوشتم ،نقد تئاتر بود که در مجله «خواندنیها» چاپ شد آن زمان دکتر عسگری که بعدها مجله خوشه را منتشر کرد، «خواندنیها» را میگرداند و انگیزه‌ام در نوشتن این نقد ،کشف یك سرقت ادبی بود که من متوجه آن شده بودم .

برای دکتر عسگری خیلی جالب توجه و عجیب بود که جوانی به سن و سال من ــ یعنی هیجده ساله ــ بتواند این چنین بررسی دقیقی از موضوع بنماید ــ یادم می‌آید که خیلی تشویقم نمود و گفت که مطلب تو خیلی عمیق است . و این آشنائی موجب شدکه من بهنگام انتشار «خوشه» باین مجله بپیوندم ...

... تمام داستانهائی که بین سالهای ۳۰ تا ٤٠ نوشته‌ام همه تحت نام «سمندر» چاپ شده است .

در سال گویا ۱۳۲۹ بود که من کتاب کوچکی بنام «یاس» منتشر کردم که شامل پنج داستان کوتاه بود و این اولین و آخرین کتابی است که منتشر کرده‌ام و مورد استقبال هم قرار گرفت به‌طوریکه از طرف رادیو تهران ــ آن زمان ــ بمن پیشنهاد شد که دوتا از قصه های این کتاب رااز رادیو اجرا کنم و این برای من خیلی جالب بود و برای اینکار رفتم به استودیوی بالا ــ بی‌سیم ــ البته در آن زمان برنامه‌ها ضبط نمیشد بلکه بطور زنده اجرا میگردید و من اولین باری بود که جلوی میکروفون قرار می ــ گرفتم طبعا مقداری دلهره و اضطراب داشتم ــ گوینده آنروز هم «اسدالله پیمان» بود و تازه‌کار خود را شروع کرده بود .

«پیمان» ما را معرفی کرد ــ البته با نام «پرویز ناظریان» چون من دو تا اسم کوچك دارم «شاه‌الله» که پدرم انتخاب کرده و «پرویز» که مادرم گذاشته است و همه فامیل مادری مرا با نام «پرویز» می‌شناسند و فامیل پدری با نام «شاالله» ــ بهرحال من قصه «میخك سرخ» راخواندم و یك داستان دیگر را خودگوینده رادیو اجرا کرد .

بهترین داستانهای من در «ایران ما» و «فردوسی» چاپ شده است فردوسی زمان دکتر عسگری ــ دکتر عنایت و دوران عباس پهلوان در این دوره داستان صلوة ظهر را سخت دوست دارم و گاهی اوقات باز هم آنرا مرور می‌کنم .

یکی دو ماه سردبیر ومدیر داخلی مجله «امید ایران» بودم ــ مدتی هم سردبیر مجله « پست تهران سینمائی» بودم ...

با هفتگی اژنك بکار «نقد فیلم» پرداختم ــ سالهای ۳۱ و۳۲ همان دورانی که دکتر کاووسی در فردوسی می‌نوشت .

فردوسی روز های سه شنبه منتشر میشد و «هفتگی اژنك» روز ــ های دوشنبه ــ در این دو روزدو گونه نقدسینمائی منتشرمیشد که خیلی اوقات باهم هم‌آهنگی داشت بدون اینکه من و دکتر کاووسی همدیگر را بشناسیم و یا ملاقاتی باهم داشته باشیم تا اینکه فیلمی ــ مثل اینکه «ماجرای زندگی» بود ــ بروی پرده آمد این فیلم را ابتدا قرار بود «کاوسی» کارگردانی نماید ولی در اواسط کار بعلت اختلاف کس دیگری فیلم را تمام نمود وقتی این فیلم را دیدم متوجه تفاوت صحنه‌ها شدم و کاملا پیدا بود که کدام صحنه‌ها مال «کاوسی» است و کدام صحنه‌ها رابعدا گرفته‌اند و من تفاوت آنها را مورد بررسی قرار دادم ومطابق معمول آن زمان و حتی این زمان که طرفدار آدم‌های تحصیل کرده بوده‌ام ظلمی که در مورد «کاوسی» بعنوان آدم تحصیل کرده‌ای که از خارج آمده بود کرده بودند تحت تاثیرم قرار داد و سعی داشتم که حقش‌را حفظ کنم بنا بر این ضمن بررسی تفاوت صحنه‌ها بشدت از دکتر کاوسی دفاع کردم و این برای کاوسی که حتما نقدهایم را می ــ خواند کنجکاو کننده بود که مرا بشناسد تا اینکه روزی در منزل «آلکس آقابابیان» که کار دوبله میکرد و تازه از ایتالیا برگشته بود و میخواست در ایران کار ــ هائی را شروع نماید ــ من با کاوسی آشنا شدم و این آشنائی که منجر بدوستی عمیق شدهمچنان ادامه یافت بطوریکه حالا یکی از بهترین دوستان همدیگر محسوب میشویم . نکته جالب اینکه دوسه سال بعد همین دو نفر آدمی که باهم دوست بودند و در خیلی‌اززمینه‌ها باهم توافق داشته در مجله «ستاره سینما» درگیریهائی با همدیگر پیدا می‌کنند ــ آنهم بخاطر بحثی که کاوسی راجع به سینمای آمریکا و اروپا کرده بود و در طی آن‌به سینمای آمریکا سخت تاخته بود ــ جوابی که برای رد نظراتش‌نوشتم تا مدتی جروبحثهائی پیش آوردو این برخورد از این نظر جالب بود که دو نفر منتقد که در زندگی با همند ممکن است در عمل و کار صاحب نظراتی متفاوت درمسایل هنری باشند با تعطیل شدن هفتگی آژنك ، نقدهایم را به ستاره‌سینما، (۱۳۳۳) منتقل نمودم و تا مدتی تنها منتقد این مجله بودم که‌بعدا آقایان «دوائی» و «ری‌پور» آمدند ...

بقیه درصفحه ٤٠

مجله دوم
فیلم و هنر

سینمای ۷۲

سال اول - شماره سیزدهم

تنظیم مطالب از : جمشید اکرمی



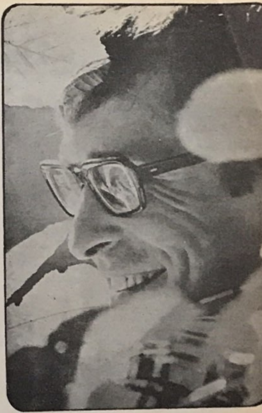
فرانسوا تروفو، و یک فیلم دیگر

● فرانسواتروفو که ظرف یکسال گذشته ، بخت دیدن چهار فیلم اورا یافتیم (بری‌می‌سی‌بی، کودک وحشی ، فارنهایت ۴۵۱ و عروس سیاهپوش) ، به تازگی کار ساختن فیلم جدید خود «دو دختر انگلیسی و قاره اروپا» را به پایان رساند .

تروفو این فیلم را که قرار است در لندن تحت عنوان «آن و موریل» به نمایش گذاشته شود ، براساس نوولی از «هانری پی‌یر روشه» ساخته است وفیلم بازگوینده‌یک مثلث عشقی است که دو راس آن دو دختر هستند (دو خواهر) و راس دیگرش جوانی است بیست ساله‌که این هردوخواهر دلباخته‌اش هستند .

نقش این جوان را آکتور محبوب‌تروفو «ژان‌پی‌یرلو» بازی می‌کند ، و دو خواهر فیلم هم «کیکامار خام» و «استیسی‌تنده‌تر» هستند ــ دو چهره جدید .

تصویر ، تروفو را در حالی‌نشان می‌دهد که نکته‌ای را برای «ژان پی‌یرلو» و «استیسی‌تنده‌تر» توضیح می‌دهد .



سلامی دوباره به یک فیلمساز خوب ...

● عرضه یکی دو فیلم‌متوسط درسالیان‌اخیرازجانب کلودشابرول فیلمساز منتسب‌به «موج‌نو»ی‌فرانسه که در همان سالهای‌بحبوحه «موج نو» به عنوان سینماگر نوجو و سنت‌شکن ذکاوت و هوشمندی‌بسیار از خود نشان داده، منتقدین اروپائی و آمریکائی را برآن داشت که وی را سینماگری «تمام شده» وتقریبا «از دست رفته» پنداشته و از وی تا حدودی قطع امید کنند . ولی نمایش آخرین فیلم شابرول موسوم به «حیوان درنده باید بمیرد» (در ایران «قصاب» و یا «یك شب ، یك جنایت» !) بربطلان این تصور به شایستگی صحه نهاد و همان منتقدینی که‌برشابرول تاخته‌بودند، در برابر این فیلم غافلگیر کنند ، ناگزیر ، واکنشی جز تحسین و ستایش از خود نشان ندادند و حتی یك منتقد انگلیسی ، در نقدی که براین فیلم تحریر نمود ، با فروتنی نوشت : «سلامی دوباره به یك فیلمساز خوب» !

به مناسبت نمایش «قصاب» کلود شابرول در سینه کلوب ایران

شابرول فیلم اخیرش را ک در انگلستان با عنوان «قاتل» نمایش داده شد ، براساس نوولی از «نیکلاس بلیك» ساخته است . سناریوی فیلم را نیز خود او به یاری «پل ژگوف» به رشته تحریر کشیده .

سکانس افتتاحیه فیلم ، یکی از گیراترین و اساسی‌ترین سکانس های فیلم است : در یکی از روز های اواخر زمستان انگلستان ، زمانیکه آفتاب سرد روز های پیش ازسرزدن بهار، مطبوعیت دلپذیری دارد ، یك پسر بچه نه ساله به هنگام عبور از یك خیابان توسط اتومبیلی که با سرعت سرسام‌آوری به وی نزدیك می‌شود ، زیرگرفته شده و در دم جان می‌سپارد. تصادف گواینکه البته عمدی نبوده ، مع‌الوصف راننده اتومبیل دستخوش وحشت شده و با همان سرعت جسد خون‌آلود پسرك بیگناه را به جای گذاشته و دور می‌شود .

مردم به آرامی و در سکوتی حزن‌انگیز دور جسد حلقه می‌زنند و در همین اثنا ، پدر پسرك نیز که «شارل تینیه» نام دارد ، سرمی‌رسد ، نعره‌دردناك وی‌مطمئنا نمی‌تواند حاکی از تمامی رنج و اندوه جانفرسائی باشد که در اثر این حادثه مرگبار برقلبش سنگینی یافته است . زمانیکه شارل سر از جسد غرقه به خون پسرش برمی‌دارد ، تنها یك اندیشه در سر دارد و آن اینکه قاتل پسرش را یافته و بی‌هیچ ترحمی به قتلش برساند. چه تنها در این صورت است که می‌تواند اندکی به خود و روح رانجدیده خود تسلی بخشد .

تحقیقات پلیس در پی یافتن اتومبیل و راننده آن هیچ‌نتیجه‌ای به دست نمیدهد و این «شارل» را در جستجوی یکتنه خود مصمم‌تر و قاطعتر می‌سازد . وی سرانجام به یاری بخت مساعد با دخترکه به هنگام تصادف همراه راننده سوار اتومبیل بوده است ، برخورد می‌کند . او می‌کوشد که دخترك را فریفته خود ساخته و سپس به گونه‌ایکه دخترك از کم و کیف جستجو و هدف وی ، آگاهی‌نیابد، از طریق او به هویت قاتل پی‌ببرد. شارل بمقصودش می‌رسد . او در می‌یابد که راننده اتومبیل ، شوهر خواهر دخترك است و بنابراین همراه وی به منزل طعمه خود می‌رود بی‌آنکه هیچ‌کس از منظور اصلی او چیزی بداند . شابرول‌در تمامی این احوال می‌کوشد که به کاراکتر اصلی فیلم ــ شارل ــ علیرغم مصیبتی‌که براو رسیده‌است،

بقیه در صفحه ۳۹



● شابرول ، و میزانسن‌یك کلاس درس برای صحنه‌ای از «قصاب»

آشنائی با :

مدرسه سینمائی لندن

از : فرزین معصومی
«خبرنگار فیلم وهنر درلندن»

سابقه تاریخی

مدرسه سینمائی لندن مثل مدرسه تاتر ملی و مرکز بالەسلطنتی بدوا در قسمت جنوبی رود تایمز در سوم آوریل ۱۹۵۷ در ناحیه بریکستون Brixton تاسیس شد. که بعدا بمرکز شهر قسمت شمالی رود Covent Garden منتقل شد . در ابتدای امر بوسیله عده‌ئی معلم جوان اداره میشد. این مدرسه برای تربیت افراد تحصیل کرده در رشته فیلم بوجود آمده‌بود که بعداز ٦ سال‌یعنی ۱۹٦۳ مدیریت آن‌بعهده رابرت‌دان‌بار ــ Robert Dunbar محول گردید وی در توسعه وپیشرفت مدرسه سعی‌فراوانی کرده و امکانات و وسائل بهتری برای تدریس و آموزش دانشجویان فراهم آوردواز‌عده‌ئی ازفیلمسازان وافراد باتجربه حرفه‌ئی در رشته سینما برای‌تدریس ودادن‌کنفرانس های متعدد دعوت کرد. خریدوسائل فیلمبرداری ابتداء از طریق اجاره بااستفاده از وامهای دولتی صورت میگرفت . تعداد دانشجویان از ۳۵ نفر در سال ۱۹٦۳ به ۲٤۰ نفر در سال ۱۹٦۸ بالغ شد. درآمد مدرسه از ۰۰۰ر۵ پوند(تومان ۰۰۰ر۱۰۰) درسالهای ٦۳ــ۱۹٦۲ به‌۰۰۰ر۱۰۰ پوند (تومان ۰۰۰ر۰۰۰ر۲) در سالهای تحصیلی ۷۲ــ۱۹۷۱ رسید (یعنی ٤۰۰ پوند شهریه سالانه برای هردانشجو) که در واقع این مبلغ فقط برای تهیه وسائل و مواد خام فیلمبرداری وحقوق‌استادان مدرسه صرف می‌شود. مدرسه سینمائی لندن بامدرسه ملی فیلم National-Filmschool که دراکتبر ۱۹۷۱ باپذیرفتن ۳۵ دانشجوتاسیس شد همکاری نزدیك دارد. کمااینکه عده‌ئی از فارغ‌التحصیلان مدرسه سینمائی لندن در آنجا مشغول تدریس هستند. مدرسه سینمائی‌لندن از طرف وزارت علوم و دولت انگلستان حمایت می‌شود.

فلسفه و هدف عمومی

امروزه فیلم سازی (سینما) هنری نظیر نقاشی، موزیك، یا شعر



نمای خارجی ساختمان مدرسه سینمائی لندن

است. از طرفی شبیه معماری یك تکنیك مترادف با شغل یا مثل تاتر یااحیانا شبیه ادبیات برای بیان احساسات وبرگردان‌واقعیات است. از این نظر نحوه تدریس درمدرسه سینمائی لندن در طی دو سال برنامه درسی طوری تنظیم شده که دانش‌جویان علاوه بر فراگیری هنر سینما و فیلم عملا در رشته‌های مختلف‌فیلم‌سازی فعالیت‌داشته‌باشند. تا عینا مطالعات شفاهی را با عمل توام کنند. این طریقه تدریس دانشجویان را برموز مختلف فیلم سازی آشنا، محك زن بسیار خوبی برای استعداد و علاقه آنها در رشته فیلم سازی می‌باشد.

مدت تحصیل

دوره مدرسه سینمائی لندن دو سال تمام است برای ورود بآن یا باید فارغ‌التحصیل یکی ازدانشکده ها یا داشتن حدود ۱۰ سال سابقه کار در رشته سینما یا تاتر بود.

دانشجویان غیر انگلیسی می توانند در صورت بودن جا باارائه دیپلم دبیرستان وداشتن سابقه کار در سینما و قبولی در مصاحبه‌ها از نقطه نظر اطلاع کافی در زبان انگلیسی وحد تجربه پذیرفته شوند هرسال تحصیلی شامل سه ترم است که اوائل هرترم دروس شفاهی ، تاریخ سینما کنفرانس و بحثهای آزاد ، تجربه و تحلیل فیلم و عکاسی . اواخر هرترم کار عملی مربوط بهمان دروسی که تدریس شده. پس طی دو سال تحصیلی دانشجویان باید ٦ فیلم بسازند معمولا در گروههای ٤ الی ٦ نفری البته از ابتداء تا انتهای فیلم که شامل نوشتن سناریو، کارگردانی، تنظیم نور میشود .

فیلمبرداری و تدوین

فیلمهالیکه باید طی دو سال ساخته شود .

۱ــ یك فیلم کوتاه ۱٦ سیاه سفید بدون صدا در گروه شش نفری.

۲ــ یك فیلم کوتاه ۱٦ رنگی بدون صدای سینك در گروه ٤ نفری (این فیلم را هرکس باید از ابتدا تاانتها خودش سازد غیر از کار لابراتوار).

۳ــ یك فیلم کوتاه ۳۵ میلی متری سیاه سفید بدون صدای سینك در استودیو بااستفاده ازدکور در گروه‌شش نفری (دکور وگریم را خود دانشجویان باید انجام دهند).

٤ــ یك فیلم مستند ۱٦ رنگی بدون صدای سینك.

۵ــ یك فیلم سیاه سفید ۳۵ در استودیو باصدای سینك.

٦ــ یك فیلم داستانی ۱٦ یا ۳۵ رنگی یا سیاه سفید (بستگی بمیل دانشجو دارد) باصدای سینك برای پایان نامه دوره تحصیل.

علاوه بر فیلم آخری دانش‌جویان باید پایان نامه‌ئی همدر رشته سینما وعکاسی رابطه تاتر یاعواملی که با سینما بستگی دارد بنویسد.

کسانیکه مایل باشند فقط در رشته Animation تحصیل کنند. میتوانند در سال دوم این رشته را انتخاب کرده دنبال کنند. دیپلم مدرسه سینمائی لندن درجه اول و دوم دارد.

فستیوال فیلم‌دانشجویان

همه ساله‌در ۳۰ آوریل فستیوال فیلم دانشجویان سراسر جهان در مدرسه سینمائی‌لندن برگزارمیشود. امسال ۱۰۰ فیلم از ۱۳ کشور برای نمایش در فستیوال انتخاب شده . خبر فستیوال فیلم دانشجویان را بعدا برایتان خواهم فرستاد.



● «سکس» آمیزه‌ای از «لطافت» و «گناه»... صحنه‌ای از «دوستان»

ضیافت «سکس» در فستیوال تهران!

جمشید اکرمی

● ظرف دو هفته گذشته در نگاهی جدی به نخستین دوره فستیوال فیلم جهانی تهران، به پاره‌ای مسائل مربوط به سطح کیفی فیلمهای جشنواره و ویژگیهای سازمانی و اجرائی آن اشاره کردیم، که بهر حال بحث هرچه بود در یک چارچوب جدی انتقادی بود. ولی این هفته در برداشتی سطحی‌تر و بی‌وزنتر و البته «سینمائی» تر! از جشنواره تهران، به بررسی تم حاکم بر فیلمهای این جشنواره می‌پردازیم. که این رسمی است معمول در گزارش بررسی کلی راجع به یک فستیوال فیلم. ولی تم مسلط فستیوال تهران چه بود؟ بی‌تردید، «مسائل جنسی» بود وبه‌یک‌گویش کوتاهتر، «سکس» به مفهوم کلمه. فستیوال تهران بخصوص در پیش چشم ما، که هیچگاه از لطف دستگاه سانسورمان در امان نبوده‌ایم، گشاینده چشم‌اندازهائی تازه از نمودهای تازه و امروزی «سکس» در آئینه «هنر هفتم» بود — یعنی آنکه عجالتا می‌توان براین نکته پای ورزید که فستیوال توانسته است رهاورد‌های بدیع و غافلگیرکننده‌ای‌برای مشتاقان سکس داشته باشد از نظر ما، چه خشنود کننده این‌مساله، به این احتمال وابسته است‌که شاید چنین فستیوالی با چنین تم خواسته یا ناخواسته‌ای بتواند خود بخود انعطافی نیز در نقطه نظر های خشک سانسوری پدید آورد و فضای فیلمها. از این پس یاآن که — در یک سطح آرمانی — از بین برود، و یا آنکه برای خود صاحب یک منطق درخور قبول گردد.

اما برگردیم به اصل مطلب که بررسی تم «سکس» درفیلم‌های فستیوال باشد، و چهره های چندگونه سکس را در این فیلمها زیر ذره‌بین بگذاریم.

جوان «سکس» رادرفستیوال، فیلم جسورانه‌ای از«مایک‌نیکولز» گسترد، فیلمی به اسم «معرفت جسم» که حرفهائی ناگفته برای گفتن داشت! فیلم به بررسی‌جنسی دو مرد جوان در خلال چهار دهه مشخص از زندگی آنها می‌پرداخت در نخستین دهه (دهه چهل) این دو را در گیر نخستین برخوردشان در یک کالج با یکدختر می‌بینیم. لحن فیلم در این قسمت گرچه شوخ و طنز آمیز است، اما این بهر‌حال طنزی است که ازمعصومیت‌های «در شرف خطر» دوران بلوغ سر برمی‌زند. در پایان همین‌دوره است که «سندی» یکی از این دو دوست با دختر دلخواهش «کندیس برگن» ازدواج می‌کند — علیرغم آنکه دوست او «جوناتان (جک نیکولسون) قبلابه‌طرزفریبکارانه‌ای با این دختر خوابیده است. فیلم پس از این «سندی» (آرت‌کار فونکل) را رها می‌کند و به‌تعقیب ماجراهای عشقی «جوناتان» می‌پردازد. همچنین کندیس برگن نیز تا پایان فیلم غیبش می‌زند!. در دهه بعدی جوناتان سرگردان که‌ازنوعی عدم تعادل عاطفی و جنسی در رنج است‌سرانجام‌ازدواج می‌کند، ولی این ازدواج در شرایطی صورت گرفته که خود وی اشتیاقی بدان نداشته است و بنابر این پس از چند سال شیرازه آن‌از هم می‌گسلد وحتی وجود یک‌فرزند دختر هم نمی‌تواند آنرانجات‌دهد. در آخرین دهه (دهه هفتاد)، جوناتان را می‌بینیم که خسته‌تر و مستاصل‌تر از همیشه نزد یک روسپی می‌رود تا مگر برخورد سکسی تازه‌ایرا تجربه کند.

سبك مشخصی که نیکولز در پرداخت فیلمش بدان‌گرائیده‌است، یک بیان مستند به فیلم بخشیده و بخصوص اشاره هائی به ابعاد زمانی ماجرا های فیلم رنگ دکومانتری آنرا غلیظتر می‌کند. مثلا دراکثر برخوردها و مکالمه هائی که بین دو کاراکتر صورت می‌گیرد، ما هرگز ایندو را با هم در یک‌کادر نمی‌بینیم، بلکه هر یک از اینها به هنگام صحبت چهره در چهره دوربین دارند و در واقع خطاب آنها به تماشاگران است. این‌روش مواجهه مستقیم سبب آن می‌شودکه تماشاگر نیز خودرا در ماجرا های فیلم، صاحب سهم احساس کند.

اما «معرفت جسم» شهرت‌خود را در واقع مدیون‌دیالوگهای‌سخت غیر منتظره و جسارت آمیزی‌است که نیکولزوساریستش «ژول‌فایفر» به فیلم افزوده‌اند — امکان باز گفتن این دیالوگهای غالبا کثیف را ما در اینجا — بدبختانه یا خوشبختانه — نداریم، اما وقتی که فیلم را می‌دیدیم‌و این‌دیالوگها به گوشمان میخورد، به «هنری‌هاتاوی» بیچاره حق می‌دادیم که آنچنان برآشفته و خشمگین ازاین فیلم یاد کرده بود و آنرا کثیف‌ترین فیلم تاریخ سیمما شمرده بود!.



● در «شیاطین» سکس چاشنی ناخوشایند «خشونت» راهمراه داشت.

فیلمهای «دوستان» (لوئیس گیلبرت) و «هوستین و تابستان‌زیبا» (نینا کامپانز)، نمایشی از «سکس» در برزخ دوران بلوغ چند زوج دختر و پسر داشتند. در «دوستان» سرخوردگیهای‌عاطفی یک پسر جوان او را به سوی دختر کم سن و سالی می‌کشاند و بین این دو — علیرغم شرایط سنی آنها — عشقی گرم و آتشین‌با

معیار عشقهای گناه آلودبزرگترها پدید می آید . پرداخت گیلبرت در این فیلم آمیخته با سانتیما ــ نتالیزم رقیقی است که در پاره‌ای لحظات به فیلم لطمه می‌زند .

«فوستین و تابستان زیبا» که، نخستین ساخته یك زن کارگردان است ، حساسیتهاوظرافتهای‌احساسی سازنده‌اش را در قبال مسائل‌ظریفی



● تمایلات همجنس گرایانه «دومینیك‌ساندا» در «دنباله‌رو» قابل اعتنا بود .

مثل سکس و عشق به خوبی‌منعکس می‌سازد . فیلم ، بیان التهابات جنسی و عاطفی دختری است در آستانه بلوغ ، دختری که اشتیاق تجربه های سکسی وجودش را به آتش کشیده و در حاشیه این «نینا کامپانز» نگاهی نیز به‌تباهی‌ــ های جنسی آدمهائی که در اطراف این دختر هستند ، می‌اندازد ،ولی در همه حال ، دید او یك دید بسیار ظریف زنانه است وعلیرغم برهنگی کاراکترها در فیلم ، در هیچ لحظه‌ای تماشاگر دستخوش احساس انزجار و تنفر نسبت به کنشها و تمنیات جنسی کاراکترها نمی‌شود (برخلاف «معرفت‌جسم» مثلا) ، یعنی آنکه بهر حال شکل عرضه سکس در این فیلم ، ابدا زننده و مهوع نیست و حتی‌بسیار دلچسب و پرکشش نیز به نظر می‌رسد .

«اتلوی بزرك» ساخته«میگوئل بورگر» برزیلی از آندسته فیلم‌ــ هائی بود که «سکس» در آنها ارائه‌ای ناخوشایند داشت. کاراکتر اصلی فیلم ، مردك سیه چرده زیر اندامی بود که سر راه انجام‌کار‌ــ های مثلا جدی روز مره خود ،هر بار هم سری به خانه یکی از «گرل فرند» های فاحشه‌اش می‌ــ زد و با حرص و ولع و عجله فوق‌العاده‌ای ــ ضمن آنکه البته با وسواس زیادی هم «تایم»می‌ــ گرفت ــ با او همخوابه می‌شد !

در «**خلیفه زن**» کار «آلبرتو به‌ویلاکوا» سکس یك‌مساله‌حاشیه‌ای بود وماجراها بیشتر روی‌مسائل‌به‌ــ خصوصی بودند که این روز ها سوژه مد روز فیلمهای ایتالیائی و آمریکائی شده‌اند (در این فیلم، منباب مثال ، اعتصابات کارگری).

از «**خلیفه زن**» که خاطره دیدارش را هم حالا دیگر اندك اندك از یاد برده‌ایم ، تنها می ــ توانیم اینرا بخاطر آوریم که «رومی شنایدر» خیلی خوبی‌داشت! خیلی جذاب و خیلی سکسی ، و دوربین وقیحی که اندام کاملا لخت او را هر زاویه‌ای دیدمی‌ــ زد ! . بهر حال در روابط جنسی



● التهابات جنسی دوران بلوغ ... صحنه‌ای از «فوستین و تابستان زیبا»

دو گانه‌ای که رومی شنایدر در این فیلم با دو مرد مورد علاقه‌اش برقرار می‌کرد ، هیچ ویژگی و بداعت بخصوصی وجود نداشت و در پایان می‌شد به راحتی به این قضاوت اعتماد بست که «سکس» در این فیلم تنها عنصری در حد یك عامل تجارتی بوده است .

«**یکشنبه ، یکشنبه لعنتی**»

فیلم نومید کننده‌ای بود از «جان شلزینگر» ، فیلمسازیکه با «کابوی نیمه شب» خوش درخشیده بود ــ در حد یکی از گردن کلفت ترین فیلمسازان سینمای معاصر .وافسوس که فیلم اخیر او به آن امید های قبلی قوت‌نبخشید . قبل‌از هرچیز، جائیکه در «کابوی نیمه شب»سکس صرفا «وسیله» ای برای رسیدن به یك هدف و طرح یك سلسله مسائل خاص اجتماعی و«روانی‌ــعاطفی» بود ، در «یکشنبه لعنتی» در وهله اول ، خود «سکس» راهدف‌اعتنای فیلمساز می‌یابیم .

درست در قطب مخالف«نقطه نظر» و برداشتی اینچنین ازسکس، باید اشاره کنیم به فیلم درخشان «**کانفورمیست**» (دنباله‌رو) ساخته برناردوبرتولوچی که در آن قبل‌از هر چیز ، تاثیراتی که از مسائل جنسی ظاهر میشد و سایر مسائل اجتماعی ــ و بخصوص مسائل سیاسی ــ را تحت‌الشعاع قرار می‌داد ، مورد توجه قرار گرفته بود . در این فیلم «**برتولوچی**» **در واقع انگیزه** تمامی کنش‌های سیاسی‌را درمسائل‌جنسی‌جستجو کرده **بود و اتفاقا** از این جستجو دست خالی نیز بازنگشته بود .

«**شیاطین**» فیلم گیج‌کننده‌ای بود . این فیلم آمیزه‌ای سخت غریب و نامنتظره از «سکس» و «خشونت» داشت وکن‌راسل درآن بر تمامی نقطه نظرهایش ازطریق این دو عنصر مطبوع‌سینمای‌امروز،

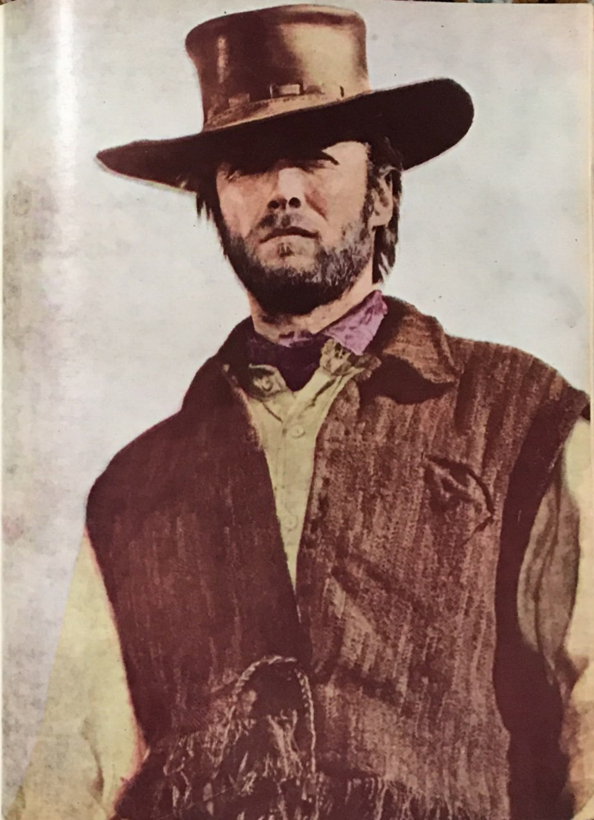
بقیه در صفحه ۴۳



● در «یکشنبه ، یکشنبه لعنتی» ، سکس نه یك«وسیله»بلکه یك «هدف» بود .



● «خلیفه زن» فقط سکس دلپذیر خانم «رومی شنایدر» را داشت !





جهان سینما

ببر را نجات دهید

جک‌لمون به تازگی در فیلمی موسوم به «ببر را نجات دهید» شرکت جسته است . این فیلم را که محصولی است از کمپانی پاراموت ، «جان‌جی‌آویلدسن» کارگردانی می‌کند و «جک‌گیلفورد» و «پاتریشیااسمیت» و «تایردیوید» نیز در آن بازی دارند .

فیلم تازه دمیتریك

«ادوارد دمیتریك» کار ساختن فیلم «ریش آبی» را در بوداپست به پایان رساند . نقشهای عمده این‌فیلم را بازیگران‌سرشناسی مثل ریچاردبرتن ، راکوئل‌ولش ، ویرناليزی ، جوی‌هیترتون و کارلی‌گرینجر ایفا کرده‌اند .

* دزدی که برای شام آمد !

کمدی تازه‌ایکه «بادیورکین» (کارگردان فیلم بازرس کلوزو) تحت عنوان «دزدیکه برای شام آمد» می‌سازد به نظر می‌رسد که پاسخی باشد به عنوان آن فیلم معروف استانلی کرامر «حدس بزن چه کسی برای شام می‌آید؟!» رایان‌اونیل ، ژاکلین بیزه و وارن‌اوتیس نقشهای عمده این فیلم را که در «هوستون» فیلم ـ برداری میشود ، برعهده دارند . فیلمرا خود «یورکین» برای کمپانی برادران وارنر تهیه می‌کند .

گریگوری‌پك ، تهیه کننده !

گریگوری پك آکتور صاحب نام آمریکائی احتمالا دست به تهیه فیلمی به اسم کبوتر خواهد زد . داستان این فیلم درباره دریانوردی تکنفره دور دنیای کاراکتریست‌به اسم «لی گراهام» که نقشش توسط خود پك ایفا خواهد شد .

فیلم‌تازه «رابرت وایز»

در فیلم جدید «رابرت وایز» که «دونفر» نام دارد، «پیترفاندا» بازیگر نقش نخست خواهد بود. فیلمبرداری این فیلم در مراکش و پاریس صورت خواهد گرفت.

راجرمور، جیمز باند آینده !

راجرموربازیگر خوش تیپ انگلیسی که باسری فیلمهای تلویزیونی «سنت» به شهرت‌رسید، احتمالا جیمزباند آخرین فیلم جیمزباندی خواهد بود که قرار است بزودی تهیه آن آغاز شود . علت انتخاب او ، عدم قبول این نقش از جانب شون کانری بوده است .

فیلم آینده جیمزباند که «زندگی کن و بگذار بمیرند» نام دارد ، در واقع یکی از اولین نوولهائی است که یان‌فلمینك در خط ماجرا های جیمزباند نوشته است .

ماروین و آلدریچ ، یکبار دیگر

لی ماروین بزودی در فیلم تازه‌ای به اسم «امپراطور شمال» ظاهر خواهد شد . این فیلم که به بازنمائی گوشه‌هائی از بحران‌بزرك اقتصادی سال ۱۹۳۰ می‌پردازد ، توسط رابرت آلدریچ کارگردانی خواهد شد. آلدریچ پیش از این، ماروین را در فیلم «دوازده مرد خبیث» کارگردانی کرده است.

چه فتان ، چه عشوه گر !

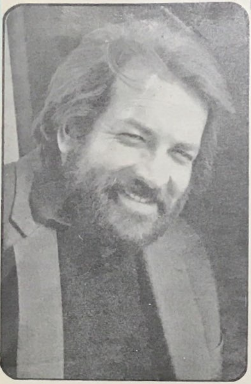


● زیر چنین تصویری که خود زبانی بشدت گویادارد ، کمال بی‌سلیقگی خواهد بودکه آدم چیزی مناسب معارفه بنویسد !. بنابراین ما بذکر همین مطلب اکتفا می‌کنیم‌که نام این پری‌پیکر فرشته صورت‌هوش‌ربا !! «مادلین‌اسمیت» است‌ویکی ازنوستاره‌های سینمای انگلستان بشمار می‌آید. اولین‌فیلمش «عشاق خون‌آشام» بوده و تازه‌ترین فیلمش‌هم باز اثر ترسناك‌طرآلودی است به اسم «هفت گناه کبیره مرگبار» ... وسایر خصوصیات دوشیزه خانم «مدلن اسمیت» هم که‌از تاتر و تلویزیون به سینما راه باز کرده است ، پیش چشمتان گسترده است !

Bud Spencer

باد اسپنسر

قبلا «قهرمان شنا» و حالا یك هنرپیشهٔ مشهورسینما !



● «کارلو پدرسولی» که با نام «باداسپنسر» اینك در سینما شهرت پیدا کرده است . قبل از آنکه بسینماراه‌یابد دانشجوی‌شیمی بود وبراحتی توانست دراین‌رشته فارغ‌التحصیل شود اما قبل ازآنکه بعنوان یك شیمیدان کار خود را شروع کند احتیاج به‌یکمقدار تجارب آزمایشگاهی داشت‌که دنبال کردن آنها برایش مشکل بود . ورزش مورد علاقه‌اش شنا بود بهمین علت تمرین‌دراین‌رشته‌را بههر کاردیگری ترجیح داد بخصوص آنکه در آن زمان ازیك‌اندام لاغر و متناسب برخوردار بود . «اسپنسر» در سال ۱۹۵۰ بعنوان قهرمان شنای ایتالیا درصدمتر آزاد رقبای خود را شکست داد ودر ۱۹۵۲ در المپیك «هلسینگی» ودر المپیك ۱۹۵۶در «ملبورن» شرکت جست .

زندگی «پدرسولی» قهرمان سابق شنای ایتالیا آنقدر باتغییرات گوناگون وغیرمترقبه همراه است که‌هرگز نمیتوان دقیقا گفت که چه‌کارهائی در طی دوران زندگی انجام داده است ، بطوریکه درسال ۱۹۵۷ از مسابقه و مسابقه سازی خسته شد وبرای همیشه ورزش را کنار گذاشت وبعد ایتالیا را بقصد «ونزوئلا» ترك نمود . وی مدت ۳سال باستخدام شرکت پان‌امریکن درآمد ولی این کار نیز برای او قانع کننده نبود وخیلی زوداز امریکای جنوبی خسته شد ، «پدرسولی» بایتالیا بازگشت . و با دختری بنام «ماریا» ازدواج کرد وباستخدام یك سازمان تبلیغاتی که فیلمهای تبلیغاتی برای سینماو تلویزیون تهیه میکرد درآمد و بعداز آن خودش چند فیلم‌تبلیغاتی و دکومانتر ساخت و سپس شروع بنوشتن سناریوهای کوتاه نمود .

در سال ۱۹۶۷ شانس بسراغ اوآمد : او دراین سال نام خود را از «پدرسولی» به «باداسپنسر» برگرداند ، ودراولین فیلم‌سینمائی خود بنام «خدا می‌بخشد ، من نه» شرکت جست که درواقع یك‌وسترن موفق بود . (این فیلم در ایران با نام دیگری نمایش دادمشده‌است) .

اکنون او ٤۲ ساله است ویك مترونود سانت قد دارد و اکنون بعنوان یك هنرپیشه فیلمهای وسترن ایتالیا شناخته شده‌است .

● «پدرسولی» ، اکنون احساس راحتی می‌کنی ؟

ـ بله ، بالاخره بآن چیزی که میخواستم رسیدم . سالها برای رسیدن‌بشهرت وموفقیت تلاش‌کردم وتن بهرکاری دادم . اکنون خوشبخت‌ترین شوهردنیاهستم، پدر سه‌بچه ناز ودوست‌داشتنی . از نظر حرفه وکارم بدون شك هرگز از این بیشتر پیش نخواهم رفت . چون احتیاجی باین کار نمی‌بینم. شهرت و محبوبیتم را مدیون فیلمهای «ترینیتی» و«هنوز هم‌ترینیتی هستم» میدانم . در نقش آدمی‌که

بقیه در صفحه ٤۰



● «باداسپنسر» در صحنه‌ای از فیلم «هنوز هم ترینیتی هستم» .

مسیح وحشی

ساخته تازه‌ی «کن‌راسل»

نقل از: فیلم ریویو کنتی نانتال

ترجمه : جمشید ارمیان



● با «کن راسل» از طریق فستیوال بین‌المللی فیلم تهران آشنائی بیشتری حاصل کردیم. البته قبلا ازاو دو فیلم «مغز یك میلیون دلاری» و «عشاق موسیقی» (در ایران : در تلاطم زندگی) را در تهران دیده بودیم ، اما این‌فستیوال فرصت نیکوئی را در اختیارمان گذاشت که‌بافیلم های تازه‌وجنجالی او روبرو بشویم : فیلم‌هائی نظیر «شیاطین» و «بوی‌فرند» (رفیق پسر) که این دومی یك موزیکال پیش پا افتاده بود ، اما «شیاطین» نماینده راستین سازنده‌اش «کن‌راسل» بود .

«رفیق پسر» به سبك فیلم‌های پرزرق و برق هالیوود ساخته‌شده، در حالیکه «شیاطین» نشان دهنده اوج کار «کن‌راسل» است . وی در این فیلم آمیخته‌ئی از «سکس و خشونت» پدید می‌آورد و این ترکیب سخت‌بیگانه اوبطرزشگفت‌آوری وحشتناك بنظر میرسد .

بهرحال کن‌راسل بااین فیلم و «زنان عاشق» به محبوبیتی که شایسته یك فیلمساز پیشتاز در سینمای انگلستان باآن سنت های کلاسیك و دمده شده است ، دست می‌یابد .

«کن‌راسل» ابتدا در مقام یك فیلمبردار ، در سال ۱۹۵۷ شروع به ساختن چند فیلم آماتوری‌کرد، یکی از این فیلم‌ها **«آملیاوفرشته»** نام دارد (ماجرای دختری است‌که بالهای یك فرشته را که او نقشش را در نمایشنامه‌ای بازی میکند ، از دست میدهد) و بعد کن‌راسل فیلمی براساس اشعار «بت ژیمن» بنام «لندن شعرا» در سال ۱۹۵۹ میسازد .

طی دهه بعد «راسل» حدود چهل فیلم برای تلویزیون میسازد. میگویند که موفقیت فیلم های «لندن شعرا» و «گوردون جاکوب» باعث میشود که به تلویزیون دعوت بشود . راسل میگوید : «کار در تلویزیون خیلی چیزها را بمن آموخت که در موفقیتم در کار سینما بی‌تاثیر نبوده است .»

دومین فیلم او مغز یکمیلیون دلاری است که همانطور که گفتیم آنرا در سال ۱۹۶۷ ساخت و در تهران هم نمایش دادند (فیلم اول او که «آرایش فرانسوی» نام‌دارد در سال ۱۹۶۳ ساخته شد) . بقول راسل هردوی این فیلم‌ها یك‌جور آزمایش بوده تاچیز های زیادی را به تجربه بیاموزد . بعد از این دوفیلم راسل به نحوی فرم کار خود را عوض میکند و پس از «لی‌دایتون» به «دی اچ لارنس» روی میکند : «زنان عاشق» که در سال ۱۹۶۹ آنرا میسازد .

«مسیح وحشی» آخرین ساخته این فیلمساز انگلیسی بشمار میرود که راسل‌درباره ساختن‌آن میگوید: **این همان فرم فیلمی است که من از ساختنش لذت میبرم.** بعداز فیلم

بقیه درصفحه ۴۱



● کن راسل در حال هدایت «دوروتی توتین» بازیگر رل «سوفی»



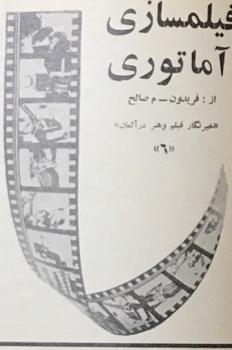
● کن راسل نکاتی را برای «اسکات آنتونی» بازیگر نقش «هانری گوادیه» توضیح می‌دهد.

فیلمسازی آماتوری

از : فریدون ــ م صالح

«خبرنگار فیلم وهنر درآلمان»

«۶»



● فرضا در سه پلان (پلان به قطعه‌ای از فیلم گفته میشود که دوربین بدون انقطاع و توقف آنرا برداشته است . بعبارت دیگر از آغاز کار دوربین تاقطع آن، مدت زمانی که نمائی روی نوار فیلم ضبط شود ، پلان نامیده میشود . از تجمع پلان ها صحنه‌ها بوجود میآیند و همین‌طور تجمع چند صحنه ، یك قسمت از فیلم است که خود به تنهائی دارای مفهوم خاصی بوده و بطور مستقیم یا غیرمستقیم به قسمتهای دیگرمربوط است و در آخر کار از تشکیل این قسمت‌ها ، فیلم کامل بوجود میآید ــ طول هرپلان معمولا تا ۳۰ ثانیه میباشد مگر اینکه فیلمساز بخواهد از پلان‌های طویل استفاده کند که طول آن بستگی بموقعیت فیلمبرداری و سناریو دارد) مختلف نشان داده میشود که : در پلان اول دزدی وارد خانه‌ای میشود . در پلان دوم سگی که در گوشه‌ای خوابیده سرش را بلند کرده و ناگهان بطرفی شروع بدویدن‌میکند و در پلان سوم دزد در حال‌دویدن است و سك هم او را تعقیب‌میکند.

با قرار دادن این سه پلان پهلوی هم که یکی پس از دیگری از مد نظر تماشاچی میگذرد این احساس در او بوجود میآید که سك متوجه دزد شده و او را تعقیب میکند . در اینجا سك رل خودش را بخوبی بازی کرده است (البته از نظر تماشاچی) ولی موقع فیلم‌برداری صحنه ، جریان طوردیگری است ــ چون هرپلان‌بطور جداگانه فیلمبرداری میشود و ممکن است مدت زمانی که در فاصله تهیه بین دو پلان وجود دارد به یك یا چند، روز برسد بدین معنی که بعد از فیلم‌برداری پلان اول ، وقت یا موقعیت طوری باشدکه فیلمبرداری پلان دوم را به روز دیگر موکول نمایند ــ درنتیجه موقع فیلمبرداری پلان دوم دزدی مقابل سك وجود ندارد که به آن توجه کند .

تهیه پلان اول کار ساده‌ای است چون از یك هنرپیشه استفاده میشود و او کارش را مطابق سناریو و خواست کارگردان انجام میدهد ــ ولی حالا پلان دوم را چطور بایستی تهیه کرد ؟ آیا بسك هم میشود دستور داد که مطابق سناریو سرش را بلند کند وبطرفی توجه نموده و به آن‌سمت بدود ــ این که امکان ندارد ــ اما فرض میشود که سك را یك روز گرسنه نگهداشته و بعد ، موقع فیلمبرداری او را در محل مورد نظر قرار میدهندکه دراز بکشد وبابخوابد ــ در خارج از کادر فیلم در سمتی که سك بایستی بدود ، شخصی تکه گوشتی در دست گرفته و سك را صدا میکند . سك که خیلی گرسنه است بمحض شنیدن صدا و اسم خودش ــ سرش را بلند کرده و بمحض دیدن گوشت گوشهایش را تیز نموده و بطرف آن میدود و از کادر فیلم خارج میشود ــ در موقع نمایش ــ چون تماشاچی‌قبلا پلان دزد را دیده با دیدن این پلان ــ این احساس برایش پیش میآید که سك متوجه دزد شده و بطرف او حمله‌کرده است‌درحالیکه در حقیقت دویدن سك بخاطر تکه گوشت و رفع گرسنگی‌بود ــ بهمین ترتیب پلان تعقیب و صحنه های دیگر به اقتضای حالت و زمان بخصوصی که در سناریو قید شده تهیه میشود ــ

با توجه به این مطالب، نتیجه گیری میشود که برای تهیه هر ــ فیلمی لازم است که آنرا از روی سناریو فیلمبرداری کرد . برای یك فیلم خیلی ساده یا فیلم خانوادگی که زیاد دارای اهمیت عمومی نیست ، شاید بشود به یك نوشته خلاصه اکتفا نمود ، اما اگر فیلمی در دست تهیه است که روی آن خیلی حساب میشود ، خواه‌فیلم مستند ، تفسیری و یا داستانی . بایستی برای آن ، سناریوی کامل و صحیح نوشت و همچنین نتیجه گرفته میشود که سناریو کار فیلمساز آماتور را آسان‌تر کرده به او در تهیه فیلمش کمك میتماید .

برای نوشتن سناریو بایستی خیلی زحمت کشید و خیلی دقت بخرج داد . اما این زحمت ارزش آنرا دارد و میتواند کارفیلمسازی را که در وهله اول فقط بصورت یك بازیچه بود ، بیك کار هنری موفقیت‌آمیز تبدیل کند .

ارزش هنری‌یك فیلم ، بستگی به آن دارد که چگونه واقعه‌ای در تصاویر فیلمی حکایت شود . همانطوریکه یك شاعر برای نوشتن دیوان خودش از «کلمه» استفاده میکند و با قرار دادن آنها پهلوی هم شعری میسراید که ضمن ایجاد لذت در خواننده عقاید و آرای خویش‌را بیان میکند. یك‌فیلمساز هم از «حرکت» برای ساختن‌فیلمش استفاده کرده با قرار دادن آنها پهلوی هم فیلمی میسازد که‌بازگو کننده عقاید و افکار اوست . در حقیقت قطعه شعر خودش را به سبك و روش دیگری «میسراید» .

بهمان‌نسبتی که‌وجود «کلمه» برای شاعر و نویسنده لازم است‌و اهمیت دارد ، بهمان نسبت هم «حرکت» برای فیلمساز اهمیت دارد ــ در حقیقت حرکت درحکم کلمه برای فیلمساز میباشد . اصولا هرچیزی یا موجودی که حرکت می‌کند ، انسان در آن زندگی و حیات را احساس مینماید . بچه‌ئی که در حال بازی و جنب وجوش و حرکت است بیشتر در چشم ما موجودیت و زنده بودنش جلوه میکند تا بچه‌ایکه خفته و بدون حرکت میباشد . همچنین این احساس در حیوانات هم وجود دارد ، یك گراز هیچوقت به موجودیکه بدون حرکت باشد (که شاید آنرا مرده و یا یك شیئی بی‌مصرف فرض‌میکند) کاری‌ندارد و بیشتر دنبال چیز های حرکت‌دار میرود . بنابراین‌حرکت نشانه‌حیات و زندگی هرنوع شیئی است وانسان زندگی را در اشیائی میبیند که حرکت میکنند .

درست است که حرکت بمنزله سلسله اعصاب یك فیلم میباشد اما همانطوریکه قرار دادن تصادفی کلمات پهلوی هم ، دلیل نوشتن کتاب نیست بهمان نسبت هم‌پهلوی هم گذاشتن حرکات به آسانی‌دلیل بوجود آمدن یك فیلم نمیشود ، چه استفاده از حرکت هم مستلزم توجه بنکات مختلف دیگری است که بشرح و بیان حرکت کمك مینماید . بعضی از این نکات کوچك و بی اهمیت ممکن است بکلی معنی اصلی صحنه را عوض کرده و آنرا خراب کنند و یا آنرا تکمیل کرده و بحد کمال برسانند .

بطور مثال ، در یك فیلم وسترن ، در زندان شهر یك‌زندانی نشسته است که منتظر اجرای حکم اعدام میباشد و در بیرون ، داخل

بقیه در صفحه ۴۱

گزارش فیلم

جمشید اکرمی

نان و عشق و... استرالیا!

دردسر ازدواج با مکاتبه

Agirl In Australia

● تابحال هیچ سینمائی در دنیا، به‌قدر سینمای ایتالیا، تسلیم و دستخوش چیزی به‌اسم «مدروز» نبوده است. ایتالیائیها که هرگز به‌طور ثابت تابع یک‌مد واحد تولید فیلم نبوده‌اند، هرچند گاه یکبار به‌یک تیپ خاص فیلم‌اقبال نشان داده‌اند ودرواقع ساختن نوع‌بخصوصی فیلم‌را مد کرده‌اند.

بعضی ازاین مدها، درحد یک نهضت، بهجبر اوضاع واحوال خاص اجتماعی پدید آمده‌اند (نظیر «نئورئالیسم» بعد ازجنگ سینمای ایتالیا) . برخی دیگر، مدهائی انقلابی بوده‌اندکه صرفا به‌تبعیت دستاورد پیروزیهای تجارتی تجربه‌شده‌اند وهمانقدر که‌احتمال‌موفقیت این تجربه‌ها می‌رفته، امکان ناکامی آنهاهم وجود داشته است (نظیر مد ساختن وسترنهای «اسپاگتی» ایتالیائی) ، واما پاره‌ای دیگر ازاین مدها، صرفا درحد یکجور تفنن بوده‌اند، مثلا ایتالیهائیها در یکی دو سال اخیر بساختن فیلمهائی پرداخته‌اند که نامشان، نام آهنگهای محبوب و پاپیولرروز بوده است وهرپیشه اولشان‌هم ، خواننده همان آهنگ موفق روز. باآنکه، بموازات این، فیلمسازان ایتالیائی تازگیها اقبالی نشان داده‌اند بساختن فیلمهائی‌که ماجراهایشان در یک سرزمین بیگانه می‌گذرد وتم فیلم، ضمن تاکید برخصوصیات این سرزمین ، درحول کیفیت مواجهه یک‌فرد ایتالیائی بااین سرزمین وموقعیتی‌که او درآنجا می‌یابد، می‌چرخد . ببباب مثال می‌شود اسم برد از فیلمی که اخیرا مارچلوماستروپانی درآمریکا بازی کرد و اسمش گویاچیزی است در حدود «خودم‌را معرفی می‌کنم : روکوپاپالئو» . ویا همین فیلمی‌که بهانه نوشتن این مطلب شده واسم اصلیش «دختری دراسترالیا» است (واین فیلم بخاطرمان آوردکه چندی قبل‌هم کمدی ایتالیائی دیگری دیدیم به اسم «معجزه گلها» که ماجراهایش در استرالیا می‌گذشت) .

واما «دردسر ازدواج بامکاتبه» که بانام اصلیش ، فیلم اختتامیه فستیوال تهران نیز بود، به‌عنوان یک فیلم کمدی، آشکارا «گریزی» است از آن نوع کمدیهائی که طی همین سالهای اخیر، ساختنشان در ایتالیا باب شده بود وفیلمهائی بودندکه در چارچوب کمدی، پاره‌ای مسائل جدی مربوط بشرایط سیاسی واقتصادی واجتماعی ایتالیای معاصر را منعکس می‌ساختند، فیلمهائیکه درعین حال لحنی هجائی و انتقادی وهشدار دهنده داشتند (ازاین تیپ کمدیها، ما فیلمهائی مثل «حسادت بسبک ایتالیائی» اتوره اسکولا و «اینوهم باشه، قبوله» دوچوتاری و دفاع‌ازشرف» ماریو مونیچلی را در تهران دیده‌ایم .) «دردسر ازدواج ...» درواقع بازگشتی است به‌آن نوع کمدیهای قدیمی «نان وعشق و...» که سوژه‌هائی کوتاه وکم‌اهمیت وخصوصی داشتند ودر فاصله‌ئی بعید از واقعیتهای ملموس، نشانه‌هائی از نوعی کمدی بوف، بدون پرده‌دری وجسارت کمدیهای امروزی همراه داشتند .

اما تفاوتی که این فیلم باآن کمدیها نشان می‌دهد، درواقع ناشی ازبی‌تکلفی وسادگی وصمیمیتی است‌که در بطن آن فیلمها خودنمائی می‌کرد ودراین فیلم کمبودش احساس می‌شود.

خمیر مایه داستانی فیلم به‌عنوان سوژه‌ای برای یک کمدی دو ساعته بسیار ناکافی جلوه می‌نماید ومتاسفانه کارگردانی «لوئیجی زامپا» هم نتوانسته ضعف سوژه‌را بپوشاند. سوژه ازدواج ازطریق‌مکاتبه فی‌نفسه می‌تواند «نقطه آغاز» مناسبی برای یک کمدی باشد امامشروط به‌آنکه واقعا درحد یک «نقطه شروع» مورد بهره‌برداری قرار گیرد، نه‌آنکه به عنوان یک «زیربنا»ی داستانی، سنگینی تمامی ماجراهای فیلم‌را بردوش کشد وتم کمیک محکم وپیوسته دیگری در فیلم مطرح نشود .

بهمین خاطر اگر فیلم «زامپا» دربسیاری لحظات کند وملال‌آور به‌نظر می‌رسد (که تازه بازی شیرین ودلچسب آلبرتوسوردی بعضی جاها تاحدودی ازشدت ملال‌انگیزی آن می‌کاهد) ، این بخاطرگسترش ناشیانه سوژه «زیربنا» وعدم تعدد حادثه‌های چندگونه کمیک درطول فیلم است. روی همین اصل آن یکی دوصحنه قابل اعتنائی که در فیلم می‌بینیم، صحنه‌هائی هستندکه خارج ازخط اصلی سوژه فیلم‌ماهیتی انتزاعی دارند، نظیر آن صحنه‌ایکه تعداد زیادی مرد، به‌ترتیب از دو سه‌زن بیقواره تقاضای رقص می‌کنند وزنها تقاضاهارا هریک به‌دلیلی رد می‌کنند. ویاصحنه مربوط به‌روسپیگری کارملا در رم.

● کارگردان : لوئیجی زامپا ● سناریست : رودلفوسونکو ● موزیک : پیرو پیچیونی ● فیلمبردار : آلدوتونتی ● تهیه کننده : جانی هکت‌لوکاری ● محصول سال ۱۹۷۲ سینمای ایتالیا ●پخش از کمپانی کلمیا ● بازیگران: آلبرتوسوردی (سالواتوره)، کلادیاکاردیناله (کارملا) .

یک «پلیسی» آرام و بی آکسیون

کلوت

Klute

باانام «آلن‌جی‌پاکولا» کارگردان وتهیه کننده چهل وچهارساله آمریکائی کـه «کلـوت» دومین تجربه مستقلش به‌عنوان‌یک فیلمساز است (فیلم اول او «فاخته عقیم» را هنوز ندیده‌ایم) ، از طریق فیلمهای «رابرت مولیگان» آشنا هستیم ، چراکه اوتهیه‌کننده اکثر فیلمهای مولیگان بوده است (فیلمهائی مثل : «عشق بابیگانه کامل» ، «کشتن مرغ مقلد» ، «اسرار دیزی کلاور» ، «تاریکی بالای پله» ، و «جدال در نیمه شب») وباوجود این «پیش آگاهی» نادرست نخواهد بود اگر که «پاکولا» را تاحدود زیادی متاثر از «مولیگان» بپنداریم، چرا که بخصوص می‌بینیم او در پرداخت یک فیلم پلیسی، بیش از هرچیز از تاکیدهای عاطفی واحساسی مدد گرفته است و این کـه دست‌کم در مورد یک چنین فیلمی نامنتظره و غیرعادی است ، تاثیری راکه وی ازمولیگان گرفته است، به‌خوبی ثابت‌می‌کند چه‌آنکه مولیگان نیز آنطورکه تابحال نشان داده درپرداخت فیلمهایش بیشتر به‌لایه‌ها وساختهای حسی وعاطفی اهمیت می‌دهد.

کلوت، باداستانی درباره کارآگاهی‌که به‌جستجوی یک مـرد گمشده برمیخیزد، آدم‌را به‌یاد فیلم‌های کارآگاهی قدیمی هـالیوود می‌اندازد . ولی فیلم از خصوصیاتی ویژه برخوردار است که آنرا هم از فیلمهای پلیسی قدیمی وهم از «پلیسی» های امروزی متمایز می‌سازد. اول آنکه برخلاف پلیسی‌های قدیمی دراین فیلم نشانـی از پیچیدگی‌های داستانی نیست وبخصوص هیچ کوششی در پـوشیده نگهداشتن چهره قاتل بخرج داده نمی‌شود. نیز شخصیت پـردازی عمق‌کاوانه ومتقاعد کننده پاکولا، آدمهای فیلم‌را در فاصله‌ای در خور اعتنا از آن کاراکترهای سطحی و کلیشه‌ای پلیسی‌های قدیمـی قرار

بقیه در صفحه ۴۳

آشنائی با هنرمندان فیلم حکیم‌باشی

دلارام



● در این هفته بسراغ یکی دیگر از هنرمندان فیلم «حکیم باشی» میرویم . ستاره تازه‌کاری که خیلی زود توانست درمیان هنرمندان سینمای فارسی عنوانی برای خود کسب نماید . «دلارام» را میگوئیم هنرپیشه‌ای که برای اولین‌بار او را در ساخته‌ای از «سیامك یاسمی» بنام آبشار طلا دیدیم . وی ۱۷ سال دارد . پس از گرفتن دیپلم بعلت علاقه زیادی که بزبانهای خارجی داشت در «انجمن ملی زبان» ثبت نام کرد و اکنون منهای آنکه بکار شرکت در فیلم میپردازد ، به تحصیل خود نیز ادامه میدهد و هرگز حاضر نیست گرفتاری‌های بیش از حدش مبنی بر شرکت در فیلمها ، مانع از آن شود که نتواند به تحصیلات خود ادامه دهد .

«دلارام» قبل ازآنکه بسینما راه یابد احساس میکرد که میتواند فعالیت هنری داشته باشد هر چند در این زمینه تجربه کافی نداشت‌ولی بابرگزاری نمایشاتی در مدرسه ، نشان داد که استعداد هنرپیشگی‌را دارد واغلب دوستانش باو پیشنهاد میکردند که بجای آنکه به تحصیل ادامه دهد خود رابیکی از کارگردانها معرفی نماید اما او هرگز حاضر نبود از تحصیل دست بکشد .

«دلارام» پس از عقد قرارداد با سیامك یاسمی برای فیلم «آبشارطلا» و با چاپ چند خبر و عکس در مطبوعات ، چند تهیه کننده دیگر را بسوی خود کشید و بزودی فیلمهای فتانه ــ طغرل را از او ستایش خواهند داد و «حکیم باشی» در واقع آخرین و بهترین فیلم او محسوب میشود . «دلارام» پنج‌قرار داد دیگر برای شرکت در پنج فیلم دیگر دارد که احتمالا تا آخر امسال در آنها شرکت خواهد کرد .

گفتگو

گفت و گوی حاضر با «دلارام» در مورد آخرین فیلمش «حکیم‌باشی» باوی صورت گرفته است .

● نقش شما در«حکیم‌باشی» چگونه است ؟

دلارام ــ من بیش از همه به خود فیلم اهمیت میدهم تا نقشی که بمن محول شده است زیرا معتقدم هر فیلمی که خوب ساخته شد بدون شك نقشهای محوله به هنرپیشگان فیلم‌نیزجالب و مورد توجه میباشد .

● شما فکر میکنید در این فیلم موفق هستید ؟

دلارام ــ مسلم است ، چون هنرپیشگان خوب و با تجربه دیگری در آن شرکت دارند . بدون شك من نیز در کارم ، موفق هستم . نه بآن دلیل که آنها در این فیلم شرکت دارند ، بلکه گروه سازندگان فیلم‌چه‌کارگردان، چه تهیه‌کننده و چه فیلمبردار ، از دست اندرکاران موفق سینمای فعلی میباشند و شك ندارم که بدلایل خاص و حساب شده‌ای مرا برای ایفای نقشی در فیلم انتخاب کرده‌اند .

● نسبت به کارگردان فیلم چه نظری دارید ؟

دلارام ــ این اولین فیلمی است که من باnوری کار کرده‌ام ، و قبل از آن هیچگونه آشنائی با ایشان نداشتم ، بنظر من نوری از جمله کارگردانهائی است که بکارش وارد است با وجود آنکه بقول یکی از هنرپیشگان فیلم «حکیم‌باشی» در روال کار اونیست ولی صد در صد در کارش موفق میباشد .

● شما سعی کرده‌اید چه کار تازه‌ای ارائه بدهید ؟

دلارام ــ کار تازه چه‌عرض کنم چون یك هنرپیشه هنگامیکه در فیلمی شرکت میکند ، بدون‌شك کارتازه‌ای میکند چه از نظرتیپ و چه از نظر بازی زیرا نسبت به گذشته تجربه بیشتری ، دارد . نقش من در فیلم «حکیم باشی» کاملا تازگی دارد و همین امر باعث شده که من در کارم موفق باشم .

● بنظر شما «حکیم باشی» چگونه فیلمی است ؟

دلارام ــ بجرات میتوانم بگویم که «حکیم‌باشی» یکی از بهترین و جنجالی‌ترین فیلمهائی خواهد بود که در سال ۵۱ نمایش خواهند داد . و شك ندارم که با استقبال مردم روبرو خواهد شد بخصوص‌آنکه بدانیم‌که هنرپیشگان خوبی چون کریمی در آن شرکت دارند .

● فیلمهای‌آینده شما کدامند؟

دلارام ــ فیلمهای فتانه و طغرل را تمام کرده‌ام و قرارداد های جدیدی دارم که سعی خواهم کرد بعد از «حکیم باشی» بهترین آنها را انتخاب کنم .

●

● دیانا ، دلارام و ایرن در صحنه‌ای از «حکیم‌باشی»



نظرها

دختر رایان
تجلی احساسات

● عشق و خیانت وبردباری و بالاخره نبردی برای بهترزیستن تمهائی است که در فیلم دختررایان مطرح میشوند .

دیویدلین با استادی تمام وبا بیانی ساده در نشان دادن احساسات و عواطف آنها کاملا موفق شده است .

دختری بنام‌رزی (سارامایلز) به تنها معلم دهکده دل می‌بنددکه این دلبستگی بازدواج می‌انجامد ولی باورود سرگرد انگلیسی باین دهکده رابطه‌ای نامشروع بین او و رزی بوجود می‌آید . و این نقطه اوج داستان فیلم است وشوهر (رابرت میچم) بااینکه میداند که همسرش باو خیانت می‌کند ولی سکوت اختیار کرده و خاموش میماند .

دیویدلین آنچنانکه او را می‌شناسیم شناسائی های دقیقی از عواطف کاراکتر های فیلم خود بدست می‌دهد و چند صحنه ازفیلم بی‌نهایت زیباست از آن جمله‌صحنه حمله زنان دهکده به «رزی» و اولین برخورد او بامعلم دهکده در کنار ساحل .

بازیهای تمام هنرپیشگان خوب است بخصوص کار جان‌میلز و سارامایلز و همین طور موزیك موریس‌ژار .

عبدالمجید زرین‌مهر ــ آبادان

محلل
تاکیدهای فراوان

● فیلم را از عنوانش میتوان حدس زد ولی باتمام این احوال کریمی از این‌مسئله برداشتی بسیار هشیارانه و با دقت و نگرش عمیق داشته‌است و این به لطف فیلم می‌افزاید بخصوص دید طنزآلود و انتقادیش اما عیب اصلی کار کریمی در اینستکه او روی مسایل بیش از حد تکیه و تکرار می‌کند و این تاکیدها تماشاچی را خسته می‌کند وفیلم را مطول و کشدار نشان می‌دهد ــ نگاه‌کنیم به صحنه‌هائی که همگی بدنبال محلل می ـ گردند ــ در هر حال فیلم محلل برداشتی است از زندگی مردم باهمه خصوصیاتشان در خاتمه باید بگویم ما به کریمی

رضا هفت خط
و غریبه



● فیلم «رضا هفت خط» باداشتن کارگردانی چون ترابی (مهرداد) که‌فارغ‌التحصیل دانشکده‌هنرهای دراماتیك و برنده جایزه سپاس فیلمهای کوتاه ۱۶ میلیمتری‌است و بازیگر مستعدی چون بهمن مفید و تهیه کننده‌ای چون بهروزصیادی که کار قبلی او «سه‌قاپ» کاملا چشگیر بوده ، میتوانست‌چیزی مافوق خیلی از فیلمها باشد و کاملا جلب توجه نماید ــ اما از همان ابتدای کار ترابی درگیر سوژه‌ای تکراری میشود و نمیتواندضعفهای اساسی آنرا بپوشاند و تا آخرفیلم‌همچنان‌بی‌هدف وسرگردان‌باقی میماند . در نتیجه می‌بینیم که بهمن مفید درخشش همیشگی خودرا ندارد و بهروز صیادی فاصله بعیدی از فیلم «سه‌قاپ» میگیرد ــ همان فاصله‌ای که «ترابی» نسبت‌به کار اولش «الاکلنك» دارد . بنظرمیرسد که ترابی هنوز در سینمای ایران یك غریبه است که موفق‌به بیان ایده‌های شخصی خود نشده است .

اصفهان ــ مصطفی‌محمدی (شاهین)

امیدواری داریم و منتظر کار های بعدی او هستیم .

یحیی گیلك ــ زنجان

قصه عشق
به سبك سینمای هند

● بالاخره قصه عشق را با آنهمه سر و صدا و هیاهو دیدیم اما این فیلم آن چیزی نبود که انتظار میرفت .

قصه عشق بخصوص برای تماشاچی ایرانی که باسری فیلمهای غم‌آلود و اشك انگیز هندی خو کرده‌اند و نسبت باین نوع آثار مصونیت دارند نمیتواند راضی کننده و یا موثر باشد و تنها نقطه روشن آن وجود جناب « رایان اونیل » آقای رادتی تلویزیون‌بود و همین مردم را به سینما می‌کشانید .

واقعا جای تعجب است که جوانانی که برای فیلمهای هندی پیف پیف راه می‌اندازند و ژست میگیرند از این فیلم استقبال نموده‌اند و مشتاقانه ساعتها درصف انتظار می‌کشیدند .

تنها امتیازفیلم ــ فیلمبرداری زیبای آن بود .

عبدالمجید زرین‌مهر ــ آبادان

قلندر
... و پایان متعادل

● نکته جالبی که در کار حاتمی بچشم میخورد . اصالت و سادگی اوست. حاتمی که بافیلمهای طوقی ــ حسن کچل ــ باباشمل دلبستگی خود را به سنت‌ها وآداب ما نشان داده در قلندر کمتر به‌این موارد توجه نشان داده است وفیلم در پایان حادثه‌ای میشود و در نتیجه بجای اینکه قلندر شخصیتی شجاع باشد آدمی است نامرد و ترسو . فیلم تالحظات ورود فروزان به آن خانه به خیلی خوب پیش میرود و پس از آن تعادل آن بهم میخورد در حالیکه فیلم میتوانست پایانی بهتر از این داشته باشد .

بازیهای ملك مطیعی ــ مفید ــ ژاله در خور توجه و اهمیت است و بالاتر از همه بازی شیراندامی است که بنظر من سپاس بهترین بازیگر درجه دوم باید درسال‌آینده ازآن او گردد .

فیلمبرداری احمد شیرازی و

موزیك حنانه به فیلم امتیازاتی داده است .

سیدنورالدین پزشکی

غلام ژاندارم
... و بازهم آکسیون

● بعد از «پهلوان مفرد» بار دیگر امان‌اله منطقی با «غلام ژاندارم» نشان داد که فیلمهایش در روالی متفاوت با سایر فیلم های فارسی جریان دارد و این برای تماشاگر بسیار جالب توجه‌ودلپسند است .

آکسیونهای پی‌درپی فیلم کاملا تماشاچی را مجذوب خود می‌نماید. منطقی درهدایت‌بازیگران کاملا موفق است . آیا می‌توان‌تصور نمود که بغیر از ناصر ملك مطیعی چه کسی میتوانست با این چنین هیبتی شخصیت داش‌غلام را جان دهد . همینطور جا دارد از بازی بسیار خوب مرجان و ایرج قادری هم یاد شود .

محمدحسین علیجانی ــ قزوین

کلوت
سیمائی از واقعیت های تلخ

● در «کلوت» بگونه‌ای با واقعیت های تلخی ازجامعه امریکا مواجه هستیم که در مرکز همه آنها بادختری تلفنی آشنا میشویم که درگیرآدمهائی است باعقده های روانی و با نوعی زندگی بیمارگونه .

بیشترین توجه فیلم به منعکس نمودن این زندگی و آدمهای آن معطوف بوده است در حالیکه زمینه داستانش‌چنین اقتضائی‌را نمی‌نمود ومیتوانست کاملا در خط دلهره و هیجان و تعقیب و فرار قرار گیرد .

«جین فاندا» باتسلط کامل در قالب کاراکتری که باو محول شده قرار گرفته است و بازی درخشانی را ارائه میدهد کلوت با امتیازاتی که در جشنواره‌ها کسب نموده است مسلما باتوقعات زیاد تماشاچی روبروست و از این نظر قادر به مقابله بااین تقاضا نیستچرا که در گیر و دار سانتیمانتال و هیجانات کاذب ماجرا های کارآگاه خصوصی و ژستهای یك سینمای جدی و سنگین سرگردان مانده است ونمیتواند خود را از مهلکه بی‌تصمیمی برهاند .

نادر ــ پرتوی

داش آکل
مهیج ولی غمناك

● کیمیائی باساختن داش‌آکل به‌توفیق عظیمی دست یافته‌است و سینمای ایران را از چهارچوب قرارداد های خود نجات داده و تاحد یك سینمای جهانی وسعت داده است .

قهرمان فیلم «داش‌آکل» ازجمله مردانی است‌که دارای نوعی تشخص ذاتی وغروری مردانه هستند وروی همین خصوصیت خود تا پای جان با بدی‌ها و نامردمی‌ها می‌جنگند .

مبارزه داش‌آکل وکاکا رستم درواقع نبرد خوبی وبدی است هرچند مرك بدی بقیمت خیلی گرانی بچنك می‌آید .

موزیك اسفندیار منفردزاده به‌فیلم حالتی مهیج و غمناك داده است. بهرحال داش‌آکل صادق هدایت و داش‌آکل مسعود کیمیائی دو اثر جاودانی در ادبیات فارسی وسینمای فارسی است.

تویسرکان ــ محمدرضا عباسی

راه جبهه از کدوم طرفه؟

مضامین و موقعیت‌های کمیك فیلم ، بخاطر خنده نیست که‌بدون ارتباط با شخصیت اصلی فیلم،بطور نجب و تحمیلی به‌آن مربوطشده باشد بلکه باشخصیت «جری‌لوئیس» کاملا ربط دارد ، شخصیت«لوئیز» علیرغم سادگی و بی‌دست‌وپائی تیزهوش و زرنك است و همین او را برخلاف مثلا «نورمن ویزدم» برای تماشاچی قابل‌لمس و دوست داشتنی میسازه .

تشابه بین «لوئیز» و «کلرنیاك» بیش از آنکه ازنظر ارزش داستانی ــ اشتباه شدن شخصیت‌ها باهم و ماجراهای‌حاصله ازآن ــ موردنظر باشد درروشنگر ساختن بیشتر شخصیت «لوئیز» موثر است گرچه این موضوع در فیلم زیاد جدی وبطور موکدمطرح نشده وهدف همان دست انداختن جنك وآدمهای جنك است .

از آن گذشته فیلم از روح کمدی تقریبا بطور کامل‌برخوردار است بهترین نمونه فیلم از جهت ارائه هدف ، برخورد کلرنیاك قلدنی (لوئیز) با هیتلر است‌این فصل بخصوص از جهت ارزش‌غیر دراماتیکی که به شخصیت هیتلر داده شده قابل ارزش واهمیت است مانند منع هیتلر از سیگار کشیدن بخاطر بخطر افتادن سلامتی صحبت درباره دست پخت همسر کلرنیاك وادامه آن .

شیراز ــ احمدرضامغفوری



خداحافظ رفیق

و سلام آقای نادری

● امیر نادری‌که درسینما تحصیل کلاسیك ندارد فیلمی ساخته است‌که بدون شك یکی ازده فیلم خوب سال ۵۰ بوده است وکمتر فیلمی تابدین حد مورد تائید وتشویق صاحب‌نظران قرار گرفته است .

نظرها براین بودکه قسمت اول فیلم ــ قبل ازسرقت ــ سست است . این‌را کاملا قبول داریم اما اگر براستی واقع‌بین باشیم و مشکلات‌کار نادری ویارانش راکه درساختن این فیلم باآن دست بگریبان بوده‌اند بشناسیم ــ بیش ازاین ازاو انتظار نخواهیم داشت‌ــ در حالیکه این خود نیز اقناع کننده است. ما ضمن تائید کار نادری این آرزو را نیز داریم‌که همین وسواس مخصوص بخود را درکارهای بعدیش نیز حفظ نماید .

نادری و امثال او امید فردای سینمای کشورمان محسوب‌میشوند پس قدمشان گرامی باد .

علی محتشمی

پاسخ سردبیر

● **آقای میرزائی همدانی**

امور فیلمبرداری فیلم علی سورچی در ملایر انجام گرفته است.

● **تهران — آقای ابراهیم محقق**

۱ — فروزان تحصیلات خود را تا پنجم متوسطه ادامه داده‌است. ۲ — معمولا ژاله کاظمی در فیلمها بجای فروزان صحبت میکند ۳ — چنگیز جلیلوندنیزبجای ملک‌مطیعی درفیلمها صحبت میکند.

● **آقای ح — اعتصامی**

دوست عزیز نامه سراپااحساس و پرشور شما را خواندیم، نه‌یک‌بار بلکه چند بار اما شما دوست عزیز مگر علامه دهرید و استحقاق دارید که نسبت بهرجریانی نظر بدهید و نظر شما شرط مسلم باشد. این شما هستید که اگر مسائل بانظرتان وفق نمی‌دهد، نسبت بدان اعتراض می‌کنید. ناصر ملک مطیعی‌خودش در دوره‌دوم سپاس ازکاندیداتوری نقش دوم کناره‌گیری کرد و شما حالا معترضید چرا باو جایزه نداده‌اید. یا بر فرض جایزه را در سال قبل حق بهروز وثوقی میدانید و کار خوب ملك مطیعی را در فیلم رقاصه ندیده می‌گیرید و داوران را مقصر میدانید در حالیکه کسانیکه در سال قبل و یا سال قبل از آن و یا امسال درمورد فیلم‌ها نظر میدهند بمراتب‌نظرشان از شما صائب‌تر و یا ارزشتر است. ما با ایجاد سپاس توانسته‌ایم‌بهدف خود که ساختن فیلم خوب در این سرزمین است نزدیك شویم حال‌اگر شما معتقدید که سپاس سالهای قبل حق دیگران بوده مسئله دیگری‌است ما همان سال اول که از طریق رفراندوم بهنرمندان جایزه سپاس دادیم کافی است. در هر حال آرزومندیم امسال جوایز بترتیبی توزیع شودکه مورد قبول همه واقع شود، ولی بگذارید یك نکته را تذکر دهیم، آنقدر دنبال شهرت و سر و صدا نروید خیلی از فیلم‌های خوب ایرانی بوده که در سال قبل مهجور مانده.

ملکه زیبائی

آخرین نتایج بمناسبت انتخاب «ملکه زیبائی» بترتیب آراء از نفر اول تا دهم

● ایرن ۸۹۳۵ رای ● فروزان ۸۸۴۲ رای ● پوری بنائی ۷۹۸۵ رای ● زری خوشکام ۷۸۲۶ رای ● مرجان ۷۳۱۹رای ● گوگوش ۶۸۴۷ رای ● ژاله سام ۵۵۳۲ رای ● فریبا خاتمی ۵۴۱۸ رای ● ارغوان ۲۹۴۵ رای ● سهیلا ۲۸۸۷ رای.

هستند، در آینده نام آنها نیز آورده خواهد شد. بهمین جا به بحث خودمان خاتمه میدهیم و از کلیه خوانندگان خود میخواهیم که درنامه‌های ارسالی‌خود حداکثر سه نفر را بعنوان ملکه زیبائی انتخاب نمایند.

آقای منصور کلك

آرزومندیم مارا در اندوه بزرگی که بشما روی‌آورده است شریك و سهیم بدانید.

شورای نویسندگان فیلم و هنر

پشت پرده

● راوی میگفت فریدون‌گله سازنده‌ی فیلم «کافر» که به موفقیت فیلم خود امید فراوان‌داشته است چند ماه در محفلی که بیك ایمانوردی هم در آنجا حضور داشته بعد ازبحث وگفتگوی فراوان با بیك‌کنبا با وی شرطبندی میکند که فیلم «کافر» دراکران نخست تهران فروش‌بالای «هشتصدهزارتومان» خواهد شد درحالیکه بیك ایمانوردی معتقد بود «کافر» نصف این فروش را هم نخواهد کرد. بموجب این شرطبندی که چند نفر هم بعنوان شاهد آنرا امضاء کرده‌اند اکنونکه فروش «کافر» در تهران سیصد وخورده‌ای هزار تومان بیشتر نشده است گله، ده هزار تومان به بیك ایمانوردی باخته است.

● راوی میگفت یکی از هنرپیشگان درجه ۲ فیلمهای‌ایرانی که با یکی از کارگردانان دوستی‌دارد چند شب قبل باتفاق دو نفر دیگر به خانه‌ی کارگردان مورد بحث که قرار است بزودی برای‌یکی از استودیوها فیلمی بسازد، مراجعه کرده و به او اعتراض نموده‌است که چرا در فیلم تازه‌اش رلی برای‌او در نظر نگرفته است و چون دلایل کارگردان برای‌آن هنرپیشه‌قانع‌کننده نبوده است باو حمله‌ور میشود که با وساطت چند رهگذر حادثه ناگواری روی نمیدهد ولی کلانتری محل از این موضوع‌مطلع‌میشود هم‌اکنون پرونده‌ای برای رسیده‌گی به آن در جریان است.

رویدادها

قیمت یك بار گوجه‌فرنگی

● گروه سازنده و بازیگران فیلم قیمت یك بار گوجه فرنگی» همچنان در نواحی کوههای بختیاری مشغول فیلمبرداری این فیلم هستند و تاکنون حدود ۲۰ دقیقه از فیلم تهیه شده است.

در این فیلم که سناریست و کارگردانش «جو ذوالریاستین» است همایون بهادران، ارغوان، اردشیر پهلوان، ژکان و محمد کریمی شرکت دارند. فیلمبرداری این فیلم را جمشید الوندی‌برعهده دارد.

آغاز یك کلاغ چهل کلاغ

● هفته آینده «امیرشروان» که فیلم «عباسه و هارون‌الرشید» را در پارس فیلم به اتمام رسانیده، برای آغاز کارگردانی فیلم تازه خود «یك کلاغ چهل کلاغ» به اصفهان خواهد رفت. در این‌فیلم کمدی‌که باسرمایه محمدکریم‌ارباب تهیه میشود. ارحام‌صدر، جمیله، جمشید آریا، فرخ‌لقا هوشمند و عده‌ای دیگر شرکت دارند.سناریوی این فیلم را «احمد نجیب زاده» نوشته است.

طرح و تهیه توسط : محمدابراهیم پروانه

مسابقات

مسابقه بزرگ

«۱۳»

کلیه پاسخ‌های این مسابقه بایك ریال تمبر باطل نشده باید همراه باشد . پاسخ‌های خود را باآدرس «تهران ــ صندوق ۱۹٤۷» ارسال دارید .

● مسابقه بزرك و بیسابقه«۱۳» فیلم و هنر نیز چون سایر مسابقات ابتکاری ما باموجی از استقبال روبرو گردیده است و هر هفته که میگذرد، سیل نامه‌های بیشتری برای مسابقه بدفتر مجله میرسد . تاکنون نزدیك بیك هزارنفر مسابقه جالب سیزده را دنبال می‌کنند و هرهفته پاسخ‌های خودرابرای ما میفرستند و بهمین علت است که بخاطر انبوه نامه‌ها ،امکان اینکه بتوانیم برندگان را معرفی کنیم برایمان در هفته‌گذشته‌میسر نشد ودراین هفته هم متاسفانه امکان پذیر نیست ، زیرا بسیاردیده‌شده‌است که‌نامه‌هائی بدست مارسیده که شرکت کننده در مسابقه پاسخ‌مسابقه راازابتدا تاکنون برای ما نوشته‌است .

ما در هفته آینده‌هجده نفر برنده هفته اول‌مسابقه‌رامعرفی‌خواهیم کرد هرهفته ماهجده برنده خواهیم داشت . جوایزهفتگی عبارتست‌از یك ساعت ، دو خودنویس‌ـ‌ـ۵ جلدکتاب و ۱۰ بلیط لژ سینما .

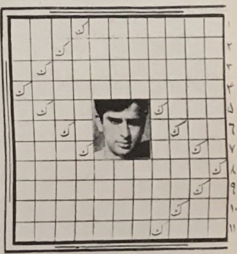
همانگونه که در هفته‌های‌قبل نوشتیم . مسابقه سیزده بدو دوره تقسیم شده‌است و هردوره‌نیزسیزده هفته خواهدبود .

ذکر این نکته لازم است درصورتیکه آدرس دقیق خودرابرای ضبط در دفتر نشانی‌های مجله‌ارسال‌داشته‌اید ، ازنوشتن آدرس‌درپائین پاسخ‌های خود ، خودداری‌فرمائیدوحتما پاسخ خودرا بایك ریال‌تمبر همراه سازید والا ازشرکت دادن‌آنها درمسابقه خودداری میگردد .

اینك آغاز هفته هفتم

سیزده فیلم نام ببریدکه‌بازیگر نقش اول‌آنها همسران هنرپیشه باشند مانند کلئوپاترا باشرکت الیزابت تایلور و ریچارد برتن و یا داش احمدبا شرکت فریده نصیری و منوچهر صادقپور

شرح جدول این هفته



افقی :

۱ ــ قهرمان تلویزیون ۲ــ هرپیشه‌ای که بافیلم دیوارشیشه‌ای معرفی شد ۳ــ سناریست فیلم رضا هفت‌خط وقدیر ٤ ــبازیگر منفی فیلم آرامش قبل از طوفان ۵ــ کارگردان فیلم موفق ایوب ــ با «مرد» از فیلمهای ایرج رستمی است ٦ ــ فیلمی از شاپور قریب با شرکت ملك‌مطیعی ــ با«گذر» از فیلمهای جدید بیك‌ایمانوردی‌است ۷ــ نام کوچك آکتور بازنشسته سینمای ایران که سال قبل استعفا داد ــ اولین ساخته فریدون گله ۸ــ بافیلم زن باکره سینمای‌ایران معرفی میشود ۹ــ فیلمبردار فیلمهای مردان سحر و آتشپاره شهر ۱۰ ــ اولی عنوان آخرین فیلم‌جعفری و دومی معروفترین ستاره سینمای ایران است ۱۱ــ بازیگر قدیم تآتر وجدید سینما که با محلل کارش گل کرده است .

طراح : مصطفی محمدی«اصفهان»

برندگان کادوی هنرمندان

● ازاین‌شماره اقدام بمعرفی برندگان کادوی هنرمندان می‌نمائیم . همانگونه که مطلع هستیددر شماره نوروز معروفترین خوانندگان وهنرمندان‌سینما وتلویزیون ورادیوبرای علاقمندان خودو خوانندگان فیلم و هنر کادوی‌جالبی در نظر گرفته ودر اختیار دفتر مجله قرار دادند ، البته‌بعضی‌ازهنرمندان نیز خلف وعده کرده وتاکنون کادوی خود را ارسال نداشته‌اند . درهرحال ازاین هفته اقدام بمعرفی برندگان کادوی‌هنرمندان می‌نمائیم .

هنرمندان سینما

آقای محمود روایتی ازساری (ملك‌مطیعی) خانم پروانه صمدی ازاصفهان (فردین) منوچهر کمالی‌ازتهران (بهروز وثوقی) رضا سمارچیان از تبریز (بیك‌ایمانوردی) کمال قربانی از مشهد (فروزان) ابراهیم هدایتی‌از رشت (پوری بنائی) بیوك تناولی ازقم (فریبا خاتمی) مهرانگیز محمودی‌از آبادان (نصرت‌الله وحدت) اسماعیل شربتی از اردبیل (نصرت کریمی) جمال صفارزاده از تهران (ایرن) محمود میر محمود ازتهران (محمد متوسلانی) پرویز حدلی از اصفهان (علی حاتمی) عباس قربانی ازتهران (زری خوشکام) فرزانه هدایتی از تهران (تقی‌مختار) رضا باقری ازکرمان (منوچهر وثوق) عباس خداوردی‌ازتهران (سپهرنیا)سیروس حشمتی ازبندر عباس (گرشا) ناصر بلورچیان ازشیراز (مرجان) باقر الله‌وردی از اصفهان (ارغوان)منوچهر کاظمی‌از نیشابور(آرمان) صمد صادقی‌از تهران (ارحام‌صدر) عزت باقریان از تهران (سعیدراد) گیتی صرافزاده‌از رشت(انتظامی) ایرج شادفر از همدان (ایرج قادری) همایون هاشمی از مشهد(بهمن مفید)حمیرا تفرشی ازاراك (ژاله) نظرتبریزیان ازرضائیه(مهناز)هاشم‌جاویدی ازتهران (نیلوفر) احمد قاسم‌خانی از قطر (فرخ‌ساجدی) رضا همیشه‌بهار ازبابلسر (همایون) پروانه پاسدار از تهران (شهین) ـ بهروز برجسته‌ازتهران (ایرج‌رستمی) محمدجوادمهرآوران‌ازبندر بوشهر (میری) محمودمعصر ازتهران (میری) حسن حاذق از گرگان (کیمیائی) عباس پیشنماز ازقم (سیمین علیزاده)

از صبح تاشوم درخانه «حسن سیاه»

و به خوردن نهار مشغول میشوند . ضمن نهار آسیتان کارگردان دیگر فیلم ، درمورد سیلی آنچنانی که اردوان مفید بقولی نوش جان کرده ، با او صحبت می‌کند و معلوم می‌شود که اردوان از طبیعی شدن این صحنه ، نه تنها دلخور نیست بلکه احساس رضایت نیز می‌کند ! ساعت حدودا دو بعد از ظهر مجددا کلیددوربین زده شده و بساط نامزدی کریمی و مهناز در یکی دیگر از اطاقهای متعدد خانه «حسن‌سیاه» برپامیگردد وکریمی‌حلقه نامزدی را تقریبا با نوعی‌اجبار به انگشت مهناز می‌کند و صدای موسیقی و آواز کریمی در فضا طنین‌انداز میگردد که البته مربوط به ضبط صوتی است که حاوی کلیه آهنگهای ضبط شده فیلم می‌باشد ! و خلاصه دو سه ساعت بعد ، همگی آماده برای شروع سکانس دیگر از فیلم می‌باشند ، و روی همین اصل ، سکانس تصمیم فاطی در مورد رفتن به رشت و یا در واقع پیوستن به مرد مورد علاقه‌اش مهدی سیاه که وی نیز شدیدا خواستار مهناز و یا فی‌الواقع فاطی است و با کتکی که از جانب رقیب عشقی خود «حسن‌سیاه» خورده ، به رشت فرستاده گردیده است تا «حسن سیاه» نتواند بآسانی فاطی را به نامزدی خود درآورد ، فیلمبرداری می‌گردد و در طی این سکانس مفیدی نیز ظاهر شده و ازتصمیم فاطی در مورد سفر به رشت‌مطلع می‌شود ، وبلافاصله پس از پایان یافتن فیلمبرداری ازسکانس‌مذکور، سکانس دیگری جلوی دوربین میرود که مربوط است به اینکه «حسن‌سیاه» از ناپدید شدن فاطی اطلاع حاصل می‌کند وبعد ازآنکه باتفاق خوروش بنقش شمسی که عاشق سینه‌چاك «حسن‌سیاه» میباشد مفیدی جریان رشت رفتن ، فاطی را با «حسن‌سیاه» درمیان می‌گذارد و سبب برآشفته شدن «حسن سیاه» می‌شود .

بهرحال با پایان فیلمبرداری سکانس اخیرالذکر ، همگی بقول منصور مزنیانی مدیر تهیه فیلم به یك عصرانه و بقول اکبری عکاس مخصوص فیلم ، به یك شام میهمان میگردند : و اما پس از این عصرانه و یا شام ، درحالیکه عقربه‌های ساعت حدود ده شب را نشان‌میدهند، اکیپ «حسن‌سیاه» که امروز در حقیقت آخرین‌روز کار چند روزه آنها در خانه «حسن سیاه» بوده و در این چند روز ، کلیه قسمتهای مختلف فیلم که باید درخانه «حسن‌سیاه» اتفاق بیافتد ، فیلمبرداری شد تعطیل‌کار امروز خود را اعلام داشته وقرار براین می‌شود که صبح بقول‌معروف کله سحر فردا ، افراد لازم‌اکیپ عازم رشت گردیده و طی یکی دو روز چند دقیقه‌ای از فیلم را نیز در رشت فیلمبرداری کنند ومن و قربان خلیلی نیز هریك بطرف خانه‌های خود براه می‌افتیم تا صبح فردا یکدیگر را ملاقات‌کرده و برای تهیه دومین ریورتاژ پشت صحنه از «حسن سیاه» و تهیه عکسهائی از آن ، رهسپار رشت شویم . که در شماره آینده مجله، ما حاصل آنرا ملاحظه خواهید نمود .

سلامی دوباره

یك رفتار انسانی داده و وی را به ظاهر مردی شکیبا نشان دهد . ولی البته شابرول لحظاتی را که قهرمان فیلمش تنها می‌ماند ، مغتنم شمرده و طی این لحظات، رنج و تالم روحی وی را از طرق متعدد و از زوایای مختلف ، به وجه قابل تحسینی ، به تماشاگر منتقل می‌سازد . شارل لحظات تنهائی خودرا در خانه‌اش با تماشای فیلمهای خانگی که خود وی از همسرش — که مرده است — ویرش گرفته است ، سپری می‌سازد و این یکی از راههائی است که شابرول جهت انعکاس غم و اندوه «شارل» بدان توسل می‌جوید (نقش شارل را «میشل دوشوسوا» بازی می‌کند که پیش از این در فیلمهای «بازی قتل عام» ساخته «آلن ژسوآ» و «همسر بیوفا» ساخته کلود شابرول شرکت جسته است) .

● شابرول در «قصاب» (حیوان درنده باید بمیرد) اصرار می‌ورزد که کاراکتر اصلی یعنی «شارل» را به عنوان یك «شکارچی» معرفی کند و راننده‌ایرا که فرزند وی را به قتل رسانده است ، به عنوان یك «طعمه» . هدف وی از اتخاد این «نقطه دید» آنست که تعدیلی در احساسات و پیشداوریهای منفی تماشاگران نسبت به کاراکتر ظاهرا منفی فیلم که ناخواسته و غیر عمد و فقط در اثر مسامحه و غفلت — ورزی ، کودکی را کشته است ، به وجود آورد و بهمین خاطر است که کلایماکس فیلم نیز کاملا چیزی خلاف تصور قبلی تماشاگر ازکار درمی‌آید .

شابرول در این فیلم «میشل — دوشوسوا»را درقالب «واریاسیون» و شکلی دیگر از همان کاراکتر مورد علاقه‌اش در تمامی فیلمهایش، نشان می‌دهد . این کاراکتر راخود شابرول ، به کنایه چنین معرفی می‌کند :

«وقتی که شما در خیابان‌راه می‌روید و به چهره مردم می‌نگرید حداقل یکی از این چهره‌ها،ممکن است چهره‌ای متعلق به یك هیولا و به عبارت دیگر یك انسان‌حیوان صفت باشد البته این غیرممکن است که شما بتوانید یك چنین آدمی را از دیگران تشخیص‌دهید بخاطر اینکه رفتارش کاملا مانند رفتار دیگران است و هیچ‌مدرکی از شیطان صفت بودن خود بدست نمیدهد ، ولی این آدم بهرحال قدر مسلم وجود دارد .

بخاطر همین‌من خودم مطمئنم که تابحال بارها در میان مردم به آدمهای جنایتکار برخورده‌ام ، گواینکه هیچوقت با آنها روبرو شده‌ام ، چون آنها را نمی — شناخته‌ام و «میشل‌دوشوسوا» دراین فیلم ، می‌تواند ، یکی از همین قبیل آدمهاباشد ، چون بطورقاطعی قصد ارتکاب جنایت دارد و بنابر این می‌توان وی را یك جنایتکار دانست» .

ترجمه : جمشید اکرمی

باد اسپنسر

دلسوز برادر کوچکش میباشد و مردی است از جان گذشته ودوست داشتنی . در فیلمی که نیمی ازآن درایتالیا ونیم دیگر آن دراسپانیا تهیه میشود و Si Puofare نام دارد بعنوان یك هنرپیشه درجه یك همپایه «جك پالانس» معرفی خواهم شد . این یك فیلم وسترن میباشد که تمام‌آثار وسترن‌ایتالیائی راتحت‌الشعاع قرار خواهد داد . شما دیگر در فیلم با بی‌حرمتی، جنك وجدال و خونریزی روبرو نخواهید شد . داستان فیلم‌سرگذشت یك دهاتی است که در غرب‌زندگی می‌کند، بدون هیچگونه ناراحتی وطی حوادثی‌شیرین ، عشق‌سراغش میآید و فریفته‌دختری زیبا میشود، او خواهرمردی است بنام«سون‌بی» که جك‌پالانس نقش اورا بعهده دارد وبخاطر خشونت بیش ازحد وی راضی بازدواج باو نمیشود . بهرحال ما در فینال فیلم با یك مشت مسائل خوشحال کننده و امیدوار کننده روبرو میشویم که در واقع نقطه ختم ماجراهادرتمام فیلمهای وسترن میباشد .

اکنون «پدرسولی» سابق و «باداسپنسر» فعلی‌بعنوان یك‌هنرپیشه شناخته شده ایتالیائی در تمام دنیا شهرت و محبوبیت دارد. بخصوص آنکه بزودی‌ماشاهد بازی او در فیلمهای دیگری چون : یك گروهان سرباز و ۵مرد — مدال چکمه‌ای — چهار تصویر از مخمل خاکستری خواهیم بود که در واقع تمام آنها ازسری فیلمهای قهرمانی وپرحادثه هستند .

نقل از : بولروفیلم

ترجمه : حسن مرتضوی

نقد ومنتقد درایران

... پس از اتمام تحصیل در مدرسه «سیراکیوز» بنابه پیشنهاد خودم مجله «فیلم و زندگی» را برای اداره هنر های زیبا منتشر کردم (اردیبهشت ۱۳۳۶) و این اولین مجله تحقیقی وتکنیکی در زمینه سینماست که در ایران منتشر شده است و از کار های مهم مطبوعاتیم محسوب میشود وعلت اینکه چرا ادامه‌اش ندادم ، این بود که مسئله نظام‌وظیفه پیش‌آمد و کار مجله بعهده «فریدون‌رهنما» گذاشته شد . پس از خاتمه‌خدمت نظام به اروپا رفتم — در آنجا با مطالعه مجلاتی چون تایم و نیوزویك به مسایل سیاسی‌علاقمند شدم وقتی بایران برگشتم ضمن دادن مطالبی راجع به هنر و نقد و داستان به مجلات فردوسی‌وخوشه بآنها گفتم که بدم نمی‌آید راجع به مسایل سیاسی هم چیز بنویسم ابتدا با ترجمه و سپس با ادغام چند تفسیر از چند نشریه این کار را شروع کردم و بعد این‌نوشته‌ها بصورت اظهار نظر درآمد و تا دو سال مرتب در فردوسی تفسیر های سیاسی می‌نوشتم که خیلی مورد توجه قرار میگرفت و جروبحث‌هائی پیش می‌آورد .

در دوره‌ای که «بامشاد» بصورت مجله در می‌آمد من‌سردبیر مجله هنر و ادبیات آن بودم ودر این دوره تمام کوشش من این بود که مطالب سنگین باشد البته سنگین نه بآن مفهوم که برای مردم قابل درك نباشد .

از جمله کسانی که در این دوره با من همکاری داشته‌هوشنك حسامی و پوران صارمی و شمس‌آل‌احمد بودند و بیشتر توصیه من بآنها این بود که نقد را بلحاظ اینکه مورد توجه مردم است باید طوری نوشت که بیطرفانه وخارج از اغراض خصوصی باشد .

ادامه دارد

برنامه امشب سینما

امپایر

سرگذشت واقعی «آلبرتین سارازان» زنی شکست خورده در زندگی و محتاج عشق و محبت که ماجراهای او مدتها نقل محافل و مجالس بود .



این فیلم در ایران فقط یکبار در سینما امپایر نمایش داده میشود وپس از آن در هیچ سینمای دیگری نشان داده نخواهد شد .

تماشای این فیلم برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال ممنوع است

فیلمسازی آماتوری

میدان شهر که پنجره زندان هم به آن طرف باز میشود ، مردم مشغول تدارك و برپا کردن چوبه دارهستند و صدای تق‌تق چکش نیز درزندان شنیده میشود . دوربین داخـــل زندان را نشان میدهد و کم‌کم به روی صورت زندانی میرود . در همین لحظه که دوربین صـــورت زندانی را در کادر بزرك نـــشان میدهد ، زندانی سرش را بطرفـی که روشنائی میآید (دلیل وجود پنجره در آن سمت) چرخانده و نگاه «معنی‌داری» به آن سو می‌ـ اندازد . صدای تق‌تق چکش و این نگاه باعث میشوندکه «حرکت سر زندانی» دارای مفهوم و خاصـی شود و به تماشاچی این احساس را بدهد که زندانی بفکر اعدام و چوبه داری است‌که دارند برایش میسازند و همچنین در این نگاه و حرکت سر شاید وداع با زندگی، گذشته‌های تلخ و شیرین زندگی و احساسات دیگری نیز نهفته باشد که تماشاچی به قوه تخیل وفانتزی خود آنها را درك نماید (البته در اینجا قدرت بازی‌هنرپیشه و فیلمـ سازی‌کارگردان وفیلمبرداری‌خوب نیز شرط است) .

ادامه دارد

مسیح وحشی

پر زرق وبرق و باعظمت «بـوی فرند» حالا دراین فیلم فقط دونفر هستند که پرسوناژهای اصلی‌فیلمند ودریك اطاق به گفتگو می‌نشینند» «مسیح وحشی» داستان یك مجسمه ساز هنرمند و ماجرای‌عشق عجیب‌و بیگانه او را به زنی باسم «سوفی» بیان میکند که داستانش براساس زندگی یك‌مجسمه‌سازمشهور «هنری گوادیه» بنا شده است . راسل در مورد فیلم مورد بحث میگوید:

این فیلم داستان پیوند میان دو انسان را که از هر جهت باهم فرق دارند، بیان میکند و همین نکته است که مرا به سرحد رضایت وکمال میرساند. مسیح وحشی در واقع سه داستان را در دل خود دارد، داستان‌یك‌عشق‌عجیب، داستان یك ادامه بقاء (زندگی پس ازمرك دیگری) وداستان یك‌مرد هنرمند.

این عشق عجیب حاوی رابطه‌ای است که بین سوفی وهنری گوادیه وجود داشت ودر واقع‌خلاصه کننده این رابطه است. آنها بایکدیگـر زندگی میکردند و دو موجود جدا نشدنی بودنـد_ اما عشق آنها هرگز کامل‌شده‌نبود باوجوداین احساسات آنها نسبت بیکدیگر آنقدر قوی بود که اسامی خانوادگی خـود را باهم ترکیب کردند و رابطه یك خواهر و برادر را پیدا نمودند . اوایل زندگی در لندن، هردو فقیر وبی‌پول بودند ، اما بعدا وقتـی «هنری» یك شغـل منشی‌گری با هفته‌ای چهل وپنج شیلینك دستمزد بدست آورد، وضع‌کمی بهتر شد»

اینك هنری گوادیه یکی از سرشناس‌ترین و نام‌آورترین مجسمه سازان معاصر فرانسه بشمار میرود. وی در سن ۲۳ سالگی در جنك‌اول جهانی به سال ۱۹۱۵ کشته شد و ماجرای زندگی این مرد است که درآخرین ساخته راسل نشان داده میشود. راسل میگوید:

«من اعتقاد عمیقی به نمایش دادن زندگی هنرمندان دارم . یك چیزی که من دلم میخواهد درفیلم «مسیح وحشی» نشان بدهم این‌است که زندگی یك هنرمند در بیشتر اوقات ، سخت و طاقت فرساست و این‌که اگر دیگران هم سخت کوش باشند، می‌توانند در هر زمینه‌ای هنرمند بشوند. من میخواهم دراین فیلم پرده از راز مرموز هنربردارم ونشان بدهم که موفقیت یك‌هنرمند معمولا تا ۵ درصد بستگی به‌الهام و ۹۵ درصد بقیه بستگی به زحمت زیاد کشیدن، وضربات سخت تحمل کردن دارد.»

برنامه این هفته گروه سینماهای

اونیورسال - ایران - پاسیفیک - مهتاب - کریستال - تیسفون - ساینا - پرسپولیس - مراد - مونت کارلو - موناکو - دریا - کارون - داریوش - آستارا «تجریش»

یك فیلم پراحساس و جالب از سینمای ایران

فرشته نجات



باشرکت

ایرج رستمی - شهین

روشنیان - ناتاشا - یدی - جنتی شیرازی

وکودك خردسال افروز

سناریست و کارگردان : رحیم روشنیان
مدیر فیلمبرداری : رضا انجمروز

ضیافت سکس

نورافکنده بود . یکی ازتکان دهنده‌ترین صحنه های این فیلم، صحنه‌ای بود که طی آن جمعی از راهبه‌ها کاملا لخت می‌شدند (و دوربین از تمامی زوایا پیکرهای عریان آنها را نشان می‌داد) تامگر شیاطین را از وجود خود برانند.

کن‌راسل درکار برد دوعنصر «سکس» و «خشونت» درفیلمش‌آن چنان دست و دلبازی و افراطنشان می‌داد که در پاره‌ای لحظات این سیر، ذهن تماشاگر را می‌آشفت که نکند ملعبه دست یک سینماگر [illegible] شده باشد — سینماگریکه به تعمد می‌خواهد تماشاگرانش را چهار شاخ کند !

در «این دوستان خوب» اثر پرمینجر ، مسأله‌ایکه مطرح می‌شد — علیرغم جسارتی که در بطن آن نهفته بود — تازگی چندانی نداشت : ماجرای یك عشق‌ممنوع توام با روابط جنسی نامشروع .

در آخرین نگاه باز به این نتیجه می‌رسیم که «سکسوالیته» تم مسلط فیلمهای نخستین جشنواره فیلم تهران بود و توجه داشته‌باشیم که حتی یك فیلم لبنانی در شرایط «بانوی ماهیهای سیاه» هم‌نتوانسته بود خود را از میدان جاذبه این تم دور دارد و با نهایت تعجب، کاراکتر اصلی این فیلم را ما یك زن «سکس مانیاك» یافتیم !

«سکس» در فیلمهای‌پازولینی ، عالم دیگری دارد ، عالمی وسیع‌و گسترده به سان یك دریا ، که هر چقدر هم در باره آن بنویسی ، در پایان انگار که استکانی ازآب‌دریا برداشته‌ای ، و بنا براین همان به که در این مجال کوتاه خود را سرگردان وادی «سکس» درفیلم‌های پازولینی نکنیم شاید که در آینده ، در مجالی وسیعتر ازعهده این مهم برآئیم .

باهمکاران ما در شهرستانها آشنا شوید



محمد رهی
«نماینده بم»



عبدالله اسماعیل‌زاده
«نماینده بوکان»

یازدهم خرداد شماره مخصوص چهارمین دوره جشنواره سینمائی سپاس درسراسر ایران منتشرمیشود

گزارش فیلم

بقیه کلوت

میدهد، ولی‌ازسوی‌دیگر، «کلوت»ویژگیهای فیلمهای «جنائی‌ـ پلیسی» امروزی راهم ندارد، این بیشتر ناشی ازسهم بسیار کمی است‌که این فیلم ازآکسیون و دلهره و خشونت برده است و نیز بخاطر ریتم آرام (ونه «کند») وفضای خلسه‌انگیزیکه درتمامی سکانسهای فیلم احساس می‌شود وهمچنین کوششی‌که در راه «منطقی کردن» ماجراها به‌کار رفته .

پاکولا به‌عنوان یك کارگردان ، باهمین یك فیلم نویدهای بسیار می‌دهد. بیان تصویری موجز واکونومیك او، درشرایطی که گفتیم فیلم درهیچ لحظه‌ای رها از تاکیدهای عاطفی نیست، تحسین‌ـ انگیز به‌نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال ، به‌یاد آوریم‌که در آغاز فیلم ، طی دو شات متوالی مربوط به‌میز شام (صندلی رئیس خانواده درشات دوم ، خالی است) ، ایده دزدیده شدن یك مرد به‌راحتی به تماشاگر منتقل می‌شود (این صحنه، به‌گفته «ینه‌لویـه‌هاستن» یك پرداخت «شابرولی» دارد!) . وباتوجه کنیم به‌رابطه عاشقانه‌ایکه بین «جان کلوت» و«بری‌دانی‌یل» پدید می‌آید و چه‌گسترش‌منطقی‌وهوشمندانه‌ای در بطن ماجرای اصلی فیلم دارد (صحنه معاشقه اروتیك «کلوت» و «دانی‌یل» بخصوص به‌لطف نورپردازی بسیارمناسب واستادانه«گوردون ویلیس» یکی از زیباترین فصلهای فیلم است) .

جین‌فوندا در قالب «بری‌دانی‌یل» ـ دختر تلفنی شیك و گرانقیمتی که هرگز در زندگیش دختر خوش شانسی نبوده است ـ خود را لایق همه آن جوائزیکه بخاطر این فیلم گرفته است، نشان می‌دهد .

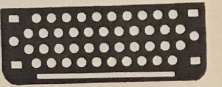
دانالدسادرلند نیز مثل همیشه یك پرفورمانس کامل و بی‌نقص عرضه می‌کند .

● تهیه‌کننده و کارگردان : آلن‌جی‌پاکولا ● سناریو: اندی کی لوئیس، دیولوئیس ● مدیر فیلمبرداری : گوردون ویلیس ● موزیك: مایکل اسمال ● مونتور: کارل‌لرنر ● محصول ۱۹۷۱ کمپانی‌برادران وارنر ● طول زمانی فیلم : ۱۱٤ دقیقه .

● بازیگران : جین فاندا (بری دانی‌یل) ، دانالدسادرلند (جان کلوت) ، روی‌شیدر (فرانك لیگورین) ، چارلز سیوتی (گیبل) ، ریتاگام (آرلینا) و دورتی تریستان (آرلین‌پیج) .

شماره مخصوص چهارمین دوره جشنواره سینمائی سپاس ، با جالبترین رپرتاژها ، تصاویر اختصاصی از برگزاری جشن و تابلوهای رنگی هنرمندان ، ۱۱ خرداد منتشر میگردد .

پاسخ سردبیر



● **مشهد — آقای قاسم الداغی**

۱ — بهروز وثوقی متولد ۱۳۱۶ است و در حال حاضر ۳۴ سال دارد ۲ — وی در فیلم قیصر شریك و سهیم بود و برای فیلمهائی که پس از قیصر بازی کرده است، دستمزدی معادل یك میلیون و دویست هزار ریال دریافت کرده است.

● **بندر ماهشهر — آقای علی نبی‌سعید**

۱ — نامه شما را بقسمت دوست‌یابی دادیم که بموقع چاپ شود ۲ — بامری آبیك به آدرس موسسه پدید (تهران — خیابان فرح شمالی) میتوانید مکاتبه کنید ۳ — به جواب مسابقات شمامیرسد و در لیست مربوطه ثبت میگردد.

● **بندر ماهشهر — آقای نعمت‌اله نبی‌سعید**

جوایز برندگان‌هرهفته توسط پست سفارشی ارسال میگردد اگر تاخیری روی میدهد مقصر پست خانه است نه ما. امیدواریم تاکنون آنهارا دریافت کرده باشید.

● **زنجان — آقای حسن عطائی**

آدرس و پاسخ های شمابرای مسابقه بزرگ سیزده دریافت شده است.

● **آقای مسعود فانی**

ارسال پاسخ مسابقات از اول تاکنون یك مرتبه اشکالی ندارد. اگر علاقمند ادامه آن هستید حتما سعی کنید کلیه پاسخها را برایما بفرستید.

● **آقای شاهین فویدل**

۱ — قائم‌مقامی اینك در آمریکا است و فیلمی بنام درآمریکا اتفاق افتاد تهیه کرد که اواخر سال قبل بنمایش درآمد ۲— فیلمبردار فیلم های هاشم خان و قیصر مازیارپرتو بود ۳ — مهدی مشکی در تهران ۱۵ میلیون ریال و یك اصفهانی در نیویورك ۱۱ میلیون ریال و صمد و سامی ۹ میلیون‌ریال در تهران فروش داشته است.

● **تهران — آقای رامین شهبازی**

از همکاری شما نهایت سپاسگزاریم. میتوانید فعلا نقدهای خود را که می‌نویسید برای صفحه نظرها ارسال دارید تا در فرصت مناسب از شما برای همکاری‌زیادتر دعوت نمائیم. موفق باشید.

● **تهران — آقای شیراله غفاری**

۱— بدون‌دیدن‌دوره‌هنرپیشگی و یا دانشکده میتوانید حرفه هنرپیشگی را اختیار کنید، اما بچه‌وسیله ما بی‌اطلاعیم ۲ — در فیلمهای تبلیغاتی معمولا خوانندگان دیگری بجای مهتار آواز می — خوانند. ۳ — آهنگهای فیلمها را آهنگسازان متعدد میسازندکه معمولا نام آنها در تیتراژ فیلمها قید میشود، مثلا آهنگهای فیلم غلام ژاندارم را انوشیروان روحانی ساخته بود و با یك ارکسترچهارده نفره اجرا شده بود.

● **تهران — آقای مصطفی قریشی**

۱ — اگر ملاحظه میکنید برای بعضی فیلمهای خوب شماره‌ی ویژه‌ای منتشر نساخته‌ایم بعلت عدم علاقه تهیه کننده آن بوده است. زیرا انتشار این شماره‌ها (که البته برای هرفیلمی منتشر نمی‌گردد) مقداری جنبه تبلیغاتی‌دارد ۲ — اگر احیانا تاریخ نمایش فیلم تپلی باانتشار شماره مخصوص سپاس همزمان نشود، حتما برای آن شماره ویژه‌ای منتشر خواهیم‌کرد. در ضمن همایون در فیلم تپلی‌نقش قبلی خود را دارد و با همان لهجه قبلی صحبت می‌کند.

● **مشهد — آقای جواد زینتی**

۱ — تاریخ حرکت اکیپ هنرمندان فیلم بوسه برلبهای‌خونین بمشهد هنوز بطور دقیق معلوم نیست، در صورت حرکت، حتما خبرش را در مجله مطالعه خواهید کرد ۲ — ایرج قادری برای بازی و کارگردانی فیلم اتل‌متل توتوله هفتصد هزار ریال دریافت کرده است.

● **همدان — آقای صادق قطبیان**

از اینکه در نام فامیل شما اشتباهی روی داده است متاسفیم، امیدواریم این بار این اشتباه پیش نیاید. در مورد کاغذ متن مجله تلاش ما آن است که تاحد امکان از کاغذ های فعلی استفاده کنیم و اگر ملاحظه می‌کنید بعضی‌مواقع تغییر میکند بدان جهت است که در بازار تهران از آن نوع کاغذ موجود نیست.

● **تویسرکان — آقای محمدرضا عباسی**

۱ — رضا فاضلی جهت شرکت در هرفیلم سیصد هزار ریال‌دریافت میکند ۲ — ناصر ملك مطیعی — تهمینه — ژاله — نصرت‌الله محتشم و نریمان بازیگران‌فیلم‌طلسم شکسته بودند ۳ — چاپ عکس لیلافروهر و مجید فریدفر در حال حاضر لزومی ندارد.

● **مشهد — آقای حمید معین درباری**

۱ — دستمزد آغاسی برای فیلم خیلی‌هم ممنون یك میلیون ریال است ۲ — بهمن مفید سیصد هزار ریال دستمزد دریافت میکند و برای فیلمهائی که نامبردید‌همین مبلغ را گرفته است ۳ — برای آغاسی به آدرس لاله‌زار — تآتر پارس نامه بنویسید.

● **شاهی — آقای حبیب قاسمزاده**

برای آنکه در مسابقات مجله شرکت کنید، باید پاسخ‌های خود را بقسمت مسابقات ارسال دارید. مدت دریافت پاسخ مسابقات از شهرستانها یك ماه است و بدین ترتیب حتمانامه شما بدست‌ماخواهد رسید.

● **تهران — آقای قباد خزائی**

بازی ملك مطیعی در هر فیلمی بنابخواست تهیه کننده و کارگردان آن است والا ملك‌مطیعی از کسی تقلید نمی‌کند که اعتراض کرده‌اید بعد از داش‌آکل که بهروز وثوقی در آن بازی کرده است، وی در فیلم قلندر شرکت نموده. علی حاتمی‌نیز مقلدکیمیائی نیست و خود وی در کارفیلمسازی دارای سبك مشخصی است.

● **آقای جهانگیر احمدی**

ما هر هفته در حدود یك هزار نامه برای رفراندوم مجله دریافت می‌کنیم و بالطبع هرهفته می‌بایست حائزین اکثریت تغییر نمایند بخصوص آنکه رقابت در هفته های آخر شدیدتر بوده است و دراین هفته‌نیز برندگان‌رفراندوم مشخص شدند. دستمزد بهروزوثوقی تامرز یك میلیون و هشتصد هزار ریال رسید ولی درحال حاضر کمتر است. اما ملك مطیعی نیز برای هر فیلم یك میلیون و پانصد هزار ریال دریافت می‌کند.

● **آقای علی‌اکبر الهامی**

۱ — فیلم پروانه که توسط ماردوك الخاص ساخته شده بود پس از تغییراتی که در آن داده شد بانام دیگری بنمایش درآمد ۲ — حرکت سریع را در اصطلاح سینمائی «فاست موشن» میگویند و طرز فیلمبرداری آن بدینصورت است که بطریقه آهسته فیلمبرداری می‌کنند و بطریقه سریع نمایش میدهند.

● **اصفهان — آقای محمد رضا قندهاری**

۱ — شماره نوروز ۱۳۵۱ در دفتر مجله موجود است میتوانید با ارسال ۲۵ ریال تمبر باطل نشده آن را دریافت دارید ۲ — بالطبع وقتی که‌عنوان‌صفحه «پاسخ‌سردبیر» است، سردبیر مجله پاسخ نامه‌هارا میدهد.

بقیه در صفحه ۳۵



چهارمین جشنواره سینمائی
سپاس
تهران ـ اردیبهشت ۱۳۵۱

بزرگترین شب‌نشینی هنری سال
در هتل «اینترکنتیناتال»
بمناسبت اهدای جوایز
چهارمین دوره
جشنواره سپاس

در این ضیافت بزرگ و پرشکوه که در حضور کلیه هنرمندان بزرگ سینما، تلویزیون و رادیو برگزار خواهد شد و از ۹ بعد از ظهر تا دو بامداد ادامه خواهد داشت خوانندگان بزرگ و برگزیده و محبوب شما شرکت‌خواهند کرد.

کارت ورودی این شب‌نشینی بزرگ‌وباشکوه سال را ازدفتر فیلم وهنر وسندیکای هنرمندان فیلم ایرانی تهیه فرمائید

سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی : مقابل دانشگاه تهران ـ خیابان سزاوار ـ بین فروردین و اردیبهشت

آدرس دفتر مجله فیلم وهنر : چهار راه دروازه‌دولت ـ اول روزولت ـ شماره ۲ ـ آپارتمان ۱۰



ایرج مهدیان : مرد



● قرار است ایرج مهدیان که بدنبال یك نامزدی طولانی ، تا چندی دیگر طوق ازدواج بگردن میاندازد ، باجرای آهنگی ازساخته های حسین واثقی کمسعود هوشمند شعری برروی آن تنظیم نموده در فیلم «مرد» بپردازد و تاتکی دو هفته دیگر، این آهنك باصدای مهدیان ضبط خواهد گردید تا در فیلم مزبور گنجانده شود.

گیتی وسمفونی موزارت !

● برروی سمفونی شماره چهل موزارت، ایرج جنتی عطائی میناسدی و کریم محمودی‌اشعاری ازسرودههای خویش رانظیم کرده و آنرا دراختیار گیتی که چند روزی است از سفر خارج باز گشته وانترورزها بخاطر ضبط آهنك های جدید متعددی که قرار اجرای آنرا گذاشته، نقولی یك پایش در رادیو، تلویزیون و... کاباره است ویك پای دیگرش در استودیوهای ضبط، گذاشته‌اند تاگیتی بابهترین شعر ، این سمفونی را اجرا نماید و بـاین ترتیب بعـد از راه‌یابی مـوسیقـی جـاز و غـیـره و

وغیره تودالك بەموسیقی ایران ، اکنون‌ساخته‌های آهنگسازان بزرگ بین‌المللی نیز درنونه اجرا توسط خوانندگان ایرانی قرار میگیرد.

یکمشت سئوال و جواب

با : عارف

● آیا فعالیتهای هـنـری ، میتواند نقشی در تزلزل زندگـی خانوادگی‌ات داشته باشد ؟

– نه، ومن این را بیشتر مدیون همسرم میدانم ، همسری که به زیر وبم زندگی یك هنرمند ، توجه خاص دارد و هرگز زود تحت تاثیر گفته‌ها وعکس‌العملهای مختلف قرار نمی‌گیرد و بـدون اغراق، از واقع بین‌ترین زنهـای دنیاست.

● رابطه تو با طرفدارانت در چه حدودی است ؟

– والله من پیوسته سعـی کرده‌ام که تاحد امکان باصطلاح «مردم نگهدار» باشم و باور کنید که من بدور از هر نوع تظاهر، به مردم احترام بی‌اندازه‌ای می‌گذارم همانطوریکه حس کرده‌ام آنها نیز موید من در عالم هنر بوده‌اند، و من بشخصه اینرا مسلم میدانم که موقعی یك هنرمند مدارج سقوط را

خداحافظ دلکش!

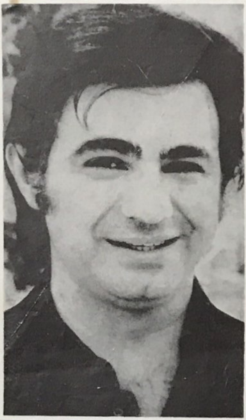


● دلکش که اولین‌بار برای هنرمندان کلوب دایـر نمود ، از آنجا که مورد استقبال عده‌بیشماری جماعت غیر هنرمند ولی هنردوست نیز قرار گرفت و کلوب مزبور امکان پذیرایی آنهارا ندارد ، در صدد یافتن مکان جدیدی است که کلوب‌را بآنجا انتقالدهد وناگفته نماند این تغییر مکان، در نحوه اجرای برنامه‌های کلوب نیزتحولی بوجود خواهد آورد. ضمنا دلکش مصمم است در تابستان سال جاری سفری به چند کشور اروپائی نموده تا ترتیب ادامه تحصیلات یگانـه فرزندش را در یکی از پانسیون های معتبر جهانی بدهند

کانون موزیك دایرشد

● چندی است که عطاءالله خرم وپرویز مقصدی و چنـدان دیگر کانونی موسوم بـه کانون موزیك دایرکرده و تصمیم دارند که ضمن ترتیب دادن برنامه‌های هنری برای خوانندگان مختلف ، فعالیتهای هنری مشترکی را بین آهنگسازان و ترانه سـرایان و همچنین خوانندگان سبب گردند ودر واقع تمرکزی اساسی به کار های پراکنـده دست اندرکاران موزیك بدهند ، وباید دید تا چـه حد این «ایده»ها به مرحله اجرا درخواهد آمد.





می‌بیماید که به مردم «پشت» نماید ومن اولا در تماسهائی که با مردم داشته‌ام ، خود را از آن آنهادانسته و در ضمن به‌تمام نامه‌هائی که‌برایم می‌فرستند بنوعی ترتیب اثر داده و میدهم و در آینده هم خواهم داد.

● **آیا خیال نداری که کار بازیگری در فیلمها را که زمانی به‌آن روآوردی ، از سر نگیری ؟**

ـ تازمانی که فقط و فقط «خوانندگی» من برای فیلمسازان مطرح باشد، منهم ترجیح میدهم که دور بازیگری را خط کشیده و به خواندن بدون ظاهر شدن در فیلمها اکتفاء نمایم.

● **با رقابت در کار هنری موافق هستی ؟**

ـ رقابت، در صورتیکه‌رقیب را به تقلید کورکورانه وانداردە، مورد تائید من میباشد و من انکار نمی‌کنم که خودم هم از جمله‌کسانی بوده‌ام که رقابت ، نقش مهمی در کار هنری من داشته و هنوز نیز اگر پایش بیافتد، رقابت را پذیرا می‌گردم !

● **در زندگی بیش از همه خود را مدیون چه کسی میدانی ؟**

ـ مدیون مادرم، مادری که خون‌دلها خورد تا عارف موفق شد روی پای خودش بایستد و من هیچگاه نمی‌توانم منکر این شوم، وصراحتا می‌گویم که عارف حاضر است غلام حلقه‌بگوش مادرش باشد.

● **اوقات فراغت خودرا بچه ترتیب می‌گذرانی ؟**

ـ موقعی بود که وقت داشتم در اوقات فراغت ، بەمطالعه کتاب بپردازم و یا کارهائی از این قبیل، ولی حالا کارهای هنری پی‌گیر و رسیدگی به مسائل مربوط به آن ، آنقدر خسته‌ام می‌نماید که خواب، برنامه اوقات آزاد مرا تشکیل میدهد وبس !

● **در میان همکاران خواننده خود، شخصا صدای کدامیك را ترجیح میدهی ؟**

ـ من همیشه به ویگن و هنر خوانندگی‌اش احترام گذاشته و هنوز نیز ضمن ارادت نسبت به‌همه خوانندگان این مرز وبوم ، صدای ویگن را تائید می‌کنم و ضمنا نمی توانم دراینجا از دلکش هم یادنکنم که بنظر من واقعا «سالار خواننده» است !

● **و آخرین سئوال اینکه ، هدف کلی تو چیست ؟**

ـ «زندگی» بمعنی کلمه ...

یك شعر

دوآهنگساز و دو خواننده !

● **چندی پیش شعری در** یکی دو مجله بچاپ رسید که «تو حساب خوشگلیت از همه خوشگلا جداست» عنوان این شعر بودومحمد علی بهمنی سراینده این شعرمحسوب می‌شود. واما از طرفی هاملت میناسیان بادراختیار داشتن این‌شعر آهنگی ساخته که فریدون فرخزاد باجرای آن پرداخت و از طرف دیگر ، علیرضا خواجه نوری یك آهنك برروی همان شعرتنظیم کرده وآنرا برای اجرا در اختیار ناصر قرار داد، ودر واقع دو آهنگساز از یك شعراستفاده کرده‌اند :

دل‌نمیخواد، دل‌نمیخواد ...

● میخوام که باتو بد کنم
ترك تو تا ابد کنم
میخوام که چند روزی برم
فکری برای این دل
میخوام که گریونت کنم
این دل دیوونه سرو
میخوام تو دشت قلب تو
گم بشم از پیش چشات
میخوام فراموشت کنم
با غم هماغوشت کنم
میخوام که چند روزی برم
فکری برای این دل

دل نمیخواد ، دل نمیخواد
دل نمیخواد ، دل نمیخواد
چاره ناچار بکنم
خسته و بیمار بکنم
از سینه بیرونت کنم
عاقل و هشیار بکنم
دونه هاتم بکارم
دنیاتو از هم بپاشم
دل نمیخواد دل نمیخواد
دل نمیخواد دل نمیخواد
چاره ناچار بکنم
خسته و بیمار بکنم

این متن شعر «دل نمیخواددل نمیخواد» است که در بالا آمد و چند روز پیش رامش به ضبط این ترانه جدید که آهنك آن‌توسط پرویز مقصدی ساخته شده و ضمناسومین آهنك پرویز مقصدی می‌باشد که مینا اسدی ترانه سرای آن بحساب می‌آید این ترانه بزودی از رادیو پخش خواهد شد.